

یادداشت سیاسی ...

علیه این تبهکاری باید قیام کرد

مهدی سامع

صفحه ۲

سرمقاله ...

از رانندگی "قطار بی دنده و ترمز" تا وارونه نشینی بر چارپای توافق ژنو

منصور امان

صفحه ۳

در این شماره می خوانید :

طرح بودجه ۹۳، برنامه گسترش فقر و بی عدالتی
زینت میرهاشمی

صفحه ۴

نلسون ماندلا؛ پایان آپارتاید نژادی به بهای آپارتاید
طبقاتی

لیلا جدیدی

صفحه ۵

گزارش صد روزه روحانی، جیب خالی، بُز عالی
جعفر بویه

صفحه ۷

مالکی زیر فشار همه جانبه

آناهیتا اردوان

صفحه ۹

چالشهای معلمان در آذر ماه

فرنگیس بایقره

صفحه ۱۰

تلاش ارتجاع برای رسوخ روحانیون در مدارس
شهره صابری

صفحه ۱۱

استثمارجنسی و ابعاد فاجعه بار آن

ناصر ناصری

صفحه ۱۲

در سوگ مادر سلاحی

صفحه ۲

در غم درگذشت کاک عمر یزدان پناه

صفحه ۲

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند

شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۱۴

ویرجینیا - آمریکا

چهل و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل

سخنران: زینت میرهاشمی

بررسی مسائل روز در فراسوی حماسه سیاهکل

گفتگو و تبادل نظر: زینت میرهاشمی و منصور امان

برنامه هنری: کارگاه هنر ایران، فریدون رضوانی

مجری برنامه: لیلا جدیدی

زمان: شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۱۴ برابر با ۲۶ بهمن

۱۳۹۲

شروع برنامه: ساعت ۷ شب

آدرس

Frying Pan Park (visitor center)

West Ox Road ۲۷۰۹

Herndon, VA 20171

یادداشت سیاسی ...

علیه این تبهکاری باید قیام کرد

مهدی سامع



در سوگ مادر سلاحی

با تاسف و تأثر بسیار خانم صدیقه حائری (مادر سلاحی) امروز شنبه ۹ آذر درگذشت. مادر سلاحی، زنی شجاع و فداکار بود که در سنگر مبارزه علیه ظلم و بیدادگری همیشه استوار می‌رزمید. سه فرزند مادر سلاحی رفقای فدایی جواد، کاظم و حسین در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه و برای آزادی و عدالت به شهادت رسیدند. رفیق مادر پس از انقلاب در کنار فرزندان به مبارزه علیه استبداد دینی ادامه داد و در این راه مسئولیتهای سخت را پذیرا شد و سرانجام در روز شنبه ۹ آذر ۱۳۹۲ در سوئد درگذشت.

درگذشت مادر سلاحی را از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به فرزندان و فامیل مادر سلاحی، به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی و به همه آزادیخواهان ایران تسلیت می‌گویم.

مهدی سامع

شنبه ۹ آذر ۱۳۹۲ - ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳

در غم درگذشت کاک عمر یزدان پناه



با اندوه فراوان و تاسف بسیار آقای عمر یزدان پناه در روز ۱۶ مهر ۱۳۹۲ (۸ اکتبر ۲۰۱۳) در شهر اربیل (کردستان عراق) درگذشت. زنده یاد کاک عمر خان مردی دلیر، پدري فداکار و مبارزی مقاوم علیه ارتجاع بود. در دوران جوانی از یاران قاضی محمد بود و پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ از پشتیبانان جنبش مقاومت مردم کردستان. دو فرزند کاک عمر، زنده یادان رشید (سمکو) و سعید با انتخاب مبارزه برای آزادی و عدالت به شهادت رسیدند. فدایی

شهید رفیق رشید (سمکو) در یک نبرد قهرمانانه در شهر بوکان به شهادت رسید و انقلابی شهید رفیق سعید به وسیله عوامل جمهوری اسلامی در شهر سلیمانیه ترور شد. زنده یاد کاک عمر یزدان پناه که یار و پشتیبان مبارزه مردم کرد و مبارزه فرزندان بود، به علت فشارهای بی حد سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۳ با برجا گذاشتن تمام هستی خود شهر بوکان را ترک و به فرزندان پیوست.

زنده یاد کاک عمر تا وقتی زنده بود دور از زادگاهش زیست و با تنفر و انزجار از رژیم ولایت فقیه ما را ترک کرد.

از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، درگذشت زنده یاد کاک عمر یزدان پناه را به دایه امین، به فرزندان و به فامیل کاک عمر و به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، به مردم کردستان و به همه آزادیخواهان تسلیت می‌گویم.

مهدی سامع

نیروی انسانی و... را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد؛ چنین است سیمای رژیم ایران. با جلوگیری از هدر رفتن سالانه گاز ایران می‌توان بر بسیاری از معضلات و نابسامانیها غلبه کرد. به گزارش رادیو فردا (۱۴ آبان ۱۳۹۲)، در سال ۲۰۱۱ میلادی معادل هفت میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار از گازهای همراه با نفت ایران سوخته و به هدر رفته است.

اگر چنین حجمی از سرمایه صرف کشاورزی ایران می‌شد، ما اکنون در وضعیتی نبودیم که بخش عمده مواد غذایی مورد نیاز را از خارج وارد کنیم.

همه اقتصاددانان مستقل و حتی برخی از اقتصاددانان وابسته به باندهای درون هرم قدرت بر این نکته اتفاق نظر دارند که افزایش این چنین ویرانگرانه نقدینگی در گام اول منجر به بر باد رفتن دو سوم دارایی اکثریت قاطع مردم ایران شده است. حال اگر این پدیده را با مساله نرخ تورم و سقوط بی‌دنده و ترمز قدرت خرید مردم در نظر بگیریم ابعاد فاجعه و فلاکت بیشتر روشن می‌شود. انبوه مردم محروم و ستمدیده ایران وقتی با چنین حقایقی دست و پنجه نرم می‌کنند و یک باره خبردار می‌شوند که در بودجه پیشنهادی دولت «اعتدال و امید»، بودجه نهادهای نظامی و انتظامی و شورای نگهبان و... بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش دارد، در چه وضعیت دشواری از نظر روحی قرار می‌گیرند.

مردمی که با گوش خود شنیدند که «تحریمها کاغذ پاره» است و تحریم کنندگان باید در

برای خروج از این فلاکت و فاجعه باید به طور شفاف و با صدای بلند فریاد زد که راهی جز مبارزه و قیام برای خروج از این شرایط وجود ندارد.

انتشار برخی از ارقام دزدی و اختلاس از جانب سران حکومت و افراد تازه به دوران رسیده ای که در حاشیه قدرت برای باندهای درونی قدرت کارچاق کنی می‌کنند، دلایل سیر قهقراپی اقتصاد ایران را بیشتر روشن کرد. هم سید علی خامنه ای با امپراطوری مالی که فقط از طریق مصادره ها و به ویژه مصادره زمینهای مردم و یا زمینهای عمومی بیش از ۹۰ میلیارد دلار چپاول کرده و هم سرمایه چپاولگرانه افرادی همچون بابک زنجانی و رضا ضراب و یا رشوه و باج دادن آنها تحت عنوان «هدیه» هم اوضاع فاجعه بار اقتصاد ایران را روشن می‌کند و هم سیمای ولایت خامنه ای را در مقابل چشم همگان به نمایش می‌گذارد.

جامعه ایران در تمامی عرصه های مدنیت مدرن طی دوران جمهوری اسلامی سیر قهقراپی طی کرده است. وقتی خمینی علم اقتصاد را به سُخره گرفت، پیش بینی نمی‌کرد که جانشین او یک کوتوله سیاسی را چنان بال و پر می‌دهد که «اقتصاد» در جمهوری اسلامی هیچ معنی و مفهومی جز رانت خواری، دزدی، فساد، غارت، چپاول، فقر، ویرانی و... پیدا نمی‌کند.

آتشی که طی ۸ سال زمامداری محمود احمدی نژاد، که با پشتیبانی کامل ولی فقیه و سپاه به قدرت رسید، بر خرمن اقتصاد و هستی مردم افتاد بدون تردید در تاریخ ایران بی سابقه است. مردم ایران در تاریخ خود روزگارهای سخت و

انتظار «پاره شدن تحریم دون» خود باشند، اکنون از مُهره های ریز و درشت حکومتی می‌شنوند که تحریمها موثر بوده تا جایی که مقام معظم را به یاد «نرمش قهرمانانه» انداخته است.

استناد به هزاران گفته و نوشته ی سرکردگان و کارگزاران رژیم در ۱۰۰ روزه اول دولت روحانی، برای تشریح ابعاد فاجعه و فلاکت که دامنگیر مردم و کشور شده، کار این یادداشت کوتاه نیست. در این یادداشت عامدانه وارد حوزه سیاست و ابعاد سرکوبی و استبداد هم نشدم. باید با صراحت به مردم در مورد ابعاد فاجعه هشدار داد. مردم با گوشت و پوست و خون خود ابعاد تبهکاریهای حکومت را به طور روزمره احساس می‌کنند و نیازی به ردیف کردن آمار و ارقام ندارند. اما برای خروج از این فلاکت و فاجعه باید به طور شفاف و با صدای بلند فریاد زد که راهی جز مبارزه و قیام برای خروج از این شرایط وجود ندارد.

طاقت فرسایی داشته اند. اما اگر این دوره ۸ ساله را با توجه به درآمد هنگفت و بی سابقه نفت مورد بررسی قرار دهیم، به بن نتیجه می‌رسیم که این سقوط بی‌دنده و ترمز به راستی بی سابقه است. تأکید این نکته خالی از ضرر نیست که مسئول مستقیم و بلاواسطه چنین روند قهقراپی نه محمود احمدی نژاد که سید علی خامنه ای است. پس از ولی فقیه، سپاه پاسداران مسئول این فاجعه بی سابقه و محمود احمدی نژاد در ردیف سوم قرار دارد.

حاصل ثروتمند ترین دولت در تاریخ ایران (حدود ۹۸۰ میلیارد دلار درآمد)، افزایش بی حد و مرز اختلاف طبقاتی، افزایش رانت خواری، کاهش بی سابقه رشد اقتصادی، سونامی نقدینگی و به دنبال آن سیر صعودی نرخ تورم، آلودگی محیط زیست، افزایش نرخ بیکاری، تراکم و انباشت ناهنجاریهای اجتماعی، رشد اعتیاد و تن فروشی است.

اقدامات ویرانگر علی خامنه ای و یا بابک زنجانی، رضا ضراب، سعید مرتضوی و... از یک طرف و به هدر دادن و نابود کردن تمامی منابع کشور مثل آب، جنگل، خاک، منابع زیر زمینی،

سرمقاله ...

از راندگی "قطار بی دنده و ترمز" تا وارونه نشینی بر چارپای توافق ژنو

منصور امان

چیزی انجام می‌گیرد، مَهْم این است ما سر اصول با یکدیگر توافق کردیم." وی روشن نساخت که در صورت محوری بودن "توافق سر اصول"، علت پافشاری قبلی او و همگنان بر کامل بودن سند و تکذیب قاطعانه پنهان سازی بخشهایی از آن چه بوده است. کمی بعد تر و با دشوار و باورناپذیر شدن هر چه بیشتر سیاست گمراه سازی و خلاف گویی در باره اسناد، مسوولان و گردانندگان آن به حيله دیگری برای ماله کنسی "نرمش قهرمانانه" و مقابله با انتقادات درونی متوسل شدند. آنها اطلاع دادند که "توافق ژنو" یک "توافق حقوقی" است که "شبهه بیابنه سیاسی" است و سپس دعوت به شادی کردند که "اداری تعهدات الزام آور نیست." آقای عباس عراقچی، یکی از فرستادگان به ژنو، برای استحکام بخشیدن به ژست تازه، اطمینان داد که "در جریان مذاکرات دو بار قهر کردیم."

از گردنکشی تا گرنش تمام قد

تلاش طاقت فرسایی که حاکمان کشور برای وارونه نمایی به خرج می‌دهند و هزینه سنگین که برای تقلب فضیحت بار در یک بازی روباز در حضور همگان می‌پردازند، ضرورتی سیاسی و امنیتی برای آنها به حساب می‌آید؛ چرا که سیاست نابخردانه و ماجراجویانه دستیابی به جنگ افزار هسته ای به شکست انجامیده، قدرت نمایی پوشالی، گرنش تمام قد و تسلیم همه جانبه را در پی داشته و این وضعیت بند به بند و به گونه مکتوب در قرارداد ژنو به ثبت رسیده و آقای خامنه ای و زبردستان بر آن امضا گذاشته اند.

بر اساس قرارداد مزبور که باندهای رقیب حکومتی آن را "ترکمنچای جدید" یا "عقب نشینی ذلت بار" می‌نامند، رژیم ولایت فقیه برنامه تولید جنگ افزار هسته ای خود را منجمد کرده، کلیه فعالیت‌های هسته ای که در ارتباط با آن قرار دارد یا می‌تواند در خدمت آن قرار بگیرد را متوقف ساخته یا به عقب برمی‌گرداند و در نهایت خود را تحت نظارت و کنترل اژانس و کشورهای طرف قرارداد خویش می‌گذارد. در این راستا آقای خامنه ای و شرکا - آن سوی "خط قرمز"هایی که به مناسبت‌های مختلف نقاشی کرده اند - در گام اول شش ماهه به بیش از ۲۰ تعهد مشخص برای جلب رضایت طرفهایشان گردن گذاشته اند که کم و بیش در همه نسخه های اسناد علنی مشاهده پذیر است.

بقیه در صفحه ۴

این نکته کوچک را نیز فراموش کرده اند که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون از اجرای تعهدات همراه با پیمان نامه مزبور که در پروتکل الحاقی فرمولیزه شده، طفره رفته و بر این اساس با به رسمیت نشناختن تعهدات مندرج در پیمان نامه، مشمولیت خود در حقوق ناشی از آن را نیز بی موضوع ساخته است. خودداری گردانندگان پروژه نظامی هسته ای از امضای این قرارداد شفاف گر و محدود کننده، خود یکی از موارد مناقشه است. هم از این روست که حاکمان کشور زیر فشار طرفهای خارجی در ژنو متعهد شده اند که: "پروتکل الحاقی در چارچوب اختیارات رییس جمهور و مجلس (پارلمان ایران) تصویب و به اجرا درآید." (متن انگلیسی توافق ژنو، بخش "عناصر گام نهایی راه حل فراگیر"، صفحه ۴)

ظهور ضمیمه پنهانی، دگردیسی

توافق به بیابنه

این اما پایان شعبده بازی "نظام" و دست پروده هایش با "نرمش" کذایی نیست. پیرامون حجم کامل و واقعی توافقنامه نیز تردیدهای مشخصی وجود دارد که به ویژه پس از انتشار نسخه کاخ سفید از آن تقویت شده است. پایوران جمهوری اسلامی در هر فرصتی از "چهار صفحه" سند سخن می‌رانند و بدینگونه بر کامل بودن آنچه که منتشر کرده اند، تاکید می‌ورزند. اما در سند منتشر شده از سوی آمریکا، رقمهای دقیقی از برخی توافقهای مالی ذکر گردیده که در سند اصلی وجود ندارد و بیانگر وجود توافقهای جزئی تری است که یا در سند علنی حذف شده و یا به صورت جداگانه به آن ضمیمه گردیده است. حتی در نسخه منتشر شده توسط وزارت خارجه مَلاها نیز دستکم در دو جا برای توضیح یک بند به "توافق" ی ارجاع داده می‌شود که در سند موجود نیست.

در این میان حجت الاسلام روحانی نیز بر گمانه پنهان سازی بخشهایی از توافقات صحنه گذاشته است. او در گفتگو با تلویزیون دولتی در حالی که تلاش می‌کرد گنگ و مبهم حرف بزند، وجود "ضمائم اجرایی" در توافقنامه ژنو را تأیید کرد. وی که اعتراف خود را با قید "شاید" و "ممکن است" گرد می‌کرد، توضیح داد: "ممکن است یک سند ضمیمه یا الحاقیه ای برای اجرا داشته باشیم."

آقای روحانی بیدرنگ برای بی اهمیت جلوه دادن مخفی سازی تعهدات مشخص "نظام" افزود: "اصلا در این توافق مَهْم نیست در این شش ماه چه

متقابله در ترجمه آن آغاز گردید، امری که بی درنگ توافق رسمی "نظام" را به یک مَعْمای چند جوابی تبدیل کرد و گرد حل آن مسأله ای داغ با شرکت نمایندگان مجلس مَلاها، اعضا و رهبران باندها و دسته بندیهای رقیب، خبرگزاریهای و رسانه های رسمی و جز آنها را به راه انداخت که با وجود گذشت نزدیک یک ماه هنوز با همان شدت و حرارت ادامه دارد و هر روز نکته های تازه تری از "بازی بُرد - بُرد" آقای خامنه ای و زبردستانش را از پس پرده بیرون می‌آورد. جالب اینجاست که رهبر جمهوری اسلامی در پاسخ به نامه حجت الاسلام روحانی در مورد "توفیق الهی" ژنو، حبله گرانه حساب خود را از گزارش فتح خیالی وی با جمله شرطی و رسوا کننده "آنچه مرفوم داشته اید" جدا کرد. این می‌تواند یک اقدام پیشگیرانه در مورد آشکار شدن بعدی دروغهای شفاهی و کتبی باشد که بدون تردید با آگاهی و موافقت خود وی پخش و پراکنده می‌شود.

پس از انتشار توافقنامه ژنو از سوی طرفهای خارجی و امکان مقایسه با گفته ها و اسناد ارایه شده از سوی وزارت خارجه مَلاها، مرحله بعدی سفیدشویی "نرمش قهرمانانه" سر رسید. اکنون انکار تفاوت شکفت انگیز محتوایی و شکلی بین این دو بی ثمر بود و می‌بایست توجه تازه ای تراشیده می‌شد. این آغاز موجی از تفسیرهای دلخواهی، اشارت خوانی و بزرگ واقعیت است که هدفی جز پشت سر گذاشتن اسناد و تولید فاکت‌های ساختگی را دنبال نمی‌کند.

آقایان روحانی، ظریف، عراقچی، لاریجانی و همگنان تاکید دارند که "حق غنی سازی" به رسمیت شناخته شده، "فروپاشی سازمان تحریم" آغاز شده و هر آنچه غیر از این، "دروغ"، "نقض توافق" و "روایت آمریکایی" است. البته آنها لزومی نمی‌بینند که برای مثال نشان دهند "حق غنی سازی" مورد اشاره شان را در کدام بخش، پاراگراف یا فرمول بندی می‌توان یافت. این کمبود به تازگی با یک استدلال نوآورانه دیگر جُبران می‌شود که بر اساس آن استدلال می‌گردد چون این حق در پیمان نامه منع گسترش سلاحهای هسته ای (NPT) قید گردیده، بنابراین به گونه خودکار جمهوری اسلامی نیز از آن برخوردار است و بدین ترتیب اشاره یا عدم اشاره به آن در اسناد ژنو یکسان است. البته مُخترعان این بُرهان صرف نظر از به ریشخند کشیدن "نظام" برای شرکت در یک مذاکرات بدون موضوع،

رژیم جمهوری اسلامی زیر فشار تحریمهای اقتصادی بین المللی و بیم از طغیان داخلی، به ناچار از پروژه ساخت بُمب اتمی عقب نشسته و بدین ترتیب پایه و بُنیان فعالیت‌های بحران زای هسته ای خود در طول دهه گذشته را زیر سوال برده است. با این حال، هیچکس در زیر "خیمه نظام" و از همه کمتر آقای علی خامنه ای و گردانندگان این ماجراجویی، مسوولیت تصمیمهای اشتباه و خامناب برپاد ده خویش را نپذیرفته است. برعکس، آنها از یک طرف با حرارت و جدیت در باره مُفاد توافقنامه ای که در ژنو مجبور به امضا شده اند، لاف می‌زنند و دُروغ می‌گویند و از طرف دیگر، رخت عوض کرده و این بار در نقش ناجیان مُصیبت پدیدار شده اند.

رویکرد فریبکارانه رهبران و پایوران نظام ولایت فقیه اگر چه یک واکنش غریزی - بدوی حفاظت از خود است که آن را نزد هر دُزد گرفتار آمده ای که با شاهدان و مالباختگان رو به رو شده می‌توان سراغ گرفت، اما همزمان سیاست شکست خورده خود و مُحاسبه در چارچوب انحصاری سود و زیان خویش بدون اعتنا به منافع کشور و شرایط زیست و کار مردم آن، به نمایش می‌گذارد.

در همین حال، تصفیه حساب نکردن با سیاست پیشین و استراتژی طراحی شده بر مبنای آن، به معنای دست نخورده ماندن ساختارهای سیاسی، مراکز تصمیم گیری و محرک‌های اجرایی است که گرد برنامه دستیابی به سلاح هسته ای ایجاد گردیده است. حفظ این فضا، امکان مانور برای جر زنی، کارشکنی و بر هم زدن توافقات در صورت تغییر شرایط را ایجاد می‌کند و آبیستن بُحرانهای بُزرگتر است.

بنابراین، یک گام مَهْم در جلوگیری از شکل گرفتن این سناریو، شفافیت بخشیدن به توافق ژنو، توجه دادن به نقش و مسوولیت طراحان و مُجریان سیاست به بُن بست رسیده اتمی و برانگیختن جامعه به طلب سهم خود از چرخش اجباری حکومت است.

فریبکاری، نیازی سیاسی -

امنیتی

تقریباً همزمان با اعلام امضای توافقنامه بین رژیم جمهوری اسلامی و شش کشور، تلاش پایوران و کارگزاران حکومت برای گمراه ساختن جامعه پیرامون مُفاد آن و تعهداتی که "نظام" پذیرفته، آغاز گردید. این امر ابتدا با انتشار ناقص سند ژنو و دستکاری

طرح بودجه ۹۳، برنامه گسترش فقر و بی عدالتی

زینت میرهاشمی

از راندگی "قطار بی دنده و ترمز" تا وارونه نشینی بر چارپای توافق ژنو

بقیه از صفحه ۳

پیرامون ماده و بُنیان بحران هسته ای یعنی "غنی سازی اورانیوم" یا آنچنان که آقای خامنه ای و شرکا می نامیدند "حق مسلم"، حاکمان کشور اختیار تصمیم گیری در باره آن را به طرفهای خارجی واگذار کرده اند. در بخش "عناصر گام نهایی راه حل فراگیر" (صفحه چهارم توافق ژنو) "برنامه غنی سازی" مشروط شده است به آنکه:

- ۱- توسط طرفین تعریف گردد
 - ۲- مورد موافقت طرفها باشد
 - ۳- سازگار با نیازهای عملی باشد
 - ۴- محدودیتهای توافق شده بر آن اعمال شود که این توافقیها از این قرارند:
 - (الف) سطح و گستره غنی سازی
 - (ب) ظرفیت غنی سازی
 - (ج) محل غنی سازی
 - (د) سقف ذخایر اورانیوم غنی شده
- باید توجه داشت که در اینجا منظور از "غنی سازی"، غنی سازی زیر ۵ درصد و در حقیقت در سطح آزمایشگاهی و فعالیت‌هایی در قد و اندازه کارگاههای مرتبط است. همانگونه که از این مثال پیداست، فراتر از اقدامهای عملی که رژیم مالاها اجرای آنها را به شش کشور تهدید سپرده، مضمون و گهره سیاسی این توافقات، جایگاه حقوقی و الزاماتی که به همراه دارد، در حقیقت نیمه پنهان جام زهر به حساب می آید و به این صفت شایان توجه جدگانه ای است.

برآمد

قرارداد ژنو پایان رویاهای ده ساله "نظام" در باره دست یافتن به سلاح هسته ای و تضمین امنیتی بقا برای یک دوره طولانی است. این اما به خودی خود به معنای کنارگذاشتن هدفی که از دستیابی به این سلاح استراتژیک دنبال می شد، نیست. حاکمان کشور در یک محاسبه عملی - اجباری بین دفن شدن زیر بحران هسته ای یا ماندن بر سر تخت حکومت، گزینه دوم را انتخاب کرده اند. آنها پس از هدر دادن انبوه داراییها و منابع کشور، در انتهای گنجایش سیاسی و اقتصادی کشور و جامعه، در برابر آمریکا و اروپا دست تسلیم بلند کرده اند. آقای خامنه ای و همدستانش در حالی که نگرانی و تردیدهای طرف حسابهای خارجی را با التماس به رسمیت شناخته اند، از شناسایی خواسته ها و نگرانیهای اقشار و طبقات گوناگون جامعه ایران خودداری می کنند. برعکس، "نظام" به شدت مراقب است که جامعه از عقب نشینی خارجی اش سواستفاده نکند، خواهان "ترمش قهرمانانه" در برابر کرامت، حقوق و مطالبات خود نشود و مسوولان ائتلاف سرمایه های کشور و رنج و ادبار خویش را به شلاق پرشش نگیرد.

نشستن وارونه روی چارپای به تاخت آمده ی توافق ژنو و نشان دادن شکلک پیروزی یک اقدام پیشگیرانه در این راستاست.

پیدا کرده است. میزان بودجه ای که در طرح پیشنهادی حسن روحانی است نسبت به میزان بودجه پیشنهادی احمدی نژاد برای سال ۹۲، بیشتر است. در حالی که پایوران دولت روحانی همگی بر کسری بودجه و عدم توانایی دولت در برآورد کردن بودجه سال ۹۲ تاکید می کنند. آنها مرتب داد سخن می دهند که صندوق دولت خالی و یک اقتصاد ویرانه تحویل گرفته اند. با توجه به اقتصاد بیمار و بحران زده کنونی بالاترین بودجه ی ۱۳ دستگاهی که در خدمت نظامیگری و ترویج دین حکومتی هستند در ازای فقدان بودجه کافی برای فرهنگ و بهداشت مردم پرداخت می شود. کارگران و مزدبگیران با فقیرتر شدن بهای افزایش چنین بودجه هایی را می پردازند.

در طرح پیشنهادی بودجه سال ۹۳، بودجه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک این مجمع، شورای نگهبان، مجلس، سپاه پاسداران، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، سازمان بسیج، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، وزارت امور خارجه و ارتش، از ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

این افزایشها در حالی است که حقوق پایه کارگران و مزدبگیران که همه ساله توسط شورای عالی کار تعیین می شود در حد ناچیزی افزایش پیدا کرده و هیچ خوانایی با میزان تورم ندارد. در حقیقت دستمزد واقعی کارگران و مزدبگیران هر ساله کاهش پیدا کرده است. بالا بردن بودجه نهادهایی که بر شمرده نه تنها به سود مردم ایران نخواهد بود بلکه فقر و تنگدستی را افزایش خواهد داد.

بر همین منظر، تقسیم بندی بودجه ارائه شده چشم انداز بهبود وضعیت معیشتی و بهداشتی اکثریت مردم را نشان نمی دهد. افزایش بودجه ارتش و سپاه و نهادهای نامبرده با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی بر دوش مردم خواهد افتاد. اگر به نقل قول آغازین حسن روحانی بازگردیم، برنامه ریزی اقتصادی ارائه شده روحانی که در طرح پیشنهادی بودجه ارائه شده نابودی بیشتر ثروت ملی مردم در راه افزایش توانایی نظامی جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست سرکوبی و صدور ارتجاع و تروریسم خواهد بود.

حکومتی و غیر حکومتی برجسته شده و حتا شوک آور تلقی شده است. لایحه بودجه حسن روحانی در افزایش بخشهای نظامی و کاهش بخش عمران همراه با کاهش خدمات عمومی نسبت به بودجه دولت احمدی نژاد، غیر قابل انتظار برای امید بستگان به دولت روحانی است.

حسن روحانی در مقدمه طرح پیشنهادی بودجه سال ۹۳، نقل قولی از امام اول شیعیان به این شکل آورده که: «برنامه ریز درست (اقتصادی)، مال اندک را افزایش می دهد و برنامه ریزی نادرست، مال فراوان را نابود می کند». نگاهی به دزدیهای کلان در سازمان تامین اجتماعی، هدیه های داده شده به مجلس نشینان، بالا کشیدن پولهایی فروش نفت و ... به وضوح نشان می دهد که استفاده از جمله بالا به چه مقصودی است. برنامه ریزی بودجه در جمهوری اسلامی راههای دزدی، چپاول، رانت خواری و ... برای وابستگان به قدرت هموار می کند. تمامی نهادهای حکومتی و منجمله قوای قضائیه، مجریه و مقننه در این امر شریک و سود می برند. یکی کمتر و یکی بیشتر اما منافع جمع حکومت یکسان است. پس در یک حکومت فاسد بدون مشارکت دادن نهادهای مستقل و مردمی، هر چقدر مال با درآمد دولت افزایش پیدا کند، شمار دزدان و دزدیها بیشتر و کمیت آن کلان تر می شود. نمونه اش، درآمد استثنایی دولت احمدی نژاد و افزایش دزدیها و فساد در هرم قدرت در برابر افزایش بیکاری و فقر در میان مردم.

لایحه بودجه آن گونه که حسن روحانی در سخن پراکنی اش در مجلس گفت، جدای از توزیع منابع، تصویری از اقتصاد کلان سال ۹۳ را ترسیم می کند. تقویت نظامیگری، چرب کردن ریش سردمداران نهادهای مذهبی در جهت حفظ ولایت فقیه، سیاست کلان اقتصادی روحانی را پرده برداری می کند.

روحانی در سخنرانی خود در مجلس در هنگام ارائه طرح از «سهام عدالت» حرف زد. در حالی که سهام عدالت تنها یک اسم دهن پرکن و بدون محتوا در دوره احمدی نژاد بوده و تاکنون برای محرومان کمک موثری به همراه نداشته است. همگان بر این امر تاکید می کنند که مردم از «سهام عدالت» جز اسم چیزی عاید شان نشده است. حسن روحانی هم اقرار می کند که «سودی عاید مردم نشده است».

در لایحه پیشنهادی بودجه سال ۹۳، بودجه تمامی نهادهای نظامی و امنیتی که به حفظ دیکتاتوری مربوط می شود به طور متوسط ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش

پایوران دولت روحانی ارائه زود هنگام طرح بودجه برای سال ۹۳ را در ردیف خبرهای خوش اعلام کردند. خوش قولی حسن روحانی نسبت به احمدی نژاد ناچیزتر از آن است که در ساختمان بودجه بندی حکومت تغییری به وجود آورد. در نظام حاکم بر ایران بودجه دولت باید به گونه ای تنظیم و ساماندهی شود که بتواند دیکتاتوری ولایت فقیه را سرپا نگاه دارد. پیکان سیاستهای دولت در هزینه کردن ثروت عمومی، برآورده کردن نیازهای دستگاههایی است که امنیت رژیم و بر محور آن امنیت نهاد ولایت فقیه را تامین کند. این مراکز در اساس عبارتند از سپاه، بسیج، اطلاعات، ارتش و نهادهای مذهبی همچون سازمان تبلیغات اسلامی، هیاتهای مذهبی، حوزه علمیه قم، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و ... است. زیرا بدون این نهادها که بازوان زورمندان در قدرت است، رژیم نمی تواند بر سر کار باقی بماند. بر این منظر روشن و واضح است که منافع کارگران و مزدبگیران، زنان، اقلیتهای مذهبی و ملی و به طور کلی لایه های آسیب دیده و محروم جامعه، در هسته اصلی بودجه جای نمی گیرند. تامین منافع سرمایه داران داخلی و افزون بر آن پیشبرد سیاست نتولیرالیستی صندوق بین المللی پول و سازمان جهانی تجارت، ارقام اصلی بودجه دولت را رقم می زند. در کشورهای توسعه یافته سرمایه داری با وجود سندیکاها و اتحادیه های قدرتمند کارگران و مزدبگیران و با توجه به حق اعتراض و وجود رسانه های گوناگون، بخشی از نیازهای مردم در رویارویی با دولت، در بودجه منعکس می شود.

در ایران تحت حکومت استبدادی، طبقه کارگر و مزدبگیران امکان به چالش کشیدن طرح بودجه دولت از طریق تشکلهای مستقل و رسانه ها را ندارند. کسانی هم که به کرسیهای مجلس تکیه زده اند، نمایندگان اکثریت قاطع مردم نیستند. برای نمونه تعدادی از مجلس نشینان از استانهای محروم در اعتراض به تقسیم بندی بودجه، تهدید به استعفا کردند اما استعفا آنها یک ژست تو خالی از آب درآمد.

سرکوب فعالان مدنی مانند فعالان کارگری، زنان، معلمان، روزنامه نگاران امکان به چالش کشیدن تقسیم بندی بودجه را سلب کرده است.

لایحه بودجه ۹۳

حسن روحانی لایحه بودجه برای سال ۱۳۹۳ را روز یکشنبه ۱۷ آذر به مجلس ارائه داد. کلیات طرح بودجه انتشار علنی یافته است. قسمتهایی از هزینه های دولت از طرف برخی از رسانه های

جهان در آینه مرور

نلسون ماندلا؛ پایان آپارتاید نژادی به بهای آپارتاید طبقاتی

لیلا جدیدی

کارگری سوسیالیستهای پیگیر را در میان خود داشت و این دارای اهمیت خاصی بود. اتحاد با حزب کمونیست سبب شد که کنگره ملی آفریقا از توجه و حمایت توده عظیمی برخوردار شود.

اگر چه حزب کمونیست آفریقای جنوبی ادعا می کند که ماندلا در کمیته مرکزی این حزب قرار داشت، اما ماندلا به دلایل سیاسی آن را رد کرد. این حزب در سال ۱۹۵۰ طی فراخوانی، نیمی از کارگران سیاه پوست را به میدان آورد. در این خیزش اعتراضی، کارگران بی رحمانه و به شدت سرکوب شدند، اما با این حال نشان دادند که طبقه کارگر می تواند برای اقدامات سیاسی سازماندهی شود. اما ماندلا با این اعتراضها مخالف بود. در عوض، در سال ۱۹۵۲ به تشکیل کمپین جنبش نافرمانی توده ای و مسالمت آمیز اقدام کرد و بدین صورت ANC را در موقعیت چشمگیری قرار داد.

در سال ۱۹۶۱ ماندلا شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا را پایه گذاری کرد تا مراکز دولتی را مورد حمله قرار دهند و چنانچه شکست خوردند، به جنگ چریکی بپردازند. اما دیری نپایید که او دستگیر و در سال ۱۹۶۲ به حبس ابد محکوم شد.

با فراز و نشیب بحرانهای اقتصادی و قیامهای سال ۱۹۷۶ و خیزشهای سراسری در سالهای ۱۹۸۴ - ۱۹۸۶ با نقش آفرینی اصلی جنبش کارگری سیاه پوستان که در اتحادیه های بزرگ غیر نژادی سازماندهی شده بودند و همچنین شرکت "فدراسیون سراسری اتحادیه ها کارگری" و فدراسیونی که رهبران آن سندیکالیستهای انقلابی بودند، سوسیالیسم در آفریقای جنوبی طرفداران بسیاری به دست آورد. این نهادهای کارگری همچنین از قیامهای توده ای علیه آپارتاید حمایت می کردند و بدین وسیله خیل وسیع توده های مردم به جنبشهای کارگری نزدیک می شد و به وجوه اشتراک با آن آگاهی می یافت. در اینجا بود که دولت "بوتا" در برابر خیزشهای ناشی از بحران اقتصادی دست به واکنشی دوجانبه زد. وی از یکسو اقدام به فرمهایی سطحی و از سوی دیگر دست به سرکوبهای وحشیانه زد تا صفوف کارگران را متلاشی کند. کنگره ملی آفریقا زیر بار برنامه های وی نرفت و در برابر آن ایستاد. بوتا نیز به سرکوب شدت بخشید و اعلام حکومت نظامی کرد و از این طریق ضعف دستگاه خود را به نمایش گذاشت. از این رو سرمایه داران با مشاهده این حوادث یک به یک کشور را ترک گفتند.

بقیه در صفحه ۶

همه لحاظ در مضیقه بود، سلامتی خود را بتدریج از دست می داد.

ماندلا می توانست تسلیم شود، می توانست به مبارزه و به رفقای پشت



کند، می توانست مبارزه مسلحانه را رد کند، می توانست با سیستم آپارتاید سازش کند و به دیگر رهبران سیاهپوست بپیوندد، اما او راه مبارزه را انتخاب کرد و به همراه دیگر رفقای در کنگره ملی آفریقا، جزیره دور افتاده ای که در آن محبوس بود را به ستاد مقاومت و مبارزه تبدیل کرد.

ماندلا و دیگر رفقای وی کنگره ملی آفریقا (ANC) را که سازمانی کوچک و محافظه کار بود و تنها خود را موظف به پیروی از رهبران قبیله ای می دانست، به سازمانی تبدیل کردند که می توانست هزاران نفر و بعدها صدها هزار نفر را برای مبارزه آزادیخواهانه سازماندهی کند. او در سال ۱۹۶۴



"لیگ جوانان کنگره ملی" را تشکیل داد؛ نسلی که بعداً از رهبران قبلی بریده و به سمت جنبش مسلحانه روی آوردند.

در دهه ۵۰، ماندلا و کنگره ملی آفریقا جبهه متحدی با حزب کمونیست آفریقای جنوبی تشکیل دادند. حزب کمونیست بسیاری از اتحادیه های مهم

بی درنگ آن را پذیرفتیم. اکنون اقتصاد ما با فرمول جهانی نو - لیبرالی و بنیادگرایی بازار گره خورده است و فضای بسیار ناچیزی برای کاهش و خامت زندگی توده ها وجود دارد."

اگرچه نقش و سهم ماندلا در پایان بخشیدن به آپارتاید در آفریقای جنوبی پر اهمیت بود، اما سهم و مسوولیتی که وی در برابر وضع موجود در این کشور دارد نیز قابل چشم پوشی نیست. این نوشتار به هر دو زاویه از زندگی و میراث ماندلا می پردازد.

پایان آپارتاید نژادی به بهای آپارتاید طبقاتی

توده های آفریقای جنوبی ماندلا را دوست داشتند و برای او احترام عمیقی قابل بودند. آنها مقاومت او را در برابر سخت ترین مجازاتها در ۲۷ سال زندگی در زندانهای خوفناک رژیم

مرگ نلسون ماندلا پایان زندگی انسان بزرگی است که در سراسر جهان برای مبارزان و آزادیخواهان سمبل مقاومت گردیده بود. تجلیل و بزرگداشت او از سوی طیف وسیع و رنگارنگی صورت گرفت. از یکسو، ریاکارانی که ماندلا را به خاطر "توانایی بخشش" تبهکاریهای رژیم آپارتاید تقدیر می کردند و در سوی دیگر، کسانی که صادقانه نقش رهبری او را در یکی از مهمترین پیروزیهای مبارزات آزادیخواهانه قرن گذشته ارج می نهادند.

پایان رژیم آپارتاید یکی از بزرگترین دستاوردهای قرن گذشته بود. با این حال، گذار سیاسی که نلسون ماندلا پیش برد، مانع تغییرات بنیادی در مناسبات اقتصادی شد؛ آنچه که امروز ما شاهد نتایج اسفبار آن هستیم.

پرسشهای زیادی در باره او و "کنگره ملی آفریقا" مطرح است. برای نمونه سوال می شود او چگونه سبب تحول بزرگی در آفریقای جنوبی شده است، وقتی این کشور اکنون در حفره عمیقی از بحران اجتماعی و اقتصادی بسر می برد؟ آیا بذر شرایط سیاسی کنونی به دست ماندلا و کنگره ملی آفریقا کاشته نشد؟

آنگاه که سیاهان در خیابانها به قتل می رسیدند، خلق آویز می شدند و هزاران نفر از آنان شکنجه می شدند، هیچیک از سران کشورهای غربی نیم نگاهی هم بدانها نمی انداخت. وقتی در دهه ۶۰ ماندلا به اروپا رفت تا از آنها یاری بگیرد، درهای تقریباً همه این کشورها به روی او بسته ماند. در دهه ۸۰ خانم تاچر و آقای ریگان، کنگره ملی آفریقا را سازمانی تروریستی طبقه بندی کردند و تنها سالها بعد، زمانی که ماندلا از زندان آزاد شد، او و کنگره ملی را از لیست تروریستی خود بیرون آوردند.

چه عاملی سبب شد که این معادلات تغییر کند؟ آیا این نقش ماندلا در حفظ مناسبات سرمایه داری در آفریقای جنوبی نبود که دشمنان دیروز وی را به دوستان و عزاداران امروز او بدل ساخت؟

در دوران ریاست جمهوری ماندلا شاهد نابرابری شدیدتر، طول عمر کوتاه تر، بیکاری بسیار بیشتر، آسیب پذیری شکننده تر از نوسانات اقتصادی جهان، نابودی سریع تر محیط زیست و غیره شدیم. چه کسی را باید برای این نابسامانیها سرزنش کرد؟

آنچه که "رونی کاسریل"، وزیر پیشین اطلاعات این کشور می گوید، شاید پاسخ برخی از این سوالات باشد. وی توضیح می دهد: "نبرد برای حفظ روح کنگره ملی آفریقا در برابر قدرتهای بزرگ سرمایه داری شکست خورد و ما

نلسون ماندلا؛ پایان آپارتاید نژادی به بهای آپارتاید طبقاتی

بود، در حالی جام تلخ باقی ماندن مناسبات اقتصادی پیشین را می نوشید که بسیاری از اعضای بالای ANC شامپاین قدرت سر می کشیدند.

اربابان برای سپاسگزاری از ماندلا او را رهبر "ملت رنگین کمان" نام نهادند. او دفتر خود را به خارج از آفریقای جنوبی برد و سیاهان در زاغه ها، با توالتهای گودالی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی، محدودیت در برق، مدارس فقیر و بدون امکانات و بیکاری بالای ۳۰ درصد بجاماندند.

"پاتریک باند"، نویسنده کتاب "غارث آفریقا: اقتصاد استثماری" و رییس دانشگاه "کاوا زولو-تاتا" می گوید: "تنها دو راه اساسی وجود داشت.

نخست، بسیج مردم و همه شور و شوق، انرژی و تلاشهای آنان و نیز تلاش سخت برای متوقف کردن جریان خروج سرمایه ها از کشور و لغو بازپرداخت بدهیهای غیر قانونی دوران آپارتاید. راه دیگر که در نهایت پیش رفت، پیمودن مسیر نو - لیبرالی با اصلاحات کوچک اینجا و آنجا به بهانه و ادعای سطحی حفظ "انقلاب دمکراتیک ملی".

هیچ کس بهتر از ماندلا این جهتگیری را روشن نکرده. وی گفت: "ملی کردن معادن، بانکها و صنایع و غیره غیرممکن است. در وضعیت ما، محدود شدن به کنترل بخشهای خاصی از اقتصاد اجتناب ناپذیر است."

سال گذشته پلیس، ۴۴ کارگر معدن را در "ماریکانا بسبکی" به قتل رساند. این دلیل روشنی است بر اینکه مبارزه برای آزادی و برابری واقعی در آفریقای جنوبی جریان دارد و این نه تنها با رویارویی با کنگره ملی آفریقا، بلکه با ساختار اصلی سیاستهای موجود که ماندلا نیز بنیانگذار آن است، ممکن می گردد.

مرگ نلسون ماندلا نه تنها از سوی آن توده ای که امید دسترسی به آزادی را در رهبری او می دیدند، بلکه برای آن عده ای نیز که گردن شان زیر تیغ تهدیدهای جنبش دهه ۸۰ بود و به

کابینه "حزب ملی" بر سر مناصب خویش موافقت کرد.

در دیگر توافقیها بین رژیم نژادپرست و ماندلا و کنگره ملی آفریقا، به سفید پوستان مرغوب ترین، معادن، کارخانه های تولیدی و موسسات مالی داده شد و آنها مجوز خارج کردن سرمایه ها و عواید شان از کشور را نیز دریافت کردند.

همانطور که ماندلا می گوید و بسیاری دیگر نیز این امر را تایید کرده اند، آنچه او انجام می داد، خلاف اعتقادات اولیه اش نبود. او همیشه از سرمایه داری و نظم پارلمنتاریستی دفاع کرده بود. تنها مخالفت وی این بود که سیاهان نمی توانستند در آن شرکت کنند.

او در سال ۱۹۶۴ در دادگاه "ریونیا" خطاب به قضات گفت: "ANC هرگز و در هیچ دوره ای در تاریخ خود تغییرات انقلابی و تغییر در ساختار اقتصادی کشور را تبلیغ و ترویج نکرده و تا آنجا که من اطلاع دارم، هیچگاه مخالف جامعه سرمایه داری نبوده."

تعهد به ملی سازی که در سال ۱۹۵۵ در منشور آزادی قید شده بود، فقط امتیازی برای راضی کردن نمایندگان طبقه کارگر در "کنگره مردم" بود و هرگز بدین قصد نبود که جدی گرفته شود. نه ماندلا و نه ANC و نه حتی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، سوسیالیسم را در برنامه خود نداشتند. این پروژه دستکم برای حزب کمونیست بدین معنا بود که دهها سال طول خواهد کشید تا آفریقای جنوبی بعد از اتمام "مرحله اول انقلاب" (انقلاب دمکراتیک ملی) به این سمت گام بردارد. حزب کمونیست نیز از اتوریته خود استفاده کرد تا اعتراضهای طبقه کارگر را خاموش کند.

در سال ۱۹۹۴ ماندلا در نخستین

مبارزه مسلحانه را کنار نخواهند گذاشت، اما چند ماه بعد در اوت همان سال اعلام پایان مبارزه مسلحانه کرد. اگر چه این متد مبارزه در برابر ارتش بزرگ دولتی ثمری به بار نیاورده بود، ولی این اقدام نشان از عقب نشینی در برابر دولت بود.

بسیاری از حامیان ANC با این امر مخالفت کردند و گفتند این نشاندهنده تسلیم است. عده ای هم به شدت خشمگین بودند، زیرا در همان زمان دولت، مبارزان مسلح را به جوخه های اعدام می سپرد. آنها در مخالفت با ماندلا شعار "ماندلا به ما سلاح بده" را مطرح می کردند و می گفتند "تو مثل یک گوسفند رفتار می کنی، وقتی مردم سلاخی می شوند".

درست در همین زمان بود که ماندلا محبوب غرب شد. دشمنان سابق او را



نجات دهنده خطاب کردند. تام برامل در این باره می گوید: "در این هنگام ماندلا همه مذاکرات را به تنهایی انجام می داد و با رفقای خود در کنگره ملی آفریقا تبادل نظر نمی کرد. از همین رو بود که مذاکرات جای انقلاب را گرفت. از این پس، ماندلا بود که توده ها را از تظاهرات بعدی باز می داشت. این وضع آنقدر جدی و مهم بود که وقتی به بیماری سل مبتلا گردید، نگرانی طرفهای مذاکره وی آغاز شد، زیرا این تهدید وجود داشت که اگر او فوت شود، دیگر ابزاری برای جلوگیری از انقلاب وجود نداشته باشد."

مهمترین شرطی که در برابر ماندلا گذاشته شده بود، این بود که سرمایه آمریکاییها و دیگر دزدان دست نخورده بماند، ملی سازی از برنامه های ANC حذف شود و خصوصی سازی، سرمایه گذاری خارجی و حذف خدمات دولتی در دستور کار قرار گیرد. ماندلا بارها تعهد خود را نسبت به عملی کردن این برنامه ابراز کرده بود.

کنگره ملی آفریقا همچنین با ابقای فرماندهان ارتش آفریقای جنوب و ۵ سال فرصت برای برقراری "دولت اتحاد ملی" و باقی ماندن اعضای ارشد

بقیه از صفحه ۵
"تام برامل" که به طور مشترک با "فرانکو بارچیسسی" مجموعه ای از نوشته های خود پیرامون طبقه کارگر آفریقای جنوبی را در کتابی به نام "بازنگری جنبش کارگری در آفریقای جنوبی جدید" منتشر کرده، می نویسد: "کنگره ملی آفریقا تحت فشار و سرکوب از هم پاشیدنی نبود، اگر چه از رهبریت عقب افتاده بود، زیرا در آن زمان نیروهای بزرگ و تازه ای شکل گرفته از جمله در قیام "سوتو" سال ۱۹۷۶ و نیز اتحادیه های مستقل و جریانهایی رقیب به ویژه "جنبش آگاهی سیاهان" و اتحادیه های سندیکایی به میدان آمده بودند. با این حال ANC موقعیت هژمونیک اش را در جنبش حفظ کرده بود."

وی در ادامه می نویسد: "برای همین بود که صاحبان قدرت و ثروت در آفریقای جنوبی و دولتهای خارجی که می توانستند آینده را پیش بینی کنند، به این نتیجه رسیدند که کنگره ملی آفریقا را باید زیر چتر خودشان ببرند و دیگر نباید از آن دوری کنند. در این هنگام بود که همه برچسبهایی که به ANC و نلسون ماندلا زده بودند را فراموش کردند، چون متوجه شدند که آنها تنها کسانی هستند که می توانند از انقلاب طبقه کارگر جلوگیری کنند."

در آغاز سال ۱۹۸۵ در ملاقاتی در زامبیا، رهبران ANC که در تبعید بسر می بردند با سران اقتصادی آفریقای جنوبی برای یافتن راهی که به برچیدن بنای سیاسی آپارتاید ختم شود، به مذاکره نشستند.

به تدریج محدودیتها بر ماندلا برداشته شد. وی تا سال ۱۹۸۸ وقتی هنوز در زندان بود، با فرستادگان وزرای احزاب ملی گفتگو می کرد.

برکناری بوتوا در سال ۱۹۸۹ و روی کار آمدن "فردریک ویلیم دکلرک"، گام بعدی در جهت رفرم بود.

دکلرک در فوریه سال ۱۹۹۰ ماندلا و همه زندانیان سیاسی را آزاد کرد. اگرچه ماندلا در آن هنگام اعلام کرد که



انتخابات دمکراتیک در تاریخ آفریقای جنوبی، نخستین رییس جمهور سیاهپوست این کشور شد. او این عنوان را تا ژوئن ۱۹۹۹ بر عهده داشت. پس از انتخابات ۱۹۹۴، طبقه کارگر سیاهپوست که برای سوسیالیسم در این کشور مبارزه کرده بود و رنجها کشیده

یاری وی از خطر به سلامت رد شدند، دارای اهمیت است. یاد و نام ماندلا در خاطره ها خواهد ماند، هم از آن رو که رهبر مقاومتی بزرگ بود و هم به این سبب که پشتیبانان خود را در مبارزه شان علیه سرمایه داری و نو - لیبرالیسم تنها گذاشت.

گزارش صد روزه روحانی، جیب خالی، پُز عالی

جعفر پویه

اما علت اینکه چنین کاری نکرده خود بیش از همه جالب است. روحانی می گوید: "به این نتیجه رسیدیم که اگر بخواهیم یارانه ها را از قشرهای پردرآمد بگیریم، باید از حساب بانکی آنها مطلع شویم و تعداد املاک مردم را در نظر بگیریم که این دخالت در زندگی خصوصی افراد خواهد شد."

این عذر پوشالی و چند مصرفه در حالی توسط روحانی بیان می شود که او نمی گوید وظیفه وزارت دارایی و اداره مالیات چیست؟ مگر نه اینکه اداره مالیات باید از همه داراییها و درآمدهای مالیات دهندگان آگاه باشد؟ مگر نه اینکه باید این عذر پوشالی و چند مصرفه در حالی توسط روحانی بیان می شود که او نمی گوید وظیفه وزارت دارایی و اداره مالیات چیست؟ مگر نه اینکه اداره مالیات باید از همه داراییها و درآمدهای مالیات دهندگان آگاه باشد؟ مگر نه اینکه باید این عذر پوشالی و چند مصرفه در حالی توسط روحانی بیان می شود که او نمی

داند؟ بی دلیل نیست که یک کلاهبردار بی هويت و بدون داشتن اندکی دارایی موفق می شود از بانکهای کشور میلیاردها دلار ال سی دریافت کند، بدون اینکه مرجعی وجود داشته باشد که در مورد توان مالی او اظهار نظر کند که چنین کسی واجد چنین داراییهایی هست یا نه؟ به همین دلیل سند سازی، بند و بست، پول شویی، فرار از مالیات، نقل و انتقال پولهای کلان در کشور نماینده خود خوانده خدا بر روی زمین کار سختی نیست، زیرا چون و چرا در مورد آنان و یا کنترل دارایی و حسابهای بانکی و غیره شان دخالت در زندگی خصوصی دزدان و چپاولگران معنا می دهند که همدستان پایوران رژیم هم هستند، اما وارد شدن بدون اجازه گله اوباش به خانه مردمی که یک جشن خانوادگی برپا کرده و زنان و مردان راحت در کنار هم نشسته اند، امری عادی است و دخالت در زندگی خصوصی مردم معنا نمی دهد. بازرسی تحقیرآمیز مردان و زنان در خیابان و پرسیدن نسبت آنان با یکدیگر، دستگیری دستجمعی جوانان به جرم شرکت در میهمانی و جشن و شلاق زدن آنان به جرم نوشیدن مشروبات الکلی یا رقصیدن با یکدیگر، دخالت در زندگی خصوصی مردم نیست، اما کنترل دارایی دزدان و کلاهبرداران، سرکشی به حساب بانکی آنها که در همه کشورهای دنیا امری عادی است، ناپسند و دخالت در زندگی خصوصی قلمداد می شود که روحانی از دست زدن به آن شرم می کند. یعنی او با چنین ریشی می خواهد برود تجریش؟ بقیه در صفحه ۸

آموز طرح شد، آسمان را به ریسمان بافت تا بتواند پاسخی بدهد که مرغ پخته را هم به خنده وا دارد. او هدفمندی یارانه ها و مسکن مهر را دو طرحی دانست که تورم زا هستند و باید متوقف شوند. وی ابتدا در مورد خالی بودن خزانه توضیح داد و گفت: "در مرداد ماه حقوق کارمندان ۷۵۰۰ میلیارد تومان بود و از این مبلغ تنها ۲۸۷۰ میلیارد تومان بیشتر در خزانه موجود نبود، یعنی بیش از ۴۶۰۰ میلیارد تومان باید از بانکها قرض می گرفتیم که تنها فقط بتوانیم حقوق کارمندان را پرداخت کنیم."

با این حساب در همان آغاز کار دولت، ۴۶۰۰ میلیارد تومان از بانک مرکزی "قرض" گرفته که نام مستعار چاپ اسکناس بی پشتوانه است و این خود تورم زا و افزایش دهنده نقدینگی است. آیا با چنین آغازی متصور است که دولت حتی گام لرزانی در جهت مهار تورم برداشته باشد؟ بگذارید مابقی گفته های او را ببینیم، بعد متوجه عمق فاجعه خواهیم شد.

روحانی می گوید: "دولت برای پرداخت یارانه و ادامه آن ماهانه نیاز به ۳۵۰۰ میلیارد تومان پول دارد که بر اساس قانون این مبلغ باید از طریق افزایش قیمت حاملهای انرژی تامین شود که افزایش حاملهای انرژی تنها نصف این مبلغ را تامین می کند. ما برای تامین مابقی باید از منابع بودجه ای استفاده کنیم که در این صورت هر ماه کسری برای پرداخت یارانه داریم."

با یک حساب سرانگشتی در صورتی که دولت نتواند به منابع ارزهای خارجی دست پیدا کند، باید ماهانه چیزی حدود ۱۷۵۰۰ میلیارد تومان اسکناس بی پشتوانه چاپ بزند. به جز این هم ماهانه چیزی حدود ۳۵۰۰ میلیارد تومان پول به نقدینگی کشور اضافه خواهد شد. آیا کسی هست که بگوید که این حجم پول ماهیانه تورم زا نبوده و برای اقتصاد کشور مشکل آفرین نیست؟

او در این میان طرحی هم پیشنهاد می کند که همان ادامه برنامه هدفمندی یارانه هاست، زیرا این پول نقد در یک بازه زمانی باید قطع گردد و تنها در ابتدای کار است که دولت برای جلوگیری از اعتراضهای گسترده، به مردم مبلغی کم می کند تا آنها به گرانی عادت کنند و سپس همین مبلغ نیز قطع خواهد شد. این چیزی است که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به رژیم دیکته کرده اند. به همین دلیل روحانی ادعا می کند که: "راه حل دیگر این بود که به یک بخش افراد جامعه یارانه ندهیم."

استادند و دایم مشغول، حرافی و باوه بافی است. تشخیص آنکه کدام یک از آنها گزارش عملکرد دولت و کدام تبلیغات دولتی است را باید از نیاز و حال روز دولت و رژیم دریافت و گرنه کاری که رژیم ولایت فقیه در عمر خود نکرده و اقدام به آن نخواهد کرد، گزارش دهی به مردم به عنوان صاحبان اصلی کشور است. برای درک این رابطه، همین یک جمله آیت الله مصباح یزدی، عضو مجلس خبرگان و از ایادی خامنه ای کافی است که می گوید: "مردم چکاره هستند که بخواهند کسی را انتخاب کنند. مردم چکاره هستند که به کسی حق بدهند، مردم چه حقی دارند؟"

با تمام اینها اما روحانی گفت: "دولت باید در برابر مردم پاسخگو باشد و افتخارش پاسخگویی در برابر مردم است، مردم باید از جزئیات برنامه باخبر و مطلع باشند."

حال دولتی که خودش را پاسخگو می داند، رییس آن در اولین گفتگوی مستقیم خود با مردم که آنرا گزارش نیز می نامد، در مورد گران شدن کالاهای مصرفی و اقلام اساسی مورد نیاز مردم چه پاسخی دارد؟ روحانی راه بهتری برای مقابله می شناسد. او در این مورد می گوید: "در واقع دولت (احمدی نژاد) می بایست نرخ ارز را دو برابر می کرد و معنایش این بود که همه کالاهایی را که وارد می کند، دو برابر شود (که اینکار را نکرده)... با برنامه ریزی صورت گرفته در برخی موارد با پرداخت یارانه مانند گندم، نان و دارو قیمت را ثابت نگه داشتیم و در بقیه موارد با یک شیب بسیار ملایم به قانون، دلار را حدود ۲۵۰۰ تومان رساندیم تا فشاری به مردم وارد نشود."

یعنی دولت روحانی همان راه دولت احمدی نژاد را می رود با این تفاوت که او دلار تخصیص داده شده به واردات را گران نکرد، اما دولت روحانی این مهم را به انجام رساند. حال چرا دلار ۱۲۰۰ تومانی دو برابرش می شود ۲۵۰۰ تومان هم از آن سووالهایی است که لابد دشمن آن را طرح می کند، والا دولت که به مردم گزارش می دهد. اینگونه روحانی یک دغل بازی و گرانی عیان که خود مرتکب شده را به گردن دولت احمدی نژاد می اندازد تا اینگونه خود را از تهمت گران فروشی، ناتوانی در کنترل قیمت و دست درازی به جیب اقسار کم درآمد میرا جلوه دهد.

مهار تورم و نقدینگی به سبک گذشته

روحانی در مورد چگونگی کنترل تورم که توسط یکی از همان مجریان دست

حسن روحانی، رییس جمهور رژیم ولایت فقیه روز سه شنبه ۵ آذر در یک گفتگوی زنده تلویزیونی، گزارش عملکرد صد روزه دولت خود را ارائه داد. در این نمایش تلویزیونی، سه نفر به عنوان پرسشگر حضور داشتند تا به ظاهر با طرح سووال، روحانی را در مورد عملکرد دولت اش به چالش بکشند. اما همچون رویه معمول در گذشته، هر سه آنها به تعریف و تمجید از او پرداخته و چونان بادمجان دور قاب چینان، نقشی بیش از زینت این برنامه نداشتند.

در این نمایش یکطرفه که روحانی همچون همتایان تاکنونی خود متکلم وحده بود، مساله گفتگو و توافق انمی را دستمایه حرفهایش کرد تا بتواند عملکرد دولت اش در بعضی عرصه ها را توجیه نماید. او که به بسیاری از قول و وعده های انتخاباتی اش عمل نکرده، حتی اشاره ای نیز به بسیاری از آنان نکرد و تلاش نمود تا با پرگویی و انداختن بسیاری از کمبودها به گردن دولت احمدی نژاد، شانه از زیر بار پاسخگویی خالی کند. او بدون اشاره به چگونگی روی کار آمدن احمدی نژاد و تاکید مکرر خامنه ای بر نزدیک دانستن نظر خود با وی و حرفهای پوچ و بیهوده احمدی نژاد که مورد تایید رهبر جمهوری اسلامی نیز بود، دولت احمدی نژاد را حیف و میل چی و برباد دهنده ثروت ملی مردم دانست.

نگاهی کوتاه به گفته های روحانی در عرصه های گوناگون و فرار عمدی او از موضوعات چالش برانگیز و عدم اشاره به آنها می تواند بگوید که شیخ کلید به دست در کجای کار قرار دارد و چگونه خواهد توانست بر اقتصادی ورشکسته و ویران، دولت خود را بنا کرده و چگونه پاسخی به خواسته های شهروندان خواهد داد.

گزارش به خود از دیگران

روحانی همان ابتدای کار آب پاکی را در مورد نگفته ها در این برنامه روی دست بیننده ها ریخت و گفت: "این گزارش سه بخش دارد، یک بخش اینکه رییس جمهور منتخب به مردم گزارش می دهد و یک بخش گزارش مکتوبی است که در سایتها و خبرگزاریها منتشر می شود و یک بخش گزارشی است که وزرا و معاونان هریک در بخشهای مربوط به خود به اطلاع مردم می رسانند."

با این حساب، یک سوم گزارش صد روزه را خود او خواهد گفت، مابقی را باید در جاهایی دیگر جستجو کرد. حال اینکه آیا چنین گزارشی وجود خواهد داشت و یا وزرا و معاونان او چه زمان گزارش خواهند داد، مشخص نیست، زیرا تنها کاری که پایوران رژیم در آن

گزارش صد روزه روحانی، جیب خالی، پُز عالی

بقیه از صفحه ۷

معرفی احمدی نژاد به عنوان

مقصر، تبریه خامنه ای

او که در این برنامه تلویزیونی در مورد موفقیت‌های دولت خود چیزی برای گفتن نداشت، سعی کرد تا همه گناهان را به گردن دولت احمدی نژاد بیندازد و البته جاهایی هم سخن دوپهلو را چنان گفت که گوشه ای از آن به عبای سید علی خامنه ای ساییده می شد. او با مقدمه چینی گفت: "البته نمی‌خواهم بگویم همه مشکلات ما مربوط به تحریم است؛ عمده مشکلات به بی تدبیری مربوط می‌شود چرا که در شرایطی که دولت، تحریم‌ها را کاغذ پاره می‌خواند، وابستگی اش را به خارج از طریق واردات بیشتر می‌کرد."

دولتی که برگزیده و مورد حمایت همه جانبه رهبر جمهوری اسلامی بود و خامنه ای مخالفان آن را بی بصیرت می‌دانست، حال روحانی آن را به بی تدبیری متهم می‌کند و انگ می‌زند که وابستگی به خارج را بیشتر کرده است. او با این مقدمه چینی می‌گوید: "وقتی با دنیا در حال مبارزه هستیم، باید به داخل تکیه کنیم و با شعار نمی‌شود با دنیا مقابله کرد."

چه کسی به جز خامنه ای توپ و تشر می‌زد و در هر سخنرانی خود دشمن، دشمنی می‌کرد و جهان را به مبارزه می‌طلبد؟ حال دولت برکنشیده او به گفته روحانی نه تنها به خارج وابسته تر می‌شود، بلکه هل من مبارز آن را شعار توخالی ای می‌داند که با همه توان در خدمت اشتغال چینبها و کره ایها بوده است.

روحانی در مورد تشدید انزوای بین المللی جمهوری اسلامی در دوره احمدی نژاد توجیه می‌تراشد: "متأسفانه دشمنان در سطح جهانی نوعی ایران هراسی را به وجود آورده بودند و روابط دولت با دنیا به جز تعداد کشوری معدود، کاهش پیدا کرد."

اما کیست که نداند این علی خامنه ای و دار و دسته سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات بودند و هستند که هر روز در گوشه ای از دنیا دست پیدا و پنهان شان رو می‌شود و ایادی آن به جرم اقدام علیه شهروندان و امنیت دیگر کشورها دستگیر می‌شوند. این "ایران هراسی" واهی نبوده و رژیم تروریست پرور جمهوری اسلامی از محل ثروت ملی مردم ایران، گروهها و سازمانهای تروریستی مختلفی را یا سازمان داده و یا تحت حمایت مالی و معنوی خود گرفته تا با ایجاد رعب و وحشت برای آن "تولید اقتدار" نمایند. حال حسن روحانی با هر زبانی که بخواهد آن را منکر شود، همگان می‌دانند که

می‌خواهد بنویسند، البته در چارچوب قانون بنویسند." اما هیچ نشانه ای از آنچه روحانی به زبان آورده، به چشم نمی‌خورد. سانسور و پیگرد نویسندگان همچنان به قوت خود باقی است. نه تنها دستگاههای اطلاعاتی و وزارت ارشاد به شدت مشغول سانسور هستند، بلکه بسیاری از نویسندگان ممنوع القلم شده همچنان تحت فشار قرار دارند. یورش به دست اندرکاران سایت‌های اینترنتی و دستگیری فله ای آنها، تعطیلی بعضی از روزنامه ها و بگیر و ببند در حوزه نشر و اینترنت نیز شواهد دیگری است که نشان می‌دهد بین گزارش روحانی و واقعیت فاصله نجومی وجود دارد و حرفهای روحانی حتا در چارچوب اطرافیان خود او نیز برش نداشته و ندارد.

به جز این موارد خلاف گویی، آنچه که روحانی در مورد شان سکوت کرد نیز بسیار بود. او در باره به کارگیری افرادی از اقلیت‌های قومی و مذهبی مثل سنیه‌ها سکوت کرد. او فعالان سنی که به وعده هایش دلخوش کرده بودند را تا کنون ناکام گذاشته و در گزارش خود حتا اشاره ای هم به آنان نکرد. به غیر از این، او در مورد کردها، بلوچها و ... نیز سکوت پیشه کرد و قولهای زمان کاندیداتوری خود را فراموش کرده و یا نادیده گرفت. بر این اساس، این سووال که آیا او در آینده گوشه چشمی به آنها خواهد داشت یا نه را می‌شود پاسخ گرفته تلقی کرد.

حسن روحانی در مورد آزادیهای سیاسی و اجتماعی هم سکوت کرد. وعده او برای پیگیری آزادی موسوی، کروبی و رهنورد بدون اشاره ماند و از او در بسیاری از موارد دیگر نیز به جز پاسخهای مبهم، کلی و کوتاه چیزی شنیده نشد.

در انتها

به نظر می‌رسد نمایش تلویزیونی روحانی با عنوان گزارش ۱۰۰ روزه آب پاکی را روی دست بسیاری ریخته باشد و خیال آنها را راحت کرده که از این امام زاده رژیم نیز معجزه ای به نفع آنان برنخواهد خواست.

بند بست و امتیاز دادن در خارج برای جلوگیری از تحریم بیشتر و توان فروش نفت که بقای رژیم به آن بسته است، روی دیگر سکه بگبر و ببند داخلی است. هرچه رژیم در خارج کشور بیشتر عقب نشینی کند، در داخل مجبور است سرکوبها را بیشتر کند تا امکان هر نوع استفاده از موقعیت جدید را برای مردم ایران سد نماید. این همان چیزی است که قدرتهای خارجی طرف حساب رژیم هم می‌دانند و هیچ حرفی از حقوق بشر و حقوق اساسی مردم در گفتگوهای بین طرفین نیست.

"بازی شیادانه"

در تهران و ژنو

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲ آذر

روز جمعه ۲۲ نوامبر سومین روز از دور سوم مذاکرات هسته ای در ژنو بود. در جریان این سری مذاکرات، سوال مطرح مورد اهداف رژیم جمهوری اسلامی از فعالیتهای اتمی نه تنها پاسخ داده نشده باقی ماند، بلکه پر رنگ تر نیز گشت. برآستی چرا جمهوری اسلامی از فرصتی که به دست آورده استفاده نمی‌کند تا تحریمهای اعمال شده را خنثی کند؟ آیت الله جنتی در پاسخ می‌گوید به این دلیل که "آنها می‌خواهند امتیاز بگیرند و امتیاز ندهند"، به عبارت دیگر، "آنها می‌خواهند ما جام زهر را بنوشیم تا تحریمها برداشته شود".

در این دوره از نشستها جمهوری اسلامی خواهان ادامه غنی سازی و برداشتن تحریمهای نفتی و لغو محدودیتهای پولی و بانکی شد. طرفهای مقابل، لغو تحریمهای جدی را مشروط به این دانستند که جمهوری اسلامی هرگز به این سلاح هسته ای دست نیابد و هرگز این امکان را نداشته باشد که بتواند ساخت آن را از سر گیرد.

خامنه ای می‌توانست مجبور به نوشیدن جام زهر نشود و تحریمی هم وجود نداشته باشد. اما حرص قدرت و اهداف شوم، او را اکنون به این فلاکت کشانده که مجبور شود کارگزارانش را به این نشستها و مذاکرات بفرستد آنهم بدون داشتن راه حل واقعی و فقط با شیوه های فریبکارانه و امید به موفقیت آن. اکنون که فرصت وی سر آمده نیز با سیاست یکدست پیش کشیدن و با دست دیگر پس زدن، از نوشیدن جام زهر فرار می‌کند.

این بار اما صبر و تحمل طرفهای مقابل به سر آمده. روز پنجشنبه، آقای ظریف و خانم اشتون به تنهایی و بدون شرکت نمایندگان شش کشور گفتگو کردند و وزرای خارجه شش کشور نیز تنها در شرایطی که پیشرفت چشمگیری صورت بگیرد، حاضر به حضور در ژنو شدند.

جنتی روز جمعه در نماز جمعه تهران تلاش تمسخرآمیزی کرد تا با خواندن روضه "علوی و عاشورایی" و دشمنی آمریکا با "اسلام"، برای بحران سازی و بن بست آفرینی رژیم اش توجیه ایدیولوژیک بترشد. پیش از او هم خامنه ای با "سگ‌ها و نجس منطقه" نامیدن اسرائیل بر همین بوق دمیده بود. به نظر می‌رسد همانطور که لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه پیشتر گفته بود، غرب دیگر نمی‌خواهد بخشی از این بازی "شیادانه" باشد.

مالکی زیر فشار همه جانبه

آناهیتا اردوان

صحنه سیاسی عراق با تداوم نبرد علیه نوری مالکی و دخالت‌های رژیم ایران، به همراه ژرفش رویارویی میان احزاب، به خصوص افشاگرهای همه جانبه جنبش "وفاق ملی" به رهبری "ایاد علاوی" علیه سیاست‌های رژیم نوری طلبانه نوری مالکی و "حزب الدعوه"، به تقابل میان تکثرگرایی و تفکیک قوا از یکسو و اقتدارگرایی و سلطانیسم از دیگر سو بدل گشته است. شدت گیری این ستیز با فرا رسیدن دوره سوم انتخابات مجلس و به دنبال آن تعیین نخست وزیر و افزایش تلاش توطیه گرانه نوری مالکی جهت تثبیت و حفظ قدرت سیاسی، دور از انتظار نیست.

رویکرد تازه رژیم در سیاست خارجی و مذاکره با آمریکا و کشورهای غربی جهت رفع تحریم‌های کمرشکن و حل و فصل بحران هسته ای قادر است به مهار سیاست‌های تنش و بحران آفرینی آن در منطقه بینجامد. روشن است که رژیم برای پیشبرد هدف دیرینه "صدور انقلاب اسلامی و تشکیل خاورمیانه اسلامی" به سلاح اتمی به مثابه سلاح ایدئولوژیک و استراتژیک نیاز مبرم و حیاتی دارد. از این حیث، پذیرش توقف غنی سازی اورانیوم مانعی جدی در راستای تحقق اهداف مزبور و تضعیف نیروهای ارتجاعی وابسته به رژیم، از جمله نوری مالکی به شمار می آید. اما، تحقق این مهم نمی تواند تنها به میز مذاکره ارتجاع و امپریالیسم واگذار شود، بلکه نیاز به ابزاری دارد تا نتیجه مذاکرات نه به نفع مطامع سیاسی-اقتصادی یکی از دو طرف معادله، بلکه

به سود منافع مردم محروم منطقه که قربانی سیاست‌های تمامیت خواهی رژیم و نیروهای وابسته به آن هستند، رقم بخورد. جلوگیری از سیاست‌های ماجراجویانه رژیم و کمرنگ شدن نقش تنش آفرین آن در منطقه بدون فشار توده ای نمی تواند به اندازه کافی و باید، صورت پذیرد. ایجاد جبهه ای وسیع متشکل از نیروهای ملی، سکولار و چپ عراقی، در راس آن حزب العراقیه به رهبری ایاد علاوی و تکیه هوشیارانه به اعتراضات علیه مالکی و رژیم، اثرگذاری، هدایت و سازماندهی جنبش اعتراضی تا ارتقاء آن به حد جنبش سراسری، نقش بسزایی در تغییر توازن نیرو به نفع منافع ملی و مردمی عراق در مذاکرات، روابط و مناسبات رژیم با امپریالیسم دارد.

تجلی احقاق حقوق دموکراتیک شهروندان سنی عراق و احترام و رعایت حق مشارکت آنان در قدرت سیاسی جهت تسریع گذار از ساختار قدرتی خودکامه به کثرت گرا و دموکراتیک، به چگونگی تاثیرگذاری نیروهای مترقی عراقی بر روند مذاکرات بازسازی مناسبات رژیم با دولت‌های غربی و جلب اعتماد ایشان دارد که از طریق تقویت نقش توده ها، ایجاد ارگانها و نهادهای توده ای امکان پذیر است.

و... همگی نه تنها در راستای مهار اعتراضات، بلکه تحت پروژه عملیات پاکسازی قومی است. "لقاء مکی"، نویسنده و مفسر سیاسی در همین رابطه ابزار می دارد که انفجار خودروهای بمب گذاری شده به اعدام سیستماتیک بر اساس فرقه گرایی ارتقاء یافته است. وی ادامه می دهد که اعدام با دستان بسته و با شلیک به سر قربانیان بیانگر پاکسازی قومی است. (سایت سازمان مجاهدین خلق ایران، ۹ آذر ۱۳۹۲)

پاسخ چرایی کشتار، فقر، گرسنگی و بیکاری اکثریت مردم عراق (نخستین صادر کننده نفت در جهان) در اجرای پروژه های خائمانسوزولی فقیه است. در گزارش افشاگرانه دکستر فیلکینز، روزنامه نگار آمریکایی برنده جایزه پولیتزر در سال ۲۰۰۹ در روزنامه نیویورکر آمده است: «دولت مالکی هر روز معادل ۲۰۰ هزار بشکه نفت را کنار می گذارد و پول آن را (برابر با حدود ۲۰ میلیون دلار قیمت‌های کنونی) برای سلیمانی می فرستد. نیروی قدس بدین وسیله خود را نسبت به فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌های غرب، مصون کرده است. این یک برنامه تأمین مالی درون گرا و مخفی است. سلیمانی برای عملیات خود، حتی به بودجه [رژیم] ایران نیازی ندارد». (همانجا، ۲۳ مهر



۱۳۹۲) به بیان دیگر، مردم عراق با وحشت بی پایانی روبرویند که از سیاست‌های ارتجاعی صدور انقلاب اسلامی و تنش آفرینی ام القرای ولایت فقیه در تهران سرچشمه می گیرد.

اعتراضات و تحصن‌های مردمی باوجود سرکوب وحشیانه و تهدید و توطیه های همه جانبه، گذشت یک سال استواری و پایداری و استمرار پیکار تا تحقق آزادی زندانیان سیاسی، خاتمه فعالیت شبه نظامیان و توقف حملات فرقه گرایانه دولت مالکی از روندهای اصلی در شرایط کنونی جامعه عراق است.

مالکی را محکوم کرد. "روپرت کولویل"، سخنگوی حقوق بشر سازمان ملل متحد، دستگاه قضایی عراق را با ذکر این موضوع که در دو سال گذشته اعدام‌های گسترده ای به دفعات انجام پذیرفته، زیر سوال برد. وی اضافه کرد که اعدام‌ها نه تنها شیع و غیر انسانی بوده، بلکه به احتمال بسیار قوی در مغایرت با قانون بین المللی است. خبرگزاری فرانسه نیز شمار جانباختگان سووقدهای مذهبی از آغاز ژانویه تا به حال را بیش از ۵۸۰۰ نفر، اعلام داشت. سازمان شفافیت بین المللی، عراق را در ردیف فاسدترین دولتها، بین ۱۷۷ کشور جهان معرفی کرد. به گزارش "نیکولای ملادنوف"، نماینده سازمان ملل در عراق، تنها طی چهار ماه گذشته ۹ هزار تن از شهروندان عراقی کشته شده اند.

روند نقض آشکار حقوق بشر و تشدید سیاست سرکوب و حذف معترضان و مخالفان توسط نوری مالکی با نزدیک شدن انتخابات دوره سوم نخست وزیری رابطه ای مستقیم دارد. سفرهای وی به آمریکا و ایران، ملاقات با کارگزاران امپریالیسم و ارتجاع جهت جلب رضایت آنها، بر پایه منافع مشترک در منطقه برای قبضه قدرت سیاسی در انتخابات مزبور که در ماه آوریل برگزار می شود، صورت پذیرفت.

تغییر بافت جمعیتی عراق از دیگر شیوه هایی است که با هدف به حاشیه راندن سنیها به مثابه اصلی ترین مخالفان سیاست انحصار طلبی، پیره گشتن بر قیام آنان، کنترل و هژمونی بر منطقه از سوی نوری مالکی در دستور کار قرار گرفته است. بر اساس گزارش "الجزیره"، تنها در سال ۲۰۱۳، ۲۰ هزار خانوار در دو استان دیالی و "نینوا"ی عراق به زور کوچ داده شده اند. تظاهرات ماه گذشته کشاورزان کربلا علیه مصادره زمینهای شان به پهانه ساختن فرودگاه، تشدید موج انفجارها و ترور، حمله به خانه های مردم و مصادره املاک و مستغلات آنان

عراق؛ رویارویی تکثرگرایی با اقتدار گرایی فزاینده نوری مالکی

تشدید روند تهدید و سرکوب قیام مردم استانهای به پا خاسته، انفجار بمب، ترور افراد و شخصیت‌های سیاسی، سانسور و حمله به رسانه های گروهی، نقض مستمر حقوق بشر و اجرای احکام وحشیانه اعدام، دستگیری، زندان و تحت شکنجه قرار دادن معترضان و پهانه مبارزه با تروریسم، به موازات گسترش فقر مفرط و بیکاری، جامعه عراق را در بحران ژرف و بفرنجی فرو برده که در گام نخست، محاصل سیاست‌های اقتدارجویانه و ضد مردمی دولت نوری مالکی است.

آمار دستگیریها در عراق طی ماه اوت به ۳۵۲۸ نفر افزایش یافته که تقریباً ۹۰ درصد دستگیریها توسط شبه نظامیان و دیگر نیروهای سرکوبی نوری مالکی موسوم به "سوات" و "عصایب الحق" صورت گرفته است. در این دستگیریها، ۷۱ نفر نیز به قتل رسیده اند. تلویزیون "التغییر" گزارش مفصلی پیرامون تهاجم ماه گذشته نظامیان مالکی به خانه های شهرستان "راوه" واقع در استان "الانبار" انتشار داد. بر پایه گزارش مزبور، اغلب خانه های ساکنان مورد یورش و بازرسی قرار گرفته است. همین رسانه در گزارش دیگری از همکاری مزدوران سپاه پاسداران با نیروهای ویژه مالکی در "اعظمیه" بغداد خبر می دهد که مردم را مورد تهاجم قرار داده اند، آنان را دستگیر و اموال شان را به غارت برده اند. افزون بر این، "تلویزیون بغداد" بر اساس گزارشی در ماه دسامبر، بر تشدید اقدامات سرکوبگرانه مالکی علیه مناطق سنی نشین تأکید ورزید و اضافه کرد که یک نیروی امنیتی، منطقه عرب "جبور" در شهرستان "مقدادیه" در استان "دیالی" را به محاصره خود درآورده است. به گفته شاهدان عینی، نیروهای امنیتی با بستن ورودیها و خروجیها مانع رفتن کارکنان و دانش آموزان به ادارات و مدارس شده اند.

بر اساس گزارش دیگری، نیروهای مالکی مناطق بسیاری را در شمال "بابل" محاصره کرده و همزمان به بازرسی و دستگیری تعدادی از اهالی منطقه مبادرت ورزیده اند. نیروهای امنیتی با مشارکت نیروهای سوات و ارتش و پلیس، منطقه را با خاکریز بسته و بعد از آن دست به حمله و دستگیری گسترده در مناطق بخش "اسکندریه" در شمال بابل زده اند.

ماه گذشته، دفتر حقوق بشر سازمان ملل، اعدام شیع زندانیها توسط نوری

چالشهای معلمان در آذر ماه

فرنگیس بایقره

نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان با معاون حقوقی وزارت آموزش و پرورش پیرامون وضعیت معلمان ممنوع التدریس خبر داد. وی گفت: "حدود یک ماه پیش، ما یک جلسه خوب و مفصل با معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش داشتیم. در این جلسه آقای ناصری از ما خواست فهرست معلمان ممنوع التدریس، کسانی که به دلیل فعالیتهای صنفی از محل خدمت شان تبعید شده اند، تنزل رتبه داده شده یا از حقوقشان کم شده را به او تحویل دهیم و ما هم همین کار را کردیم، اما تا امروز این موضوع، نتایج آشکار و مشخصی نداشته است." اسماعیل عبیدی، مسوول دبیرخانه "شورای مرکزی کانونهای صنفی سراسر کشور" که در ۲ ماه گذشته لیست این معلمان را جمع آوری کرده و آنها را تحویل معاونت حقوقی وزارت آموزش و پرورش داده نیز می گوید: "تا به حال پرونده ۲۰ نفر از این معلمان برای بررسی به وزارت آموزش و پرورش رفته ولی هنوز نتیجه بررسی آنها اعلام نشده. در حال حاضر تعداد زیادی از معلمان شهرهای همدان، تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، ارومیه، کرمانشاه و به ویژه استان کردستان، حکم تبعید و انفصال از خدمت دارند و معاونت حقوقی وزارت آموزش و پرورش به ما قول داده تا جایی که می تواند، آنها را به وضعیت قبلی شان برگرداند." نادر قدیمی، عضو هیات مدیره "کانون معلمان همدان" است. او می گوید که در ۸ سال گذشته حقوق ۲۰۰ نفر از معلمان به دلیل اعتراضات صنفی کم شده، ۲ نفر بازتستگی پیش از موعد داشته اند، یک نفر دچار تنزل رتبه شده و ۲ نفر هم تبعید شده اند. قدیمی که خودش هم یکی از معلمانی است که در ۸ سال گذشته برای ادامه فعالیت دچار مشکل شده، می گوید: "من در سال ۸۶، به ۵ سال تبعید به خراسان جنوبی محکوم شدم و بعد این رای به یکسال تبعید به خزل تغییر یافت و اجرا شد. از تبعید که بازگشتم، یکسال ممنوع التدریس بودم، بعد به تدریس برگشتم، اما هنوز نمی توانم در مراکز تربیت معلم تدریس کنم و هنوز دلیل این موضوع به من اعلام نشده است."

امیر اسدیان، یکی دیگر از دبیران در همدان است که از دبیری به دفترداری تنزل رتبه داده شده. در رای هیات تخلفات اداری همدان که ظرف ۲ روز برای او که ۸ سال دبیر یکی از دبیرستانهای پسرانه همدان بوده صادر شده، این طور آمده است: "براساس رفتار هماهنگی هیاتها و ضمایم پیوستی به علت تشویش اذهان دانش آموزان با نوشن و تهیه و تکثیر و توزیع مطالب

تایید حکم شش ماه زندان و

جریمه نقدی علی ابطحی

کمیسیون صلح فعالان در تبعید، ۲ آذر - دادگاه تجدید نظر استان اصفهان حکم بدوی شش ماه زندان معلم بازنشسته، علی ابطحی و جریمه نقدی وی را در دوم آذر تایید کرد. حکم بدوی شش ماه زندان و سیصد هزار تومان جریمه نقدی صادره از دادگاه خمینی شهر علیه علی ابطحی، متخصص در امور رایانه، توسط دادگاه تجدید نظر استان عینا تایید شد.

سید علی ابطحی فرزند سید مجتبی ابطحی، عضو "کانون معلمان" خمینی شهر است که در ۲۰ خرداد ۹۲ طی بورش نیروهای امنیتی به منزل وی دستگیر و تعداد زیادی رایانه موجود توسط ماموران ضبط شد. تاکنون باوجود رای قاضی مبنی بر استرداد رایانه های ضبط شده، ماموران امنیتی از استرداد آن خودداری کرده و این خود موجب دردرس شرکتها و افرادی شده که جهت تعمیر، کامپیوترهایشان را به وی سپرده بودند.

هفت سال کابوس و نگرانی

برای خانواده محسن ناظری

حقوق معلم، ۳ آذر- محسن ناظری، دبیر علوم اجتماعی با ۲۴ سال سابقه کار رسمی که چهار سال آن در دهه ی شصت در منطقه محروم اسلامشهر و ده سال آن مدیریت بوده، مدتهاست در آموزش و پرورش شیراز مورد بی مهری قرار می گیرد و حقوق مادی و معنوی خانواده اش به دلیل اعتراض به بی قانونی پایمال می گردد. او به تازگی در هیات تخلفات آموزش و پرورش شیراز از مهر ۱۳۹۱ محکوم به پنج سال تبعید به روستای رضوانشهر از توابع شهر یزد گردیده که به دلیل دغدغه های فراوان مادی و معنوی و قبول نداشتن این حکم، حاضر به پذیرش و اجرای آن نیست.

محسن ناظری در سال ۸۵ در اعتراض به طرح غیرقانونی و ناقص حقوق شهروندی آموزش و پرورش مبنی بر تشکیل شیفت "تنبلها و زرنگها" از مدیریت کناره گیری کرد. خانواده ی ناظری از آن روز به بعد یک روز خوش ندیدند و هر شب با تشویش و استرس صدور یک حکم جدید سر بر بالین می گذارند.

معلمان ممنوع التدریس، انتظاری

که همچنان گنج می خورد

روزنامه شهروند، ۳ آذر - علیرضا هاشمی، دبیرکل "سازمان معلمان ایران" از بی نتیجه ماندن دیدار

ضداخلاقی در قالب شعر و... و تشویق به فساد اخلاقی و اجتماعی و بی بند و باری در بین دانش آموزان جوان متهم هستید." او حالا پرونده اش را برای رسیدگی بیشتر به وزارت آموزش و پرورش فرستاده و منتظر اعلام نظر معاونت حقوقی این وزارتخانه است؛ معاونتی که مسوول آن در زمان سرپرستی علی اصغر فانی تغییر کرد و حالا معلمان ممنوع التدریس به او برای برگشتن به کلاسهای درس امید بسته اند.

هاشم خواستار، معلم بازنشسته

روانه زندان وکیل آباد شد

خبرگزاری هرانا، ۵ آذر - اجرای احکام دادگاه انقلاب مشهد با احضار این معلم وی را بازداشت و تحویل مقامات زندان وکیل آباد مشهد داد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری "مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران"، وی که از سوی دادگاه به دو میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده، در پی مخالفت با پرداخت آن بازداشت و روانه زندان وکیل آباد شده است.

وی که پیش تر و در بازداشت قبلی خود ۴۵ روز حبس مازاد را تحمل کرده است، در پی عدم توان مالی برای پرداخت جریمه مذکور می بایست ۳۷ روز دیگر که هر روز آن سی هزار تومان محاسبه می شود، در زندان باقی بماند.

وزیر آموزش و پرورش از ۵۸

هزار نیروی مازاد خبر می دهد

شرق، ۸ آذر - علی اصغر فانی در برنامه تلویزیونی "نگاه دو" به برنامه های یکصد روزه آموزش و پرورش اشاره کرد و اظهار کرد: "در بعضی از مناطق و رشته ها با تورم نیروی انسانی و در برخی از مناطق نیز با کمبود مواجه هستیم؛ به گونه ای که ۵۸ هزار نیروی مازاد و در کنار آن ۵۰ هزار کسری نیروی انسانی داریم."

وی با بیان اینکه در این شرایط تقاضا برای جابه جایی فرهنگیان نیز وجود داشت، اضافه کرد: "ناچار شدیم برخی از دبیران متوسطه را در دوره ابتدایی استفاده کنیم که از این معلمان تشکر می کنیم به همین دلیل یکی از سیاستهای ما ساماندهی نیروی انسانی است که امیدواریم در سالهای ۹۳ و ۹۴ به نتیجه برسد."

عدم درمان معلم بازنشسته

زندانی

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، ۱۸ آذر - معلم بازنشسته زندانی محمد امین آگوشی از دندان درد شدید رنج می برد اما زندانبانان ولی فقیه حاضر به درمان وی نیستند. معلم بازنشسته زندانی سیاسی محمد امین آگوشی از روز شنبه ۱۶ آذر ماه از

درد شدید و طاقت فرسای دندان درد رنج می برد و علیرغم مراجعات متعدد به بهداری زندان از درمان و یا تسکین درد وی خوداری می کنند. آنها با عدم درمان و ایجاد شرایط غیر انسانی به عنوان اهرمی استفاده می کنند تا زندانبان سیاسی را تحت فشار قرار دهند.

فردی به نام یوسفی از نیروهای اطلاعات زندان زاهدان به عنوان رییس بهداری زندان منصوب شده است که هیچگونه پیشینه و تحصیلات پزشکی ندارد. وی در بهداری زندان اتاقی ایجاد کرده که زندانبان معترض به عدم درمان خود را به این اتاق انتقال داده و تحت شکنجه های جسمی قرار می دهد و سپس دستور انتقال آنها را به سلولهای انفرادی بند قرنطینه را صادر می کند.

معلم بازنشسته زندانی محمد امین آگوشی بیش از ۵ سال است که در زندان بسر می برد و بیش از ۱ سال است که او را به زندان مرکزی زاهدان منتقل نموده اند. او در اثر شکنجه های بازجویان اطلاعات سپاه دچار بیماریهای متعددی شده است و آنها مانع درمان وی هستند.

اعتصاب غذای عبدالرضا قنبری

در اعتراض به تبعید

هرانا، ۱۸ آذر - معلم و استاد دانشگاه زندانی در بند ۳۵۰ اوین به زندان برآزجان تبعید شد و در اعتراض به این تبعید دست به اعتصاب غذا زد.

صبح روز یکشنبه ۱۷ آذر ماه عبدالرضا قنبری از بند ۳۵۰ زندان اوین در حالی به زندان برآزجان تبعید شد که در اعتراض به این اقدام دست به اعتصاب نامحدود زده بود.

عبدالرضا قنبری در اعتراض به این عمل طی نامه ای اعتصاب غذای خود را اعلام کرد. وی در این نامه نوشت:

"با توجه به صدور حکم تبعید بر اساس ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی سابق و از آنجا که در قانون مجازات اسلامی جدید ماده ۱۸۶ حذف و عنوان مجازبه نیز به بغی تغییر یافته است، بنابراین صدور حکم حبس در تبعید را برابر قانون جدید مجازات اسلامی منطبق بر قانون و الزامات قانونی نمی دانم، از امروز یکشنبه مورخ ۱۷ آذرماه ۱۳۹۲ دست به اعتصاب غذای نامحدود اعتراضی خواهم زد تا شاید گوش حق طلبی برای شنیدن فریاد مظلومیت خود که بیش از ۴ سال زیر حکم اعدام زندگی کردم، پیدا کنم.

همچنین صدور حکم حبس در تبعید بر اساس هیچ ماده ای از مواد قوانین حاضر وجود ندارد و بر اساس قاعده لزوم اعمال مجازات قانونی در حق متهم، کفیری با این عنوان (حبس در تبعید) وجود نداشته و از سویی این حکم ناعادلانه مجازات خانواده بی پناهم را به دنبال خواهد داشت و علیرغم اصل بقیه در صفحه ۱۱

تلاش ارتجاع برای رسوخ روحانیون در مدارس

شهره صابری

آموزگاری آنها را یاد گرفت و چون به تبریز بازگشت بر آن شد تا دبستانی به شیوه ی آنها بنیاد گزارد و در سال ۱۲۶۷.ش. (۱۳۰۵.ق) بود که به این کار پرداخت.

بدین سان که به شیوه ی مکتب داران، مسجدی را در ششکلان گرفت و هم به شیوه ی آنان شاگردان را بروی زمین نشاند. چیزی که بود به جلو ایشان تخته پیش نهاد و الفبا را به شیوه ی آن و نوبنی آموخت و از کتابهای آسان درس گفت... و پس از همه تابلویی که نام "مدرسه ی رشدیه" بروی آن نوشته شده بود بالای در زد. با آنکه چیزی از دانشهای نوین نمی آموخت و پروای بسیار می نمود، باز ملایان به دستاویز آنکه الفبات دیگر شده و یکره نوبنی پیش آمده ناخشنودی نمودند و سرانجام او را از مسجد بیرون کردند. تا حیاط شیخ الاسلام را که خود مدرسه ی کهن بود گرفت و با پول خود اطاقهای پاکیزه ای ساخت و آنجا را دبستان گردانید نیمکت و تخته سیاه و دیگر افزار فراهم گردانید و شاگردان هم گرد آمدند. دیر گاهی اینجا بود ولی چون ملایان ناخشنودی می نمودند طلبه ها به آنجا ریختند و همه نیمکتها و تخته ها را در هم شکستند... امین الدله بولیگری آذربایجان آمد و چون داستان دبستان و پیشرفتی که در کار آموزگاری از آن پدید آمده بود شنید با تلگراف رشدیه را به تبریز خواست و در دست او دوباره دبستان با شکوهی در ششکلان بنیاد نهاد...

برای سهولت در آموزش خواندن و نوشتن و اشاعه ی سریع علوم و دانشها در ایران حتی اندیشه ی دگرگون کردن الفبا نیز مطرح شد که پیش قراول آن میرزا فتحعلی آخوند زاده و پس از آن هم در زمانهای بعد توسط کسانی مثل صادق هدایت و تقی زاده و... نیز مطرح شد. چنانچه کشور های آسیایی و از جمله کشورهای اتحاد جماهیر شوروی هم به نیت سهولت گذشتن دانش آموزان از مرحله ی خواندن و نوشتن الفبا را دگرگون کردند. سطرهای نوشته شده توصیفی بود از شیوه ی نوین آموزش و پرورش در ایران که به اقتضای همپایی ایران در ضرورت تاریخ انجام شد. هم نهاد نوین آموزش و پرورش به عنوان دژ پایداری در برابر امپریالیسم سربرآورد.

نهاد مدرسه به شیوه ی نوین هم چنین بنا به الزامات زمانه رهایی آموزش و پرورش از نهاد مذهب و خانواده ی پدرسالارانه بود. اگرچه این زمان هم کودکان از استثمار معنوی رها نشدند، اما جدایی تدریجی کودکان از نهاد خانواده که ذهن آدمی را در محدود ترین حصار ممکن نگاه می دارد و آن را

مساله این است که آیا بشر می تواند بدون یک انقلاب اساسی در وضع اجتماعی آسیا رسالت خود را به انجام برساند؟ اگر نمی تواند پس انگلستان به رغم جنایتهایی که مرتکب شده، ابزار ناخودآگاه تاریخ برای تحقق این انقلاب بود. پس به رغم تلخیهایی که فروپاشی یک جهان کهن در احساسات شخصی ما باقی می گذارد، از حیث تاریخی حق داریم همراه گوته فریاد برآوریم؛ آیا باید دردی که بر لذت ما می افزاید متالم شد؟ (مارکس، دیلی تریبون، نیویورک ۲۵ ژوئن ۱۸۵۳)

این قطعه که در ادامه ی تفسیر مارکس از تاریخ و شرایط رشد قاره آسیا آمده است می گوید که نظام آسیایی کشورهایی را در برمی گیرد که با دخالت اقوام دیگری، که تحول اقتصادیشان مسیری متفاوت را طی کرده بود، از حالت ایستایی خود بیرون آمده اند. عصر دگرگونی اروپا با افول ایران از بنام ترین کشورهای آسیایی بود همزمان شد.

در عصر قاجار که حاکمیت دوران اوج عجز و ناتوانی را بروز می داد، اروپاییان دگرگونیها و انقلابهای عظیمی را تجربه می کردند که قاجاریان و به تبع آن اکثریت قاطع مردم به هیچ یک از این دگرگونیها آگاهی نداشته و از آنها بی خبر بودند.

اما پس از آنکه به جبر کیفیات و مقتضیات نظام سرمایه داری پای اروپاییان به ایران باز شد، فواید و زیانباریها به بار آمد. از جمله تحرک ایرانیان نسبت به ضعفها و عقب ماندگیها، آغاز جنبشهای ضد استعماری و ضد امپریالیستی و تحریکها و تکانهای تحول در آموزش و پرورش متناسب با نیازهای جامعه ی نوین بود.

بر خلاف شهرهای اروپا که میادین و کافه ها محل تجمع و گفت و شنود مردم و شکل گیری فعالیتهای مدنی بود، در ایران تنها مکان تجمع مردم برای گفت و شنود مسجد بود و در میادین و معابر فقط اوباش گرد می آمدند. از همین رو منشا تحركات در جامعه مسجد بود. ملا های مکتب ها اغلب طلبه ها (دانش آموزان) را در مسجد برای سواد آموختن جمع می کردند. از این رو طلاب (دانش آموزان) هم در جنبشهای اجتماعی پا در میانی می کردند.

اولین تلاشهای پی گیر در آموزش و پرورش به شیوه ی نوین در سال ۱۲۶۷ توسط حاجی میرزا حسن رشدیه انجام شد. کسروی در تاریخ مشروطه ایران می نویسد: "او یکی از ملازادگان تبریز می بود و در جوانی به بیروت رفت و در آنجا دبستانها را دید و شیوه ی

به ابزار منفعل خرافه بدل می کند و اسیر قواعد سنتی می سازد و از هر گونه شکوه و نیروی تاریخی محروم می کند برای برآوردن یک انقلاب اساسی در ایران ضروری بود.

هم اکنون اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران با "حوزه علمیه برادران استان تهران" تفاهم نامه ای را امضا کرده که بر اساس آن مدارس دولتی تحت پوشش این طرح به مدارس وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شوند. به گزارش خبرگزاری تسنیم، مهران مجیدی نماینده ستاد همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش با اعلام این خبر گفت: "مدارس دولتی به مدرسه وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شوند و مدیریت حوزه با استقرار روحانی ثابت در این مدارس مدیریت تربیتی مدارس را بر عهده خواهد داشت، محتوای برنامه ها طبق شیوه نامه فرهنگی و تربیتی تایید شده کارگروه و توسط مدیر مدرسه اجرا خواهد شد."

مدرسه ای به این طرح افزوده می شوند. نماینده ستاد همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش همچنین عنوان کرد که این حرکت "در چارچوب احکام دینی و مقررات نظام جمهوری اسلامی در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با محوریت و نشر اندیشه تبیین از ولایت فقیه، رعایت شئون و نهادینه سازی و ضابطه مند کردن تمام فعالیتها از جمله سیاستهای مدنظر است."

این نخستین بار نیست که بحث واگذاری برخی از مدارس به حوزه علمیه مطرح می شود. پنج سال پیش نیز در وزارت آموزش و پرورش ستادی به نام "ستاد همکاریهای وزارت آموزش و پرورش و حوزه علمیه" ایجاد شد و این ستاد طرح استقرار دائمی روحانیون در مدارس را تهیه کرد. پس از آن نیز کلیک طرح واگذاری مدارس به حوزه علمیه مطرح شد.

هدف از استقرار روحانیون در مدارس "پاسخگویی به نیازهای فرهنگی دانش آموزان" عنوان شد و قرار بود در مرحله اول روحانیون در مدارس شبانه روزی، استعدادهای درخشان، استثنایی و مراکز تربیت معلم مستقر شوند.

در همان زمان اعلام شد که مدیریت ۴۲۰۰ مدرسه در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به حوزه علمیه واگذار شده و سایت رسمی وزارت آموزش و پرورش تایید کرد واگذاری مدیریت تعدادی از مدارس کشور انجام شده و مجوز آن زیر نظر حوزه علمیه قم صادر شده است.

ارتجاع با تلاش برای وابسته کردن مدارس به نهاد پوسیده و گندیده ی نهاد مذهب در جهت زندانی کردن پرواز اندیشه و آگاهی انسانهاست. اما خیال حکومت جهل خیالی باطل است چرا که نهاد مذهب در ایران از بن گندیده و فاسد است.

چالشهای معلمان در

آذر ماه

بقیه از صفحه ۱۰

شخصی بودن مجازاتها، خانواده بنده مستقیماً تحت مجازات قرار گرفته و احتمالاً آنان نیز به جرم ناکرده تبعید خواهند شد.

امید که ایران و ایرانی، از آینده ای فارغ از قانون ستیزی و قانون گریزی به ویژه از سوی متولیان اجرای قانون برخوردار شود.

فرزند ایران - عبدالرضا قنبری (معلم و استاد دانشگاه)"

انتقاد از تبعیض میان حقوق

معلمان و کارمندان آموزش و پرورش

پرورش

ایلنا، ۱۹ آذر - یک فعال صنفی معلمان از تبعیض میان معلمان مدارس و نیروهای ستادی آموزش و پرورش انتقاد کرد.

مهدی بهلولی گفت: "از گذشته میان حقوق و مزایای معلمان مدارس و نیروهای ستادی (پرسنل وزارت آموزش و پرورش و ادارات و سازمانهای وابسته به آن) اختلاف فراوانی وجود داشته است؛ به این شکل که نیروهای ستادی بین ۲/۵ الی ۳ برابر بیشتر از معلمان مدرسه حقوق دریافت می کنند و این تبعیض فقط به حقوق محدود نمی شود."

این فعال صنفی معلمان افزود: "وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده بود در ماه رمضان سال جاری نزدیک به ۱۵۰ هزار تومان کالا در اختیار معلمان مدارس قرار می دهد، اما نه تنها به وعده اش عمل نکرد، بلکه ۴۰۰ هزار تومان وجه نقد به حساب نیروهای ستادی اش واریز کرد."

وی با قیاس دفترچه تعاونی معلمان مدارس و نیروهای ستادی بیان کرد: "دفترچه تعاونی معلمان مدارس بی ارزش است و از حدود ۵ سال پیش تاکنون، خدماتی به آنها ارایه نمی دهد، اما دفترچه تعاونی نیروهای ستادی شامل بنهای روغن، مواد شوینده، برنج و... است که به ارتقای معیشت آنها کمک می کند."

بهلولی در ادامه گفت: "در حالی که به نیروهای ستادی به مناسبتهاهی مختلف سکه اهدا می شود، حق اضافه کاری معلمان در ماه های اردیبهشت، خرداد، مهر و آبان هنوز پرداخت نشده است."

وی همچنین به عدم پرداخت حق الزحمه معلمان در امتحانات نهایی خرداد ماه و بدهی ۳۰۰ میلیارد تومانی دولت در خصوص بیمه طلایی به آنها اشاره کرده و افزود: "معلمان در مدارس به آموزش و پرورش دانش آموزان مشغول هستند و وظیفه شان از پشت میز نشینی نیروهای ستادی به مراتب سخت تر است."

استثمار جنسی و ابعاد فاجعه بار آن

ناصر ناصری

مشکلی نیست از ساعت پنج بعداز ظهر به بعد می توانم مراجعه کنم. بعد از گرفتن آدرس، خود را به آن خانه رساندم و با اصرار من به یکی از اتاقها رفتم که در گوشه ی اتاق یک تخت خواب و یک میز آرایش و یک آباژور که تمامی اثاثیه اتاق را تشکیل می داد قرار داشت.

بلافاصله پولی که مرجان در خواست کرده بود را به او دادم و با اکراره برای پایان نامه تحصیلی ام (توجیه صوری ای که برایش عنوان کرده بودم) حاضر شد بدون هیچگونه نام و نشان، به سوالاتم جواب دهد. در ابتدا گفت: "اگر بفهمم مامور جایی هستی برات گرون تموم میشه آخه در آگاهی و دادگاه آشنا زیاد دارم." با این قبیل تهدیدات کنارم روی تخت نشست. از وضعیت کار، نحوه ی اداره آن خانه، تعداد و تیپ مراجعان و چگونگی جذب دختران و زنان و وضعیت اسکان زنان شاغل در این خانه سوال کردم.

به جز مرد محافظ قوی هیکل، تعداد هشت تا ده نفر در این خانه مشغول به کار بودند که شش نفر در همین منزل ساکن بوده و چند نفر هم روزها کار می کردند و شبها به خانواده ی خود می پیوستند که تمامی آنها متاهل بودند و به بهانه ی کار در شرکت از ساعت هشت تا پنج بعدازظهر در این خانه بودند. دخترانی که در منزل سکونت داشتند تعدادی دختر از شهرهای دیگر بودند که از منزل خود فرار کرده و در تهران و کرج توسط مرجان و رفقاییش شناسایی و جذب این شغل شده بودند. جالب اینکه سه نفر از آنها دانشجو بودند و از ساعت چهار به بعد کار می کردند. روزانه بین سی تا چهل تن به این مکان مراجعه می کردند که در روزهای تعطیل و اوایل ماه تعداد مراجعان افزایش می یافت. اکثر مشتریان پس از تأیید شناسایی توسط معرف جلب این مکان شده بودند. تردد به این مکان کاملاً مدیریت شده

بود. طبق اظهار معرف، مرجان با تمامی ماموران انتظامی منطقه رابطه دارد و به آنها رشوه و زنان مجانی می دهد و هر چند وقت یک بار هم منزل را عوض می کند. از مبلغی که دریافت می کند به زنان حقوق ماهیانه در مجموع حدود یک تا دو میلیون تومان می داد و خرج محل خواب و خوراک آنها نیز به عهده مرجان بود. از بهداشت و

احتمال بیماری ایدز و هپاتیت پرسیدم که پاسخ دقیقی دریافت نکردم. دردناک تر اینکه، زن تن فروش حتی با روزانه ۱۰ تا ۱۵ بار تحمل رابطه با مردان مختلف، فقط پول اندکی عایدش می شد و قسمت اعظم دریافتی شان برای سهم لیدر و هزینه های رشوه، غذا، لباس و لوازم آرایش، کسرمی شد. با این دو نمونه می توان به ابعاد این فاجعه انسانی بیشتر پی برد.

حرفی زده بودم که او درب را باز کرد و در ماشین نشست. من نیز به ناچار حرکت نمودم. حدود بیست سال سن داشت و برغم آرایش نسبتاً غلیظ، چهره ای غمگین و لیخندی تلخ داشت.

دختر باگفتن جمله ی "من زیاد وقت ندارم و باید برگردم خونه" مرا به خود آورد و چون نمی دانستم چه چیزی باید بگویم، تنها به پرسش "گرسنه هستی؟" اکتفا کردم. ساعت حدود سه بعدازظهر بود، گفت "از صبح چیزی نخوردم." او را

برای خوردن غذا در رستورانی در همان حوالی دعوت کردم و در حین خوردن غذا مقداری از وضعیت خود و خانواده اش سوال کردم. ساکن همان منطقه و مادرش فوت کرده بود، پدر و برادرش هر دو اعتیاد داشتند و خواهر کوچکترش نیز محصل بود و در یک خانه کوچک مستاجر بودند. دل پر دردی داشت که سنگینی دردهایش از لحن صدا و نگاهش نمایان بود. هر دو روز یکبار و یا دوبار در هفته برای تأمین مخارج خود و خانواده اش اقدام به تن فروشی می کرد و اگر خوش شانس بود و شخص

شارلاتانی به تورش نمی خورد، ماهانه می توانست اجاره و مایحتاج ناچیز زندگی را تأمین کند. می گفت که قبلاً چند جا برای کار مراجعه نموده و هر بار توسط کارفرمایش مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته و حق و حقوقش نیز پایمال شده و در نتیجه تمایلی برای اشتغال توأم با بهره کشی جنسی ندارد و تن فروشی بهترین راهی است که انتخاب نموده و برای اینکه برادر و پدرش از موضوع آگاه نشوند، کار شیفیتی در یک بیمارستان را بهانه کرده است. او عنوان می کرد که بیشتر تمایل دارد سوار خودروهای مدرن و شیک شود که مالکان معمولی دارند و در پرداخت پول دست و دل بازترند و معمولاً جهت کار به شمال شهر می رود و کمتر در محل خود فعالیت می کند. در نهایت مبلغی بیش از آنچه خواسته بود به او دادم که از قبول پول خودداری می کرد و بالاخره با اصرار زیاد قبول کرد. تا چندین روز نگاه خسته و ملتسانه دختر، نگاهی که سرشار از درد بود، فکرم را مشغول نموده بود.

برای تکمیل گزارش تصمیم گرفتم به یکی از خانه های گروهی شان که آدرس آن را از کسی گرفته بودم، به منطقه ی فردیس کرج رفته و با چند تن از زنان شاغل در آنجا صحبت کنم. برای رفتن به آن محل مراحل خاصی باید طی می شد. در تماس تلفنی با لیدر آن خانه و تبادل رمز، زنی که بسیار محکم صحبت می کرد گفت "اول باید به کسی که شماره ی من رو بهت داده بگی شخصاً زنگ بزنی و تأییدت کند." قریب یک ساعت بعد لیدر آن خانه پس از پرسوه تأیید شدنم، گفت که

فاحش جنسیتی در شرایط بغرنج تر و دشوارتری نسبت به مردان قرار دارند. تن فروشی برآیند سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حکومت ارتجاعی حاکم است که طی بیش از سه دهه فرمانروائی جابرانه خود نه تنها توجه به وضعیت زنان تن فروش نداشته، بلکه با تصویب قوانین تن فروشی ستیزانه، آنان را از مشارکت در پرسوه تولید محروم کرده است. بدینوسیله، امرار معاش از طریق تن فروشی به رغم تمام خطرات و عواقب ناگوار، برای زنان طبقه محروم تنها راه نجات از وضعیت دهشتناکی است که رژیم فراهم ساخته است.

تحقیق میدانی

برای نگارش این مقاله اقدام به تحقیق میدانی در تهران بزرگ و حومه ی آن نموده ام.

برای برقراری ارتباط و ملاقات با زنان خیابانی به جز جوانب امنیتی، مشکل حادی وجود ندارد. کافی است به یکی از خیابانها و پارکها و میداین مشخص در تهران مراجعه و با اندکی تامل با یک و یا چند تن از زنان تن فروش مواجه شد.

برای بررسی پدیده در سطح تهران، به یکی از محلهائی که توسط یکی از واسطه ها از آن مطلع شدم رفتم. در منطقه ای در حاشیه غرب کلان شهر تهران، بدون هیچ سازماندهی مدنی و زیر ساختهای لازم برای یک جامعه مدنی، محله ای نسبتاً

جدیدالاحداث که یک شبه سر برآورده است. به مغازه ای معرفی شدم که در آن ارتباط با زنان میسر می شود. مرد مغازه دار که ظاهراً ۵۵ سال دارد، پس از دریافت جمله رمزی که از رابط بدست آورده بودم و کسب اطمینان، مرا به پشت پیشخوان برده و بدون تامل آلبومی را برای انتخاب ارائه داد. با مشاهده تصویر زنان و دختران نیمه عریان در آلبوم، زنی را انتخاب و از مرد دلال شرایط این زن را جویا شدم. آن مرد که به این شرایط مانند معامله کالا عادت داشت، بدون درنگ قیمت صد هزار تومان برای یک ساعت در مکانی که داشت را اعلام نمود. برای عکسی دیگر نیز، قیمت در همان حدود بود. به بهانه آوردن کیف از مغازه خارج شدو. حال مساعدی برای دیدار در آدرس دریافت شده نداشتم. چند متری جلوتر از مغازه، دختری در کنار خیابان با نوع پوشش و طرز ایستادن و اتومبیلهایی که برایش بوق می زدند و ترمز می کردند، توجه ام را جلب کرد. وقتی که به نزدیک او رسیدم و جلوی او توقف کردم، دختر به ماشین نزدیک شد و با انگشت به شیشه پایین آمد تنها کلمه ای که از دهانش خارج شد هشتاد هزار تومن! بود. من هنوز

تن فروشی در جامعه ایران پدیده نو ظهوری نیست. از گذشته دور این شکل از استثمار انسان کم یا بیش در ایران وجود داشته است. در دوران اوج اقتدار پادشاهان صفوی که به اشکال مختلف نهادهای مذهبی را تقویت می کردند، گسترده ترین نوع فحشا در اصفهان وجود داشت. در قرن بیستم شاهد اشکال رسمی و غیر رسمی ارائه خدمات جنسی به قصد کسب در آمد و تأمین معاش بوده است.

گرچه با روی کار آمدن حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی مکانهای ارائه ی خدمات جنسی دوران استبداد خاندان پهلوی جهت مبارزه با معضل تن فروشی، بسته شدند، ولی طیف گسترده ای از زنان متعلق به اقشار محروم جامعه به دلیل عدم برخورد ریشه ای حاکمیت با معضلات گوناگون اجتماعی، به خصوص فقر و بیکاری، به تن فروشی روی آوردند. این قربانیان در حاکمیت ایران که تن فروشی را با توسل به احکام شریعت اسلام، ممنوع اعلام می کند، چاره ای جز ایستادن در حواشی خیابانها ندارند و به زنان خیابانی مشهور گردیده اند.

در میان قربانیان، دختران جوان، دانشجویان، زنان بیوه و بی سرپرست، زنان سرپرست خانوار، زنان متاهل و افراد دو جنسه وجود دارند. دلایل و عوامل بسیاری از سوی جامعه شناسان و محققان در خصوص گرایش زنان به تن فروشی ارائه شده که فقر، بیکاری، روابط والدین، جدایی والدین، مهاجرت، فراوانی جمعیت خانواده، ازدواج تخمیلی، تفاوت زیاد سنی بین زوجین، بی توجهی به نیازهای عاطفی و جنسی زنان، عدم احترام به شخصیت زنان و ... از مهمترین آنها است.

اما ریشه اصلی مشکلی که سبب تشدید تن فروشی می شود را باید در ساختار ارتجاعی قدرت حاکم همراه با تمام ارگانها و نهادهای انگلی وابسته به آن دانست.

قدرت حاکم که جهت چپاول و انباشت ثروت از هر شیوه غیرانسانی بهره می جوید، بهره کشی جنسی را به عنوان بخشی از منبع ثروت دانسته و قادر به چشم پوشی از آن نیست. معضل مزبور به خاطر رونمای ارتجاعی، استبدادی و پدرسالار ساختار سیاسی در ایران، به طور وحشیانه تر و خشن تری ظاهر می شود.

بیکاری فزاینده، تورم، ژرفش اختلاف طبقاتی و جنسیتی و تشدید اعمال سیاستها نولیبرالیستی، خیل عظیمی از جوانان و نوجوانان سرخورده که آینده ای روشن برای خود نمی بینند را جذب مشاغل کاذب کرده است. زنان از جمله اقشاری هستند که به دلیل تبعیض

و رم تبریک گفت و تاکید کرد شما با تمامی وجود یک نمونه درخشان و تاریخی از مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و دیکتاتوری و جنایت بر جای گذاشتید.

خانم رجوی پیش از این بارها با ارسال پیامها و از طریق فرستادگان ویژه اش تلاش کرده بود اعتصابیونی که در شرایط وخیم جسمی بسر می بردند از اعتصاب خارج کند، اما با این حال بسیاری از آنها بیش از ۱۰۰ روز و بعضا تا ۱۰۸ روز را در اعتصاب غذا بسر بردند. تصمیم دادگاه اسپانیا در کادر اصول اختیارات جهانشمول که کنوانسیون

چهارم ژنو برای دادگاههای عدالت کشوری قائل است اتخاذ شده است. دادگاه تصمیم گرفت تحقیقات علیه فالح فیاض «به عنوان کسی که مسئول موارد نقض وخیم کنوانسیون چهارم ژنو و اولین پروتکل اضافی آن است ثبت نموده، که این جرایم را وی از ماه

مه ۲۰۱۰ به عنوان رئیس «کمیته اشرف وابسته به دفتر نخست وزیر مالکی مرتکب شده، و به طور خاص به خاطر دست داشتن مفروض وی در قتل

عامهای ۸ آوریل ۲۰۱۱ و اول سپتامبر ۲۰۱۳ علیه «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهارم ژنو ساکن در شهر اشرف (عراق)، ... در ارتباط با تخلفات گزارش شده در مورد ۳۵ قتل و ۳۳۷ مورد جراحت عامدانه در ۸ آوریل ۲۰۱۱ و ۵۲ قتل و ۷ گروگانگیری در یک سپتامبر ۲۰۱۳ همراه با شکنجه و آسیبهای جسمی علیه ساکنان اشرف»، بسط پیدا کند.

این تصمیم در ضمن اعلام می کند که «کشتارها، جراحتهای، بمباران صوتی، جلوگیری از ورود مواد غذایی و جلوگیری از مراقبتهای پزشکی، هیچ چیزی نمی تواند در اشرف اتفاق بیافتد بدون اطلاع اعضای کمیته، به طور خاص فالح فیاض. در سلسله مراتب نظامی و غیرنظامی او شخص مسئول عملیات ۸ آوریل ۲۰۱۱ طبق دستورات نخست وزیر، که فرمانده کل نیروهای مسلح عراق است، می باشد. در مسائل امنیتی در تمامی کشور، از جمله اشرف، فالح فیاض شخص مسئول است».

بر اساس تصمیم دادگاه «در اول سپتامبر ۲۰۱۳ نیروهای نظامی عراق که اشرف را در محاصره و اشغال خود داشتند اجازه قتل عام شنیع ۵۲ تن، از حدود ۱۰۰ تن ساکنان راه، که به کمپ لیبرتی منتقل نشده بودند، را دادند. آنها همگی دارای استاتوی افراد حفاظت شده طبق کنوانسیون چهارم ژنو بودند.

هفت تن از «افراد حفاظت شده» نیز در جریان این تهاجم روده شدند که هنوز آزاد نشده اند و مقامات عراقی نگفته اند که آنها کجا هستند. اموال ساکنان غارت گردید، ساختمانهای متعدد با مواد انفجاری منهدم شد و یکی از آنها نیز به آتش کشیده شد».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۶ آذر ۱۳۹۲ (۱۷ دسامبر ۲۰۱۳)



غارت گردید، ساختمانهای متعدد با مواد انفجاری منهدم شد و یکی از آنها نیز به آتش کشیده شد».

دادگاه در ضمن به ماده ۲۹، ۱۴۶ و ۱۴۷ از کنوانسیون چهارم ژنو اشاره می کند که مسئولیتهای دولتها در رابطه با «افراد حفاظت شده» ساکن اشرف، که فرمان اخراج اجباری آنها توسط افسران عراقی که تحت تحقیقات دادگاه می باشند صادر شده، برجسته می کند. دکتر خوان گارسه

پایان اعتصاب غذا

به دنبال حکم دادگاه اسپانیا علیه مشاور امنیت ملی مالکی به خاطر قتل عام و آدم ربایی در اشرف خانم رجوی ساکنان لیبرتی و ایرانیان در شهرهای مختلف جهان را به پایان اعتصاب غذا فراخواند.

به دنبال قطعیت حکم دادگاه اسپانیا علیه فالح فیاض، مشاور امنیت ملی مالکی، به خاطر مسئولیت مستقیم در کشتار اول سپتامبر ۲۰۱۳ و اعدام جمعی ۵۲ تن از ساکنان و به گروگان گرفتن ۷ تن و به اتهام جنایت علیه جامعه بین المللی، خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، مجاهدان لیبرتی و ایرانیان در شهرهای مختلف جهان را به پایان اعتصاب غذای جهانی که از روز اول سپتامبر شروع شده است فراخواند و پایان اعتصاب غذا را اعلام کرد.

وی افزود با وارد شدن یک اهرم نیرومند قضایی علیه مسئولان جنایت علیه بشریت، از این پس کارزار جهانی برای آزادی گروگانها و برای تأمین امنیت مجاهدان لیبرتی با تمام قوا تا تعیین تکلیف نهایی بی وقفه ادامه پیدا می کند.

خانم رجوی این پیروزی بزرگ را به اعتصاب کنندگان در لیبرتی، ژنو، برلین، اتاوا، لندن، ملبورن، واشنگتن، استکهلم

مورد او «به عنوان کسی که مسئول موارد نقض وخیم کنوانسیون چهارم ژنو و اولین پروتکل اضافی آن است ثبت نموده، که این جرایم از ماه مه ۲۰۱۰

وی به عنوان رئیس «کمیته اشرف» وابسته به دفتر نخست وزیر مالکی مرتکب شده، و به طور خاص به خاطر دست داشتن مفروض وی در قتل عامهای ۸ آوریل ۲۰۱۱ و اول سپتامبر ۲۰۱۳ علیه «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهارم ژنو ساکن در شهر اشرف (عراق)، ... در ارتباط با تخلفات گزارش شده در مورد ۳۵ قتل و ۳۳۷ مورد جراحت عامدانه در ۸ آوریل ۲۰۱۱ و ۵۲ قتل و ۷ گروگان گیری در یک سپتامبر ۲۰۱۳ همراه با شکنجه و آسیبهای جسمی علیه ساکنان اشرف»، بسط پیدا کند.

این تصمیم در ضمن اعلام می کند که «کشتارها، جراحتهای، بمباران صوتی، جلوگیری از مواد غذایی و مراقبتهای پزشکی، هیچ چیزی نمی تواند در اشرف اتفاق بیافتد بدون اطلاع اعضای کمیته، به طور خاص فالح فیاض. در سلسله مراتب نظامی و غیرنظامی او شخص مسئول عملیات ۸ آوریل ۲۰۱۱ طبق دستورات نخست وزیر، که فرمانده کل نیروهای مسلح عراق است، می باشد. در مسائل امنیتی در تمامی کشور، از جمله اشرف، فالح فیاض شخص مسئول است».

بر اساس تصمیم دادگاه «در اول سپتامبر ۲۰۱۳ نیروهای نظامی عراق که اشرف را در محاصره و اشغال خود داشتند اجازه قتل عام شنیع ۵۲ تن، از حدود ۱۰۰ تن ساکنان راه، که به کمپ لیبرتی منتقل نشده بودند، را دادند. آنها همگی دارای استاتوی افراد حفاظت شده طبق کنوانسیون چهارم ژنو بودند. هفت تن از «افراد حفاظت شده» نیز در جریان این تهاجم روده شدند که هنوز آزاد نشده و مقامات عراقی نگفته اند که آنها کجا هستند. اموال ساکنان

درگذشت مجاهد خلق

رویا درودی

سایت همبستگی ملی در روز پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۲ گزارش نمود که؛ مجاهد خلق رویا درودی که اخیرا از زندان لیبرتی برای معالجه به آلبانی منتقل شده بود در بیمارستانی در آلبانی درگذشت. بنا به این گزارش خانواده درودی از دیرباز در شهر مشهد به طرفداری از مجاهدین شناخته می شدند.

فقدان مجاهد خلق رویا درودی را به خانواده و به همزمانش در سازمان مجاهدین خلق ایران تسلیت می گوئیم.

اطلاعیه مطبوعاتی دکتر

خوان گارسه

اسپانیا - مادرید، ۱۷

دسامبر ۲۰۱۳

دادگاه اسپانیا تحقیقات در مورد مشاور امنیت ملی عراق به خاطر جنایت علیه جامعه بین المللی را آغاز می کند. فالح فیاض متهم به ارتکاب جنایات تحت قانون بین الملل علیه ساکنان اشرف می باشد.

دادگاه مرکزی تحقیق شماره ۴ اسپانیا طی تصمیمی که این ماه قطعی شد، اعلام کرد که آقای فالح فیاض، مشاور امنیت ملی نخست وزیر عراق، «به اتهام ارتکاب جرمی علیه جامعه بین المللی»، تحت تحقیقات قرار دارد. این حکم در کادر اصول اختیارات جهانشمول که کنوانسیون چهارم ژنو برای دادگاههای عدالت کشوری قایل است اتخاذ شده است.

دادگاه تصمیم گرفت که بر مبنای شکایت علیه آقای فیاض تحقیقات در

متن اعتراض و انصراف والدین ستار بهشتی از روند رسیدگی به پرونده فرزندشان

عقب نشینی در فراسوی

مانور هنرمندانه

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۴ آذر نتیجه اجلاس ۴ روزه هیات مذاکره کننده رژیم با ۶ کشور بزرگ، نشان دهنده وضعیت بحرانی ولی فقیه و تحمیل جرعه هایی از جام زهر به اوست. دست برداشتن از برخی اقدامات ماجراجویانه به منظور دستیابی به سلاح اتمی، خواست مردم ایران است. رژیم ولایت فقیه با هزینه های سنگین در پروژه اتمی، فقر، بدبختی، بی کاری و ویرانی اقتصاد را بر مردم ایران تحمیل کرد و سرانجام مجبور به عقب نشینی شد.

گرچه قول و قرارها و امضاهای رژیم قابل اعتماد نیست و احتمال زیر پا گذاشتن تعهدات از جانب رژیم وجود دارد، اما همین حد از عقب نشینی و قبول برخی از خواسته های جامعه جهانی، ناشی از فشار شرایط به رژیم بوده است. سخن پراکنی تند و عصبی ولی فقیه درست چند ساعت قبل از شروع دور سوم مذاکرات دو علامت به همراه داشت. علامت اول «مانور ریاکارانه» برای ارضای مخالفان درون حکومت و علامت دوم تأیید مذاکره کنندگان و در نتیجه محصول مذاکره.

وزارت امور خارجه رژیم در انتشار اولیه متن توافق بخشهایی از آن را سانسور کرد. اما خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران با گفتن کلمه «متاسفانه» اقدام به انتشار بخش سانسور شده توافق نمود. نامه روحانی به ولی فقیه که هیات مذاکره کننده را فاتح نشان داده و همچنین پاسخ ولی فقیه به این نامه، نشان دهنده این است که توافق با تأیید کامل خامنه ای صورت گرفته است.

در این توافق مساله مورد مشاجره، یعنی متوقف کردن تواناییهای رژیم برای ساختن سلاح هسته ای حداقل برای ۶ ماه به سود طرفهای خارجی و البته به سود مردم ایران تعیین تکلیف شد.

صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی بعد از پخش توافقتنامه اعلام کرد که «غنی سازی حق ماست و ما می توانیم تولید اورانیوم را تا حتی ۱۰۰ درصد ادامه دهیم. اگر قرار باشد امتیازی به آنها بدهیم داوطلبانه است». وی می گوید ما «درجه غنی سازی را برای شش ماه محدود کردیم تا مذاکرات جامع صورت گیرد و تکلیف غنی سازی بالای ۵ درصد مشخص شود».

در حالی که استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی برای رژیم ایران در تمام قطعه های شورای امنیت سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده، باند روحانی - ظریف این گونه وانمود می کنند که گویا با این توافقتنامه چنین حقی به رسمیت شناخته شده است.

روشن است که هدف ولی فقیه رسیدن به سلاح اتمی و استفاده از آن برای قدرت نمایی در منطقه بوده و اکنون به این برنامه یک ضربه وارد شده است.

اندیشمندش که همه انسانها راز یک گوهر و درد عضوی را بردن قرار از دیگر اعضا می دانند کسانی هم هستند که برای خوش خدمتی و دریافت نان و آبی افزونتر وجدانشان را به اهریمن می فروشند و هرستمی را روا می دارند. این سنگواره شده های



زمانه درخونریزی و کشتار نه وجدان درد می گیرند و نه اندیشه ای باخرد آشنا دارند که بویی از انسان و انسانیت برده باشد.

از آنجا که ما اولیاء دم ستار بهشتی قصد فروش خون فرزندانمان را به پول نداریم، لذا از شکایت به این دلیل اجتناب می ورزیم که متوجه گشته ایم دستهایی در کارند تا خون جوان بیگناه و ناکاممان را پایمال کنند که تا حال چنین کردند و ما نیز مجازاتشان را به خداوند یکتا وامی گذاریم که دادگری بی همتاست و براین باور پای می فشاریم که خون بیگناه دامنگیر خواهد بود و امیدواریم در زنده بودنمان آن را به چشم ببینیم که آدمکشان حرفه ای دست پرورده چگونه به کیفر کردار اهریمنیشان می رسند تا دستمان از گور بیرون نماند.

در پایان افزون بر آنچه در بالا آمد یادآوری می کنیم که ما برای نگهداشت و پاسداری از خاک کشورمان و تداوم بخشیدن به باورهای انسانساز نیاکمان که جهانیان را شیفته این فرهنگ انسان محوری کرده است، ستارهای بسیاری را در راهش داده و رسالت خود را ادا کرده ایم و می دانیم که پس از رفتن زمستان تنها رو سیاهی است که به زغال خواهد ماند، بنابراین ما دنیا دیدگان سپید موی، سپید روی هم از دنیا خواهیم رفت و آینده را به جوانانی از گونه ستارها خواهیم سپرد تا خلف زادگانی باشند برای میهنی که هزاران سال است نامش بر تارک تاریخ می درخشد و ازین دست نشینها را بسیار از سرگذرانیده و باز خود را به فراز کشانیده و هرگز از پای ننشسته است.

گوهر عشقی - سردار بهشتی

منبع: سحام نیوز

سه شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۲ - ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳

داده که همه در اثر ضربه های مهلک و لگدهایی بوده که هنگام گرفتن اقرار از سوی متهم پرونده به بدن این شیر مرد جوان فرود آمده و به دلیل نرسیدن اکسیژن کافی باندامهای خونریزی داده شده منجر به مرگ وی گردیده است.

رایزی با چندین پزشک متخصص که گزارش را دیده و خوانده و تأیید کرده اند که خونریزیهای رُخ داده در بدن مقتول موجبات مرگش را فراهم کرده اند و خودداری پزشکی قانونی از اظهار نظر قاطع مرگ که نشان از ضعف و ناتوانی مقامهای پزشکی قانونی به دلیل فشارهایی که می دانیم وی داند از چه سمت و سویی است دارد، و کارشان بمانند همان پنهان کردن خورشید زیر تکه ابريست گذرا و قطره بارانی که چون پهنای دریا بدیدخجل ازخویشن شده است که بیگمان آیندگان به داوری پرونده هایی از این دست خواهند نشست. خونریزیهای اندامهای داخلی مانند کبد و کلیه و ریه و مغز نشان می دهد که مطلب عنوان شده ازسوی متهم که گفته ضربه هایش کنترل شده بوده، نادرست و نشان از شدت و مهلک بودنشان دارد که هرگز نمی توان آنها را کنترل شده قلمداد کرد مگر پذیرش آن به قصد یاری دادن به متهم برای فرار از مجازات باشد که آشکارا چنین اتفاقی افتاده است، بنابراین با توجه به عمد بودن قتل از نگاه وکیل پرونده با رایزی پزشکان متخصص و شبه عمد بودن آن ازسوی دستگاه قضایی برای آنکه موضوع تنها به دیه پایان یابد محرز و بی هیچ گمانی خون فرزندانمان در راه آزادی اندیشه و سرافرازی میهنش مانند بسیاری که در این راه پای نهادند و سر و جان دادند خوشتن را ریخته می دانیم، ما نگاه جهانیان را به مسئولانی که خلاف اصول قانون اساسی رفتار و به کاوش ذهن و تفتیش عقاید و شکنجه برای گرفتن اقرار دست به آدمکشی می زنند و به آسانی هم از کیفر می گریزند، بازمی گردانیم تا بدانند در سرزمینی که رادمرد بزرگ تاریخش جهانیان را با گفتار و کردارش افسون خود کرده و هیچ ستمی را برنناییده و نیز مردم

هفته گذشته به رغم اینکه تعدادی از زندانیان بند ۳۵۰ اوین حاضر شدند در پرونده ستار بهشتی شهادت دهند، اما دادگاه کیفری کارکنان دولت اتهام قتل عمد را در این پرونده نپذیرفت و آن را شبه عمد تشخیص داد.

به گزارش سحام در همین ارتباط، پدر و مادر ستار بهشتی در نامه ای به دادستانی تهران ضمن اعتراض به رای صادره، از ادامه روند رسیدگی به پرونده کشته شدن فرزندشان انصراف دادند.

متن کامل این نامه که برای انتشار در اختیار سحام قرار گرفته بدین شرح است:

دادستانی محترم تهران

اینجانبان گوهرعشقی و سردار بهشتی مادر و پدر رشادروان ستاربهشتی درخصوص پرونده فرزندانمان که در قرارگاه پلیس فتا زیر شکنجه های بازجو، ستوان دوم اکبرتقی زاده دراتر خونریزیهای داخلی به فیض شهادت در راه آزادی نایل گردید و پرونده به شماره ب/ ۹۱۰۹۱۸ در شعبه یک بازپرسی دادسرای جنایی تهران با کوشش وکیل ما، خانم گیتی پورفاضل پیگیری و علیرغم مستندات پرونده که قتل به صورت عمد بوده، لیکن مقامات قضایی تشخیص قتل شبه عمد دادند تا با دیه خون جوان ناکاممان پایمال شود، باستحضار می رسانیم؛

از آنجا که مدارک و مستندات که آقای بازپرس در پرونده گردآوری کرده اند نشان می دهد کلیه اعمال و افعالی که ازسوی متهم (اکبرتقی زاده) درمورد ستار بهشتی انجام گرفته عمد بوده زیرا وی نه از نگاه قانون حق بازجویی و شکنجه برای گرفتن اقرار و نه نگهداری مشاورالیه در بازداشتگاه پلیس فتا را داشته است، زیرا دادیاری که دستورکبتی تحویل گرفتن ستار را از زندان اوین برای پلیس فتا نوشته تأکید کرده است که وی باید در بازداشتگاه آگاهی نگهداری شود لیکن متهم برای آنکه خوش خدمتی به دستگاه خود کرده باشد بازجویی و نگهداریش را به صورت غیرقانونی به انجام رسانیده و به طور واضح و آشکار نیز به ستار گفته بوده است که: می کشمت، و ستار بارها این جمله را در زندان اوین بند ۳۵۰ به همبندانش گفته و التماس می کرده که نگذارد پلیس فتا فردا مرا از اوین بیرون ببرد که آنها قصد کشتنم را دارند.

از سویی دیگر گزارش خانم دکتر مبارکی از کالبد شکافی بدن ستار بهشتی به آقای دکتر ضیایی رئیس تالار تشریح به طور کامل نشان می دهد که خونریزیهایی در کبد، کلیه، ریه و از همه مهم تر در زیر پروانه مغز رخ

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۹۲

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

به گفته یکی از کارگران پلی اکریل اصفهان، چون این احتمال وجود دارد که با توقف حرکت‌های اعتراضی کارگران بازداشت شده در مظان اتهام ساماندهی اعتراضات کارگری قرار بگیرند، تصمیم گرفتیم برای دفاع از «خودجوش» بودن اعتراضاتمان، تا آزادی همکارانمان به اعتراض‌های آرام صنفی خود ادامه دهیم.

* حدود ۸۰۰ تن از کارگران معدن «چادرملو» در اردکان در اعتراض به دستمزدهای ناعادلانه و همچنین اخراج دبیر نهاد کارگری این معدن در روز سه شنبه ۵ آذر، بیش از یک ساعت دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، پس از حضور کارفرما در جمع کارگران متحصن و طرح وعده‌هایی برای حل مشکلات صنفی کارگران، این اعتراض صنفی به طور موقت خاتمه یافت.

* روز پنجشنبه ۷ آذر بیش از ۲۰۰ تن از کارگران شرکت پویان صنعت کرمانشاه در مقابل این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. شرکت پویان صنعت به کار کانال کشی برق و کارهای برقی اشتغال دارد و کارگران این شرکت ۶ ماه حقوق معوقه دارند.

* جمعی از کارگران کارخانه روغن نباتی «پارس قو» در اعتراض به سیاست‌هایی که به تازگی از سوی مدیریت جدید این مجموعه برای محاسبه حقوق و مزایای آنها اتخاذ شده، در روز شنبه ۹ آذر در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا؛ در مدت هفت ماهی که از استقرار مدیریت جدید این مجموعه تولیدی می‌گذرد، در نحوه محاسبه و پرداخت حقوق ماهیانه کارگران تغییراتی ایجاد شده است. کاهش ناگهانی حقوق اضافه کاری و پاداش بهره‌وری، عدم بازمینی و افزایش نیافتن برخی مزایای قانونی مانند حق ناهار و ایاب و ذهاب و پرداخت مطالبات ماهیانه کارگران با ۱۰ تا ۱۵ روز تأخیر از تغییراتی است که با استقرار مدیریت جدید در این واحد تولیدی روی داده است. در حال حاضر نزدیک به ۳۰۰ تن در کارخانه روغن نباتی قو مشغول به کارند.

* روز شنبه ۹ آذر کارگران پیمانی قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم دریافت ۵ ماه حقوق معوقه در مقابل ساختمان دفتر مرکزی شرکت پیمانکاری کیسون تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران از روز سه شنبه ۵ آذر اقدام به تجمع و اعتصاب کرده‌اند. این کارگران در بخش‌های «حمل و نقل» و «حفری تونل» مشغول به کار هستند.

بقیه در صفحه ۱۶

شان شده بودند و سپس با تعطیلی ده روزه اعتراضات طبق مذاکرات قبلی، در فاصله روزهای ۱۵ تا ۲۵ آبان به ادامه کار پرداختند.

۱۵۰۰ کارگر پلی‌اکریل اصفهان سالهاست در قالب شش شرکت زیر مجموعه تحت مسئولیت شرکت مادر (هلدینگ) کار می‌کنند و حال با تصمیم کارفرما مبنی بر جدا سازی شرکت‌های زیر مجموعه، امنیت شغلی شان را در



معرض خطر می‌بینند.

* روز دوشنبه ۴ آذر، کارگران شرکت اشکان کیک کرمانشاه در میدان ارشاد این شهر در مقابل دفتر این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، بیشتر کارگران این شرکت شیرونی پزی، زنان هستند که حقوقشان نصف حقوق مردان است و به این بی عدالتی غیر انسانی اعتراض داشتند. در ضمن این کارگران از حق بیمه برخوردار نیستند و به راحتی آنان را از کار اخراج می‌کنند.

* به گزارش سایت مالباختگان روز سه شنبه ۵ آذر، تعدادی از اعضای شرکت تولیدی «سایه گستر زندگی ایرانیان» در اعتراض به کلاهبرداری صورت گرفته، در مقابل شرکت مذکور (خیابان ۴۵ متری گل شهر جنب پمپ بنزین) تجمع نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

* به گزارش ایلنا، در ششمین روز از بازداشت چهار کارگر کارخانه پلی‌اکریل اصفهان، کارگران این کارخانه صبح روز سه‌شنبه ۵ آذر به منظور آنچه «نشان دادن حسن نیست کارگران به مسئولان» عنوان شده است، تجمع اعتراضی خود را به داخل مسجد کارخانه بردند و در فضایی سر بسته و اجتماعی محدودتر نسبت به روزهای گذشته، خواستار آزادی همکاران بازداشتی‌شان شدند.

به گزارش ایرنا، این کارکنان با نصب پلاکاردی در مقابل اداره کل امور عشایری استان اردبیل به انحلال این اتحادیه و پایمال شدن حق و حقوق چندین ساله خود معترض بودند.

* تعدادی از کارگران تعمیرکار مجتمع گاز پارس جنوبی در اعتراض به کاهش چند صد هزار تومانی مزدشان از ابتدای اردیبهشت ماه سال جاری، در روز

۶۳ حرکت اعتراضی

* صدها کارگر کارخانه پلی‌اکریل اصفهان صبح روز سه‌شنبه ۲ آذر در ادامه دور دوم اعتراضات صنفی خود بار دیگر در محوطه کارخانه اجتماع کردند. یکی از کارگران کارخانه پلی‌اکریل اصفهان در این باره به ایلنا گفت: کارگران پلی‌اکریل امروز هنگام جایجایی شیفت‌های کاری در محوطه کارخانه اجتماع کردند.

در این اجتماع کارگران کارخانه پلی‌اکریل اصفهان علاوه بر طرح خواسته‌های صنفی خود، خواستار آزادی همکاران دستگیر شده خود نیز شدند.

* به دنبال نامه هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار تن از کارگران به وزیر کار و عدم پاسخ شایسته وزیر کار به این نامه، این کارگران تصمیم به برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل وزارت کار گرفتند و صبح روز یکشنبه ۳ آذر در حالی که ماموران پلیس امنیت پیشاپیش در اطراف وزارت کار مستقر شده بودند تا جلوی هر گونه تجمع را بگیرند، دست به تجمع در محل وزارت کار زدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در حالی که بیش از ۳۰۰ کارگر شاغل و بازنشسته از کارخانه های تهران آمادگی خود را برای حضور در این تجمع اعلام کرده بودند و دسته دسته در حال حضور در محل وزارت کار بودند ابتدا ماموران پلیس امنیت تلاش کردند از ورود صف اول کارگران معترض به محل وزارت کار جلوگیری کنند اما با مقاومت آنان مواجه شدند و کارگران موفق به باز کردن پارچه نوشته خود و پلاکاردهایشان در حیاط وزارت کار شدند که بلافاصله با عکس العمل شدید نیروهای امنیتی مواجه شدند.

در این تجمع کارگران شاغل و بازنشسته ای از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، لاستیک البرز، صنایع فلزی، ایران خودرو، پتروشیمی، کارگران ساختمانی و بیمارستانی و کارگرانی از شهر سنج و برخی دیگر از کارخانجات تهران شرکت داشتند.

این کارگران خواسته‌های خود را علاوه بر روی یک بنر بزرگ بر روی پلاکاردهایی نیز که به دست داشتند نوشته بودند و در قطعنامه شش بندی خود رؤس آن را اعلام کردند.

* جمعی از کارکنان اتحادیه شرکت‌های تعاونی عشایری پهنستی استان اردبیل روز یکشنبه ۳ آذر در اعتراض به دریافت نکردن حق و حقوق خود در مقابل اداره کل امور عشایری استان تجمع کردند.

یکشنبه ۳ آذر دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران به نمایندگی از سایر کارگران تعمیرکار با ترک محل کارشان، در مقابل دفتر مدیر عامل مجتمع گاز پارس جنوبی تجمع کردند.

* روز دوشنبه ۴ آذر، ۱۰۰ تن از کارگران پروژه تونل در میدان نبوت شهر سنج در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه از حقوق شان در محل شرکت پیمانکاری معتبر تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایران کارگر، شرکت پیمانکاری معتبر مجری احداث پروژه تونل در میدان نبوت شهر سنج است. کارفرمای شرکت پیمانکاری معتبر علت عدم پرداخت نشدن حقوق کارگران را بدهکاری ۸۰۰ میلیون تومان شهرداری سنج به شرکت عنوان کرده است.

* صبح روز دوشنبه ۴ آذر، در ادامه دور دوم اعتراضات صنفی، کارگران پلی‌اکریل اصفهان بار دیگر در محوطه کارخانه اجتماع کردند.

به گزارش ایلنا، ۵۰۰ کارگر پلی‌اکریل اصفهان از ساعت ۷ تا ۳:۰۰ روز دوشنبه در اعتراض به سیاست کوچک سازی کارخانه و تصمیم کارفرما مبنی بر جداسازی شرکت‌های زیر مجموعه در محوطه کارخانه تجمع کردند. کارگران پیش‌تر طی دور اول اعتراضات در روزهای ۸، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ آبان با برگزاری تجمعاتی خواستار رسیدگی مسئولان استانی به مطالبات صنفی

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۹۲

بقیه از صفحه ۱۵

*تجمع کارگران قطار شهری اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق معوقه در روز روز یکشنبه ۱۰ آذر. این پنجمین روز حرکت اعتراضی این کارگران است.

کارگران معترض تجمع هر روزه خود در مقابل دفتر شرکت را به درون کارگاهها منتقل کردند.

*کارگران شرکت پویا غرب کرمانشاه در روز یکشنبه ۱۰ آذر در مقابل استانداری و دفتر امام جمعه کرمانشاه تجمع کردند. به گزارش کردپا، کارگران به عدم واگذاری واحدهای مسکن شان اعتراض داشتند.

شرکت پویا غرب در ۸ کیلومتری جاده کرمانشاه به سندانج واقع شده و انواع کابل‌های فشار قوی آلومینیومی تولید می کند.

*گروهی از بازنشستگان شرکت فولاد خوزستان در اعتراض به تصمیم گیری در خصوص پرداخت دو ماه یکبار حقوق خود توسط صندوق بازنشستگی فولاد، در روز یکشنبه ۱۰ آذر در محل نمایندگی این صندوق در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایرنا، صندوق بازنشستگی فولاد هر دو ماه یکبار حقوق به بازنشستگان فولاد خوزستان پرداخت می کند. از هشت سال قبل تاکنون سالانه ۲۰۰ پرسنل فولاد خوزستان بازنشسته شده و اکنون شمار آنها حدود دو هزار تن است. از مجموع ۵۰ هزار بازنشسته صنایع فولاد در کشور، دو هزار تن به شرکت فولاد خوزستان وابسته هستند.

*به گزارش ایلنا روز یکشنبه ۱۰ آذر، رئیس انجمن صنفی کارگران آسفالت طوس (معادن چادرملو) از پذیرش ضمنی خواسته های کارگران این شرکت پیمانکاری از سوی مسئولان استانی و نظارتی شهرستان اردکان خبر داد.

*روز یکشنبه ۱۰ آذر، کارگران پتروشیمی خوارزمی با خواست افزایش مزد دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران پتروشیمی خوارزمی با وعده های مسئولان شرکت برای افزایش مزد به اعتصاب خود خاتمه دادند.

*کارگران اخراجی شرکت پونل در روز یکشنبه ۱۰ آذر برای احقاق مطالبات معوقه خود در مقابل این شرکت واقع در پاکدشت دست به تجمع زدند.

*کارگران واحد تعمیرات مجتمع گاز پارس جنوبی در اعتراض به کاهش چند صد هزار تومانی مزدشان از ابتدای اردیبهشت سال جاری در روز دوشنبه ۱۱ آذر در مقابل دفتر مدیر عامل مجتمع تجمع کرده‌اند. به گزارش ایلنا، نیروهای حراست پس از گذشت ۲ ساعت از شروع تجمع از کارگران خواستند متفرق شوند، اما کارگران به تجمع شان ادامه دادند.

*روز دوشنبه ۱۱ آذر حدود ۲ هزار تن از کارگران فصلی «مجتمع کشت صنعت کارون شوش تر» در اعتراض به عدم افزایش و تاخیر در پرداخت حقوق ماهانه خود در مقابل درب ورودی ساختمان این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا در حالی که کارگران نی بر از کارفرمایان خود انتظار افزایش منطقی حقوق را داشتند متأسفانه با شروع فصل جدید کاری هنوز دریافتی این کارگران بر مبنای سابق محاسبه می شود.

کارگران «نی بر» شوشتر برای دومین روز متوالی در روزهای سه شنبه ۱۲ آذر و چهارشنبه ۱۳ آذر با دست زدن به اعتصاب، در مقابل ساختمان اداری مجتمع کشت و صنعت تجمع کردند.

*حدود ۳۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شرکت نفت و گاز پارس عسلویه روز سه شنبه ۱۲ آذر در اعتراض به دو ماه حقوق معوقه مقابل ساختمان اداری این شرکت تجمع کردند.

به گزارش شرق، وضعیت کارگران عسلویه که قرارداد مستقیم با شرکت نفت و گاز پارس ندارند و با شرکتهای پیمانکار در حال کار هستند، بسیار سخت بوده و نامه نگاری آنها به وزیر نفت به دلیل کار شکنی عده ای به نتیجه نمی رسد. در چند ماه گذشته اضافه کاری کارگران شرکت نفت و گاز پارس هم قطع شده، در حالی که آنها حداقل ۱۰ ساعت کار می کنند.

*جمعی از کارگران «کاشی تبریز کف» در اعتراض به ۲۸ ماه حقوق معوقه شان در روز چهارشنبه ۱۳ آذر در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بیش از دو سال است که حقوق ۲۵۰ کارگر کاشی تبریز کف در شهرستان مرند پرداخت نشده است.

*تعدادی از کارگران سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران در روز چهارشنبه ۱۳ آذر با تجمع در مقابل استانداری نسبت به اخراج خود اعتراض



Iranian Labour News Agency

کردند. به گزارش تسنیم، این کارگران مامور بخش خصوصی در سازمان صنعت استان تهران بودند که ماموریت آنها تمام شد است. کارگران معترض می گویند؛ زیر مجموعه بخش خصوصی نیستند و در سالی که در این مجموعه مشغول خدمت شدند از آنها آزمون جذب نیرو گرفته شده است.

*اعتصاب ۲ هزار کارگر نی بُر کشت و صنعت کارون در شهرستان شوشتر پس از ۳ روز درپی وعده مدیران در روز پنجشنبه ۱۴ آذر پایان یافت. به گزارش فارس پس از برگزاری جلسات متعدد در فرمانداری شوشتر، هیات مدیره کارخانه کشت و صنعت کارون و... برای رفع مشکلات کارگران نی بر این کارخانه با فعالیت مجدد کارگران به پایان رسید.

برخی از مدیران کارخانه کشت و صنعت کارون شوشتر در جمع کارگران حاضر شدند و پس از شنیدن اعتراضات آنها

قرار شده تا به مشکل رسیدگی کنند و به این دلیل این نارضایتیها پایان یافت.

*بیش از ۲ هزار کارگر معدن چادرملو در تمام شیفتهای روز جمعه ۱۵ آذر اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا این اعتصاب در اعتراض به اخراج غیر قانونی دبیر انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس صورت گرفت. خواست کارگران، صدور حکم بازگشت به کار آقای حسینی نژاد است.

*کارگران کارخانه «کارتن ایران» به دلیل آنچه «سو مدیریت مسئول اداری این کارخانه» عنوان کردند، در روز شنبه ۱۶ آذر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کارگران با پادرمیانی تعدادی از مسئولان و نمایندگانی از شرکت سرمایه گذاری شستا (به عنوان سهامدار اصلی کارخانه) زمانی به پایان رسید که مسئول امور اداری کارخانه را ترک کرد.

*به گزارش ایلنا، روز شنبه ۱۶ آذر، جمعی از کارگران مشهد در محل خانه کارگر تجمع کردند و اعلام کردند؛ آنچه در سازمان تامین اجتماعی با پرداخت ماهیانه حق بیمه برای تامین آتیه خود اندوخته اند با دستان عده ای فرصت طلب، بر باد رفته است.

*روز یکشنبه ۱۷ آذر بیش از ۳۰ نفر از کارگران شرکت تک سازه در مقابل درب ورودی شرکت در سیمین دشت کرج دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران کارگر، بعضی از این کارگران علیرغم این که ۵ سال از سابقه کارشان می گذرد اما هنوز از بیمه درمانی و سایر خدمات عمومی برخوردار نیستند.

*کارگران «نی بُر» مجتمع کشت و صنعت هفت تپه روز یکشنبه ۱۷ آذر در اعتراض به افزایش نیافتن دستمزد و سایر حقوقی که پس از سفر سال گذشته به تهران به آنها وعده داده شده بود، کار را تعطیل کرده و با «نشستن در مزارع» منتظر پاسخگویی مسئولان مجتمع کشت و صنعت هفت تپه شدند. به گزارش ایلنا، قرار شده بود با آغاز فصل جدید کاری، حقوق کارگران نی بر نیز بر اساس تورم افزایش داشته باشد اما نه تنها افزایش پیدا نکرد، بلکه کاهش نیز داشته است.

*به گزارش ایران کارگر، ۴۰۰ تن از کارگران شرکت ستاره دریایی از شرکتهای وابسته به شرکت نفت بندرعباس روز یکشنبه ۱۷ آذر در اعتراض به تعویق افتادن ۴ ماه حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند.

*تجمع اعتراض آمیز اعضای مسکن مهر زرنده در روز یکشنبه ۱۷ آذر، موجب مسدود شدن تقاطع شهرک باهنر شد به بقیه در صفحه ۱۷

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۹۲

بقیه از صفحه ۱۶

گزارش صبح زرد، عدم پایبندی مسئولان به تعهدات تعاونیهای مسکن مهر در شهرستان زردن متقاضیان مسکن مهر در این شهرستان را برای چندمین بار مجبور به اعتراض کرد و شمار زیادی از آنان اقدام به مسدود کردن محور زردن ریجان شهر در تقاطع شهرک باهنر نمودند.

*شماری از کارگران و کارشناسان شرکت ابهای عمیق وابسته به صدرا بوشهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود طی ۳ ماه گذشته، روز یکشنبه ۱۷ آذر اعتصاب کردند. به گزارش خلیج فارس، پس از واگذاری شرکت صدرا از قرارگاه خاتم الانبیا سپاه به شرکت آبادرمان پارس در تابستان سال جاری، مالک جدید که فعالیت‌هایش در حوزه راه و ساختمان بوده و علاقه‌ای به فعالیت در بخش صنایع دریایی نشان نمی‌دهد، عملاً شرکت صدرا را بلاتکلیف نگاه داشته و هر روز بخشی از نیروها را اخراج می‌کنند. از شهریور گذشته تاکنون نزدیک به ۱۶۰ نیرو طی ۳ مرحله از شرکت صنعتی دریایی ایران در بوشهر اخراج و تعدیل شده و روز به روز این روند تشدید می‌شود.

*روز دوشنبه ۱۸ آذر، برای دومین روز متوالی کارگران فصلی نی بر (که به کار بریدن ساقه نی‌شکر اشتغال دارند) در اعتراض به بی‌توجهی کارفرما به مطالبات صنفی خود دست از کار کشیده و با نشستن در مزارع، منظر پاسخ مسئولان این مجتمع شدند. به گزارش ایلنا، اقامت کارگران نی بر در کمپ و هزینه‌های ایاب و ذهاب مخارج کارگران را چند برابر کرده است. همچنین کمیها فاقد امکانات مناسب زندگی هستند و کارگران ناچارند این هزینه‌ها را خود تامین کنند.

*روز دوشنبه ۱۸ آذر، کارگران کارخانه پلی‌اکریل اصفهان با تجمع از همکاران آزاد شده خود استقبال کردند. به گزارش ایلنا، چهار کارگری که در جریان اعتراضات اخیر کارگران پلی‌اکریل اصفهان بازداشت شده بودند صبح روز دوشنبه ۱۸ آذر در میان استقبال همکارانشان در محل کار خود حاضر شدند. کارگران در این تجمع با فریاد شعارهای اعتراضی بار دیگر مطالباتشان را به مدیران کارخانه و مسئولان دولتی یادآور شدند.

*اعتراض کارگران نی بر هفت تپه در واکنش به بی‌توجهی کارفرما و سایر مسئولان استانی به مطالبات صنفی

شان، روز سه شنبه ۱۹ آذر، با میانجیگری نمایندگانی از اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان شوش، به طور موقت خاتمه یافت.

به گزارش ایلنا، کارگران فصلی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه طی روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر در اعتراض به محقق نشدن وعده‌های کارفرما دست از کار کشیده بودند، روز سه شنبه پس از حضور مسئولان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان شوش در این مجتمع و انجام مذاکره، به طور موقت



Iranian Labour News Agency

به سر کارهای شان بازگشتند.

*به گزارش مشرق روز سه شنبه ۱۹ آذر جمعی از کارگران شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان در حرکتی اعتراضی در مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران دست به تجمع زدند.

*روز پنجشنبه ۲۱ آذر، کارگران شرکتی که از طرف قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پیمانکاری پروژه آبرسانی در منطقه دهلران را دارد در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان در مقابل این قرارگاه در شهر دهلران تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، شرکت قرارگاه خاتم الانبیا پیمانکار ساخت کانالهای بتونی آبرسانی به مزارع کشاورزی دهلران، موسیان، بیات و روستاهای توابع شهرستان دهلران را به عهده دارد.

*به گزارش ایلنا، روز یکشنبه ۲۴ آذر، کارکنان وبسایت روزنامه تابناک اعتصاب کردند.

*روز یکشنبه ۲۴ آذر، جمعی از کارگران اخراج شده از شرکت کفش بلا در مقابل دادگاه عمومی واقع در ولی عصر دست به تجمع اعتراضی زدند و ضمن اعتراض به اخراج، خواهان بازگشت به کار و دریافت مطالبات خود شدند. به گزارش همبستگی ملی، این کارگران که بین ۲۶ تا ۳۰ سال سابقه کار داشتند ماه گذشته بدون هیچ دلیلی از کار اخراج شدند.

*تعدادی از بازنشستگان پالایشگاه آبادان در روز دوشنبه ۲۵ آذر در مقابل ساختمان اصلی وزارت نفت در خیابان طالقانی دست به تجمع زدند.

به گزارش صراط نیوز، این افراد پلاکاردهایی را در دست داشتند که زنگنه وزیر نفت را مورد خطاب قرار داده بود. ماموران حراست وزارت نفت پس از عکسبرداری خبرنگار صراط از تجمع‌کنندگان به نحو بسیار زنده‌ای با وی برخورد کرده و کارت خبرنگاری او را ضبط کردند.

*جمعی از کارگران کارخانه‌های سرب و روی در زنجان روز دوشنبه ۲۵ آذر در مقابل استانداری زنجان تجمع کردند.



به دنبال تعطیلی کارخانه‌های سرب و روی در زنجان کارگران اخراج شده و بیکار این شهر در مقابل استانداری زنجان دست به تجمع اعتراضی زده و خواهان اشتغال و بازگشت به کار گردیدند.

*تعدادی از رانندگان شرکت واحد روز دوشنبه ۲۵ آذر در مقابل شرکت تعاونی مسکن شرکت واحد در تهران یک تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایران کارگر، این رانندگان نسبت به شرایط مسکن خود و این که در خانه‌های بدون آب و گاز و برق روزگار بسر می‌کنند و بخشی هم با توجه به این که پول منزل مسکونی را به شرکت تعاونی شرکت واحد پرداخت کرده‌اند و بیش از دو سال از زمان تحویل آن گذشته هنوز صاحب خانه حداقلی که در حاشیه‌های تهران قرار بوده تحویل دهند نشده‌اند، اعتراض نمودند.

*روز سه شنبه ۲۶ آذر تعدادی از کارگران کارخانه آفتاب ارومیه که تولید کننده مواد لبنی به ویژه آبمیوه است به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و بیمه درمانی خود اعتراض کردند. به گزارش آژانس ایران خبر، در حال حاضر مدت ۵ ماه است که حقوق کارگران داده نشده و حق بیمه آنها نیز به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است. کارفرما در پاسخ به اعتراض کارگران می‌گوید، پول نداریم.

*جمعی از کارگران پیمانی پتروشیمی فجر روز سه شنبه ۲۶ آذر در اعتراض به تهدید اخراج و قطع مزایای کارگران پیمانی توسط مدیریت کارخانه در مقابل

دفتر مدیریت دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی از نمایندگان کارگران پیمانی در این تجمع گفته است علت تجمع ما این است که یکی از نمایندگان کارگران که در مورد وضعیت پتروشیمی فجر اطلاع‌رسانی می‌کند را تهدید به اخراج یا قطع مزایا کرده و او را تحت فشار معیشتی قرار داده‌اند.

*به گزارش روز سه شنبه ۲۶ آذر سایت شبستان، مردم روستاهای شهر، چاهو، گریند، بلندو و سودرو از توابع بندرعباس در اعتراض به معضل بی‌آبی در این پنج روستا تجمع کردند. براساس این گزارش از هرمزگان، به گفته مردم این روستاها، مشکل بی‌آبی این پنج روستا از حدود ۱۲ سال است که وجود داشته و تا به الان ادامه دارد.

کودکان و نوجوانان این روستاها با در دست داشتن دبه‌های خالی از آب و برگه‌های دست‌نویسی که روی آن عبارت «بابا آب ندارد» نوشته شده بود در این تجمع اعتراضی حاضر بودند.

*به گزارش ایران کارگر، کارگران پروژه احداث تونل نبوت سنندج روز چهارشنبه ۲۷ آذر برای سومین بار در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه از حقوق شان در محل شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

*بیش از ۱۵۰ تن از کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن مزدشان در ماه‌های تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان و آذر در روز چهارشنبه ۲۷ آذر در مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مسئولان استانداری پس از برگزاری این تجمع اعتراضی قول دادند جلسه این هفته شورای تامین را به بررسی مشکلات کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز اختصاص دهند. این کارخانه در سال ۹۲ فقط ۳۳ دستگاه تولید داشته که به معنای بهره‌گیری از ۳ درصد ظرفیت است.

*تعدادی از کارگران واحد تولیدی کاشی سمنند در شهرک صنعتی سمنان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود در روز پنجشنبه ۲۸ آذر، مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش عرش، این کارگران از عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه ۹ ماهه خود توسط مدیر این شرکت شکایت داشتند.

*جمعی از کارگران نیشکر هفت‌تپه در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق و پاداش سالیانه روز شنبه ۳۰ آذر در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در حال حاضر حدود ۳ هزار کارگر مجموعه نیشکر هفت‌تپه بابت حقوق مهر و آبان و پاداش سالیانه کشت محصول که معادل یک ماه حقوق می‌شود از کارفرما طلبکار هستند. بقیه در صفحه ۱۸

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۹۲

بقیه از صفحه ۱۷

*دور سوم تجمعات اعتراضی کارگران پلی اکریل در روز شنبه ۳۰ آذر آغاز شد. به گزارش ایلنا، در اولین روز از دور سوم ۵۰۰ کارگر پلی اکریل اصفهان در فاصله زمانی تغییر شیفت، در محوطه کارخانه تجمع کردند. تجمعات اعتراضی کارگران پلی اکریل اصفهان تا توقف کامل سیاست کوچک سازی کارخانه ادامه پیدا می‌کند.

*جمعی از کارگران شهرداری طیس که تحت نظارت شرکت پیمانکاری «درخشان کویر یزد» فعالیت دارند روز شنبه ۳۰ آذر با مراجعه به خانه کارگر طیس در استان خراسان جنوبی خواستار تبدیل وضعیت قرارداد کاری خود از «پیمانی» به «قرارداد مستقیم» شدند. به گزارش ایلنا، کارگرانی که توسط شرکتهای واسطه نیروی انسانی از جمله شرکت پیمانکاری درخشان کویر یزد در شهرداری طیس مشغول به کارند ثبات شغلی ندارند و هر لحظه امکان بیکاری آنان وجود دارد.

*کارگران ایران خودرو روز شنبه ۳۰ آذر در اعتراض به پایین بودن دستمزدها از رفتن به ناهار خوری و دریافت غذا خودداری کردند و خواهان افزایش حقوق و مزایای خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، زمره اعتراض به پایین بودن دستمزدها در شرکت ایران خودرو مدت‌هاست وجود دارد و اعتراض روز شنبه کارگران این کارخانه با شرکت حدود ۸۰ درصد کارگران مونتاز ۴ (سواری) و تراشکاری صورت گرفت. مونتاز ۴ ایران خودرو یکی از مهمترین قسمتهای این کارخانه بزرگ است و در آن حدود ۱۰ هزار کارگر مشغول بکارند.

متن کامل قطعنامه کارگران تجمع

کننده در محل وزارت کار

منبع: اتحادیه آزاد کارگران ایران

قطعنامه تجمع کارگری در محل وزارت کار، یکشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۲

همانطوری که همگان می‌دانند از حدود دو سال پیش دهها هزار کارگر شاغل و بازنشسته از سراسر کشور با تدارک طولماری اعتراضی خواهان رسیدگی به مطالبات قانونی و برحق خود شدند اما در شرایطی که این اعتراض جریان داشت و سفره‌های خالی میلیونها خانواده کارگری به دلیل گرانی سرسام آور هزینه‌های زندگی بیش از پیش در معرض نابودی قرار می‌گرفت وزارت کار نه تنها تلاشی برای رسیدگی به خواسته‌های ما کارگران به عمل نیاورد بلکه از طریق زیر پا نهادن ماده ۴۱ قانون کار و عدم افزایش حداقل مزد کارگران متناسب با تورم و سبب هزینه یک خانوار چهار نفره، تصویب و اجرای

طرحی به غایت برده دارانه تحت عنوان بخشنامه استاد شاگردی، چشم پوشی بر عملکرد سازمان تامین اجتماعی و افزایش چندین برابری سهم بیمه شدگان در هزینه‌های درمانی، عدم پرداخت به موقع دستمزدها و باز گذاشتن دست کارفرمایان در تحمیل هر گونه شرایط غیر انسانی بر کارگران، شرایط را بیش از پیش بر فقر و مکنت میلیونها خانواده کارگری مهیا کرد لذا ما کارگران حاضر در این تجمع اعلام می‌داریم:

۱- ما دیگر نمی‌توانیم شرایط مشقت باری از قبیل کار ۱۲ ساعته و ۱۶ ساعته و یا کوچک کردن سفره‌هایمان را برای گذران زندگی تحمل کنیم و مصرانه بر افزایش چندین برابری حداقل مزد کارگران شاغل و بازنشسته پای می‌فشاریم

۲- صندوق سازمان تامین اجتماعی متعلق به ما کارگران است. ما ذره‌ای قصور در پرداخت‌هایمان به این صندوق نداشته‌ایم و نداریم. لذا وجود هر گونه کم و کسری در این صندوق ربطی به ما کارگران ندارد و سازمان تامین اجتماعی می‌باید به فوریت به وظیفه خود در اجرای قانون الزام و توقف غارت دستمزدهای زیر خط فقر ما "تحت عنوان بیمه‌های تکمیلی" عمل نماید

۳- طرح استاد شاگردی بازگشت به روابط کار دو بیست سال پیش و تحمیل قهقرائی بر کل مناسبات اجتماعی است. اجرای این طرح می‌باید به فوریت متوقف گردد و به جای آن بالاترین استانداردهای جهانی روابط کار به مورد اجرا گذاشته شود

۴- با توجه به سوء استفاده کارفرمایان از شرایط موجود برای عدم پرداخت به موقع دستمزدها، وزارت کار می‌باید به فوریت بخشنامه ای را مبنی بر جریمه کارفرمایان خاطی تصویب و به اجرا در آورد.

۵- کلیه اصلاحاتی که تلاش شده است بر قوانین کار و تامین اجتماعی وارد شود می‌باید به فوریت متوقف گردد و وزارت کار ملزم به پایان دادن به تمامی بی‌حقوقیهایی شود که کارفرمایان در بخشهای مختلف تولیدی و خدماتی به طور خود مختار متشانه ای بر کارگران تحمیل کرده‌اند.

۶- خواسته‌های فوق و اجرای قوانینی از قبیل ماده ۱۰ نوسازی صنایع، مصوبه هیات وزیران مبنی بر برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری، اجرای کامل و بی نقص بیمه کلیه کارگران ساختمانی، می‌باید به مثابه اولین گامها برای پایان دادن به شرایط مشقت بار کنونی به فوریت در دستور وزارت کار قرار گیرد و این وزارتخانه از طریق رسانه‌های جمعی کارگران سراسر کشور را در جریان آن قرار دهد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می‌کنیم.

ردپای داراییهای غارت شده

مردم ایران در ترکیه

منصور امان

جیب گردانندگان قدرتمند خود نیز قرار دارد.

"فعالیت‌های آقایان زنجانی و ضراب یک سرخ جالب از چگونگی غیب شدن بخشی از درآمدهای نفتی کشور و یا دستکم پرنسب کلی "خارج شدن ارقام نجومی از کشور" به دست می‌دهد. آقای عماد حسینی، یک نماینده مجلس، در بهمن ماه ۱۳۹۰ بیان جالبی از این امر داده است: "گزارش رسمی دیوان [محاسبات] برایمان ملاک است، آن چیزی که به ما ابلاغ شده این است که ۱.۲ میلیارد دلار در بودجه، گم نشده، اما هزینه کرد آن مشکل دارد؛ هرچند رییس دیوان محاسبات عقیده دیگری دارد و می‌گوید گم شده. البته در سال ۸۶ بیشتر از این است، حدود دو میلیارد و در سال ۸۷ حدود پنج میلیارد دلار. در سال ۸۹ هم ۱۲.۱ میلیارد دلار است."

حُجّت الاسلام روحانی در گزارش صدور خود به چاله‌های سیاه مالی "نظام" اشاره کرده و جمع و تفریق کرده بود: "مجموع درآمدهای نفتی و ارزی کشور در طول دولت گذشته به ۷۵۰ میلیارد دلار رسید، این در حالیست که همان دولت، بدعبارترین دولت بود."

در ابتدای ماه جاری نیز آقای عوض حیدری، یک نماینده دیگر مجلس مَلاها فاش ساخت: "تراز مالی درآمدها و هزینه‌هایی که در دولتهای نهم و دهم انجام گرفته نشان می‌دهد رقمی حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ میلیارد دلار بالاتر از آن وجود دارد."

ناگفته پیداست که آگاهی مسوولان "نظام" از چپاول خزانه عمومی، نه به پیگرد و مجازات کسی منتهی گردیده و نه به این روال خاتمه داده است. آقای بابک زنجانی شاهد زنده همزیستی مُسالمت آمیز "نظام" و فساد است؛ وی با وجود علنی شدن اختلاس نزدیک به سه میلیارد دلار و همچنین لو رفتن تیبانی برای غارت شرکتهای تامین اجتماعی، نه تنها تاکنون تحت پیگرد قرار نگرفته، بلکه همچنان در حوزه آنچه که پُشتیبانان قدرتمندش "فعالیت اقتصادی" می‌نامند، به کار گرفته می‌شود.

فراسوی خبر... آدینه ۲۹ آذر جنگ قدرت داخلی در دولت ترکیه و حزب اسلامگرایی حاکم (عدالت و توسعه)، ردپای تازه ای را از غارت داراییهای مردم ایران و نیز سیستم پولشویی رژیم ولایت فقیه در برابر دید قرار داده است.

دستگیری اعضای یک شبکه فساد دولتی که در میان آنها فرزندان ۳ وزیر دولت آقای اردوغان، شماری از مدیران بلندپایه اقتصادی و مقامهای ارشد پلیس به چشم می‌خورد، رژیم جمهوری اسلامی را نیز با رسوایی تازه ای روبرو کرده است. منابع ترک از دستگیری فردی به نام ناصر ضراب که از او به عنوان "تاجر ایرانی" نام می‌برند، خبر داده‌اند. نام آقای ضراب در پرونده مزبور پس از آن به میان آمد که فاش گردید وی به شماری از مُتهمان پرونده مزبور برای انتقال غیرقانونی پول از ایران رشوه داده است.

به گفته این منابع، بانک ملی ایران بین سالهای ۱۳۸۸ تا ۹۲ که دوره دُوم ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری را در بر می‌گیرد، مبلغ ۸۷ میلیارد یورو (نزدیک به ۱۱۹ میلیارد دلار) را به سه شرکت ساختگی این فرد انتقال داده است.

همزمان آشکار گردیده که آقای ضرابی یکی از دست اندرکاران قاچاق یک ونیم تن طلا است که سال گذشته پس از ورود به ترکیه کشف و توقیف شد. یک وبگاه نزدیک به آقای رفسنجانی (بازتاب امروز) در آن زمان مدعی گردید که یک تاجر نفت به نام بابک زنجانی صاحب طلاهای مزبور به ارزش ۱۸ میلیارد دلار است. اینک مقامهای پلیس ترکیه می‌گویند که آقای ضرابی این طلاها را با پرداخت رشوه به مسوولان ترک از توقیف خارج و به مقصد شرکت آقای بابک زنجانی در دُوبی فرستاده است.

از اطلاعات مزبور چنین برمی‌آید که دو "تاجر" نامبرده، اعضای یک شبکه واحد هستند که به عنوان زیر مجموعه سیستم بانکی و نفتی رژیم جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند و در کنار وظیفه پولشویی و "دور زدن تحریمها"، به طور فعال در خدمت پُرکردن

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- "دقت به نکات ریز مهم است: تلاش برای دقیق و کامل بودن کار، ارزش اش را دارد" (استیو جابز، ۱۹۵۵ - ۲۰۱۱، مخترع، بنیانگذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت "اپل")
- اگر من همه قواعد را رعایت کرده بودم، هرگز به جایی نمی رسیدم" (مریلین مونرو، ۱۹۲۶ - ۱۹۶۲، بازیگر، خواننده و مانکن مشهور آمریکایی)

موسیقی

حمله شدید آلمودوار به دولت اسپانیا در مراسم جوایز سینمایی اروپا

"پدرو آلمودوار"، کارگردان سرشناس اسپانیایی در سخنرانی به هنگام دریافت جایزه افتخاری در مراسم اهدای جوایز سینمایی اروپا که در شهر برلین برگزار شد، به شدت به سیاستهای دولت فعلی کشورش حمله کرد.



کمیسیون فرهنگی مجلس رژیم جمهوری اسلامی دفن اعضای مقتول گروه موسیقی "یلوداگز" (سگهای زرد) در قطعه هنرمندان گورستان بهشت زهرا در تهران را بررسی کرد.

ماه گذشته دو برادر به نامهای آرش و سروش فرازند که از اعضای این گروه موسیقی بودند، توسط یک ایرانی دیگر به نام علی اکبر رفیعی در نیویورک کشته شدند. وزارت ارشاد پرداخت هزینه انتقال اجساد از آمریکا به تهران رد کرد.

منتقدان می گویند که زمانی این دو برادر در ایران بودند، از وزارت ارشاد مجوز فعالیت نداشتند که در آن صورت به گفته آنها نمی توان عنوان هنرمند به آنها داد.

گروه یلوداگز هفت سال پیش در تهران تشکیل شد و با فیلم "کسی از گربه های ایرانی خبر ندارد"، ساخته بهمن قبادی به شهرت رسید.

ترانه‌هایی برای فیلیپین؛ ۳۹ خواننده، ۳۹

ستارگان دنیای موسیقی پاپ از جمله "بیانسه" و "آدل" به منظور کمک به جمع آوری پول برای صلیب سرخ فیلیپین، هر کدام آهنگی را برای گنجاندن در آلبومی که قرار است به این مناسبت منتشر شود، اهدا می کنند. قرار است در این آلبوم، ۳۹ آهنگ از خواننده ها و گروه‌هایی چون "بیتهالا"، "U2"، "بیدی گاکا"، "جاستین تیمبرلیک"، "آلیشیا کیز"، "کاپلی مینوگ"، "امینم" و "باب دیلن" گنجانده شود.



این آلبوم که "ترانه هایی برای فیلیپین" نام دارد، با همکاری خوانندگان و گروه‌های موسیقی، کمپنیهای اصلی ضبط و پخش کنندگان موسیقی برای کمک به بازماندگان توفان در فیلیپین شکل می گیرد.

توفان "هایان" در روز ۸ نوامبر در فیلیپین بیش از پنج هزار کشته و صدها هزار نفر بی خانمان برج گذاشت.

خواننده بینک فلوید از پیوند هنر و سیاست می گوید



"راجر واترز"، آهنگساز و خواننده



پیشین گروه "بینک فلوید"، که به دلیل رایبه آثاری الهام گرفته از شرایط موجود

و اعتراض به آن شهرت ویژه ای دارد، در یک مصاحبه با رادیو *Le Mur a Des Oreilles* به این سوال که نظر وی در باره افرادی که موسیقی او را دوست دارند ولی با تقاط آن با سیاست راضی نیستند چیست، گفت: "اگر فکر می کنید که هنرمندان باید لال باشند و دُشمنان را مانند سگهای پلاستیکی از پشت داشبورد زندگی تکان بدهند، بهتر است از سر راه من کنار بروید و وقت خودتان و مرا تلف نکنید."

کتاب

سه داستان منتشر نشده

سالینجر به فضای آنلاین نشت کرد

سه داستان از "جی دی سالینجر"، نویسنده "ناتور دشت"، به فضای اینترنت نشت کرده است.

"اقیانوس پر از توپهای بولینگ"، "پاولا" و "تولد" پیش از این در دو کتابخانه دانشگاهی آمریکایی، صرفاً برای مطالعه در دسترس بود. اولین داستان به ویژه از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که در آن نشانه هایی از آنچه بعداً در ناتور دشت شکل گرفت، به چشم می خورد.

در روزهای گذشته یک نسخه اسکن شده از داستانها در یک وبسایت اشتراک گذاری فایل آپلود شد و به سرعت در فضای آنلاین پخش شد.

این مجموعه با عنوان "سه داستان"، جلد ساده سیاهی دارد و همچنین شامل نامی از سالینجر به ناشرش، *Little, Brown and Company* است.



رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۹

کتابی درباره رودکی جایزه بوکر روسیه را گرفت

مهم ترین جایزه ادبی کشور روسیه به کتاب "بازگشت به پنجروود" نوشته "اندرو ولوس" درباره زندگی رودکی، شاعر بزرگ ایرانی تعلق گرفت. ولوس در رمان خود آخرین روزهای زندگی رودکی - شاعر مورد علاقه سلطان بخارا - را به تصویر کشیده است. رودکی در پایان زندگی مورد بی مهری و خشم پادشاه قرار می گیرد و کارش به شکنجه، کور شدن و اخراج از دربار می کشد. در این کتاب، رودکی که با کمک پسری به شهر زادگاهش پنجروود بازمی گردد، داستان دوران طلایی زندگی و روزهای پر جلال و شکوهش را روایت می کند.

شعر.....

مستندی درباره شاملو روی پرده سینما

پرواز در دایره حضور

فیلم از مختار شکری پور

زمان نمایش در جشنواره سینما حقیقت
چهارشنبه ۲۰ آذر ساعت ۱۴ سینما سیده
پنجشنبه ۲۴ آذر ساعت ۱۸:۱۵ سینما فلسطین

مستندی درباره احمد شاملو

با کفالتی از:
عماد دولت آبادی
سیدین بهمنش
مسعود کیمیایی
جواد مجابی
علی اشرف درویشیان
شمس لنگرودی
ایران درودی
حافظ موسوی

ساز و آواز:
شهرام ناظری

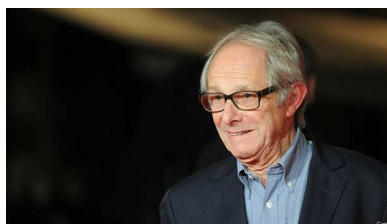
با حضور:
بفرش طیب‌نایی و مدعی یانکل
ایدا کتخانی و غن سرایی
تدوین: محمد ناصری

Iranian Labour News Agency

در این فیلم علاوه بر آیدا که از همسرش سخن گفته، چهره های فرهنگی و هنری شامل: محمود دولت آبادی، سیمین بهبهانی، مسعود کیمیایی، جواد مجابی، علی اشرف درویشیان، ایران درودی، محمدرضا اصلانی، علی رفیعی، محمد شمس لنگرودی، حافظ موسوی و محمد یعقوبی هم از شاملو سخن گفته اند. شهرام ناظری نیز در این فیلم، شعر "طرح" شاملو را با ساز و آواز در متن فیلم اجرا کرده است.

سینما.....

جایزه یک عمر فعالیت سینمایی جشنواره برلین برای کن لوچ



مسئولان جشنواره بین المللی فیلم برلین اعلام کردند که در "برلیناله" سال آینده که شصت و چهارمین سال برگزاری این جشنواره مهم اروپایی است، جایزه افتخاری "خرس طلایی" برای یک عمر فعالیت سینمایی به "کن لوچ"، کارگردان قدیمی و سرشناس انگلیسی اهدا خواهد شد.

"دیتر کوسلیک"، مدیر جشنواره بین المللی فیلم برلین به هنگام اعلام این خبر گفت: "کن لوچ یکی از بزرگترین کارگردانهای اروپایی است که در آثار وی به زندگی، سرنوشت و نیازهای افراد توجه بسیار دقیقی می شود و همزمان همواره نگاه انتقادی به جامعه در قالب شیوه های گوناگون منعکس شده است. کن لوچ هفتاد و هفت ساله هیچگاه از این جشنواره جایزه ای دریافت نکرده است

جولوگیری از شرکت لایلا خالد در جشنواره بین المللی سینمای تبعید در سوئد

لایلا خالد که قصد شرکت در یازدهمین جشنواره بین المللی سینمای تبعید در سوئد را داشت، به بهانه اینکه حضور وی در سوئد امنیت ملی این کشور را مختل می کند، موفق به دریافت ویزا

دیدار با موافقت محمد جواد لاریجانی، مشاور بین الملل رییس قوه قضاییه صورت گرفته است.

هنرپیشه هالیوود: چاق نامیدن افراد در تلویزیون باید غیرقانونی شود

"جنیفر لارنس" که لباس و ظاهر او در مراسم فرش قرمز فیلم **Catching fire** مورد انتقاد و شوخی برخی رسانه های آمریکایی قرار گرفته بود، در گفتگو با "باربارا والترز"، مجری آمریکایی گفت: "چرا توهین به آدمها خنده دار است؟"

این هنرپیشه ۲۳ ساله که در قسمت تازه مجموعه فیلمهای **Hunger Games** نقش "کتیس اوردین" را بازی می کند، افزود: "رسانه ها باید مسوول تأثیری باشند که روی نسل جوان می گذارند. حالا یکباره مستخره کردن دختری که یک لباس زشت پوشیده، خنده دار شده! گفتن کلمه چاق خنده دار شده! من فکر می کنم که چاق خواندن آدمها باید غیرقانونی شود." "لارنس افزود: "می خواهم بگویم اگر برای سیگار و سکس و حرفهای رکیک مقررات می گذاریم چون روی نسل جوان ما تأثیر می گذارد، چرا نباید درباره چاق نامیدن آدمها قانون بگذاریم؟"

جنیفر لارنس که امسال برای بازی در فیلم "دفترچه امیدبخش" جایزه اسکار گرفت، پیش از این از مجله ها و برنامه های مثل **E!** و **Fashion Police** با اجرای "جوان ربورز" که از ظاهر زنهای ایراد می گیرند، انتقاد کرده بود. وی گفت که شنیدن حرفهای منفی درباره ظاهرش، به او این احساس را می دهد که انگار به دبیرستان بازگشته است.

شما یک اقدام عملی در راستای همبستگی و مقاومت علیه تمامی اشکال بی عدالتی و اختناق در هر جایی که خود را نشان دهد، می باشد. من از این فرصت استفاده می کنم و گفته چه گوارای انقلابی را یادآوری می کنم، او گفت هر جا که بی عدالتی وجود دارد، آنجا خانه من است."

شما یک اقدام عملی در راستای همبستگی و مقاومت علیه تمامی اشکال بی عدالتی و اختناق در هر جایی که خود را نشان دهد، می باشد. من از این فرصت استفاده می کنم و گفته چه گوارای انقلابی را یادآوری می کنم، او گفت هر جا که بی عدالتی وجود دارد، آنجا خانه من است."



دیدار هیات اروپایی با جعفر پناهی و نسرين ستوده یک هیات اروپایی در سفر به ایران، "جایزه ساخاروف" را به نسرين ستوده، وکیل و حقوق دادرسی و جعفر پناهی، فیلمساز اهدا کرد. این جایزه را پارلمان اروپا به فعالان حقوق بشر اهدا می کند و در آذر ماه سال گذشته به این دو تعلق گرفت. در آن هنگام نسرين ستوده در زندان بسر می برد و جعفر پناهی در اجازه ساختن فیلم نداشت و ممنوع الخروج بود و از این رو امکان حضور آنها برای دریافت جایزه سلب شده بود.

دیدار هیات اروپایی با جعفر پناهی و نسرين ستوده

دیدار هیات پارلمانی اروپا با دو فعال مزبور، موجب واکنشهای متناقضی در محافل حکومت ایران شد. در همین رابطه کاظم جلالی، رییس کمیته روابط پارلمان اروپا در مجلس ایران مدعی شد که مجلس با این دیدار مخالف بوده و این عمل را "مخالف عرف دیپلماتیک" می دانسته، اما این

دیدار هیات پارلمانی اروپا با دو فعال مزبور، موجب واکنشهای متناقضی در محافل حکومت ایران شد. در همین رابطه کاظم جلالی، رییس کمیته روابط پارلمان اروپا در مجلس ایران مدعی شد که مجلس با این دیدار مخالف بوده و این عمل را "مخالف عرف دیپلماتیک" می دانسته، اما این



بقیه در صفحه ۲۳

زنان در مسیر رهایی

اناهیتا اردوان

کاهش دستمزد و امکانات ایمنی محیط کار، سود حاصل شده از تولید پوشاک را دستکم ثابت نگاه دارند. لیکن، گسترش، تداوم و رادیکالیسم جنبش صنعت پوشاک بنگلادش، تامین منافع ضد کارگری شرکت‌های غربی، کارفرمایان و دولت بنگلادش را با موانع و مشکلات بیشماری روبرو ساخته است.

۴۱ درصد از زنان آمریکایی یا در فقر یا زیر خط فقر زندگی می‌کنند

رویترا، اول اکتبر ۲۰۱۳ - گزارش‌های موسسه‌ها و تشکلهای مختلف نشانگر رشد فزاینده فقر میان زنان آمریکایی است. بنابه تحقیقات "مرکز ملی قانون زنان آمریکا" پیرامون فقر و درآمد زنان و خانواده‌های آمریکایی که بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ انجام شده، معضل فقر، تمام سطوح سنی را در برمی‌گیرد. این گزارش اعلام می‌دارد که فقر میان زنان در آمریکا از ۱۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۴٫۵ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است.

تداوم مبارزه کارگران پوشاک بنگلادش با وجود عقب نشینی کارفرمایان

در دفاع از مارکسیسم، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳ - از ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۳، بیش از دویست هزار کارگر صنعت پوشاک بنگلادش که اکثراً زن هستند، با برگزاری راهپیمایی و اعتصاب بر خواسته خود مبنی بر افزایش دستمزد از ۳۸ دلار به ۱۰۰ دلار تاکید می‌ورزند. اعتراضات مزبور تنها پنج ماه بعد از فروریختن یکی از کارخانه‌های صنعت پوشاک صورت می‌گیرد؛ فاجعه‌ای که سبب کشته شدن بیش از هزار کارگر گردید که در شرایط ناامن محیط کار برای چند سنت در ساعت مشغول به کار بودند. از همین رو، هزاران کارگر به خیابانها آمدند و خواستار اصلاح شرایط کار و مجازات خاطیان و عاملان فجایع مزبور شدند.

صادرات صنعت پوشاک ۸۰ درصد از درآمد کشور بنگلادش را تشکیل می‌دهد و این کشور دومین صادر کننده پوشاک در جهان بعد از چین است. شرکت‌های "وال مارت"، "تاسکو"، "اچ اند ام"، "گپ"، "پری مارت" و بسیاری دیگر از خرده‌فروشان زنجیره‌ای غربی از مصرف کنندگان صنعت پوشاک بنگلادش به شمار می‌آیند. دولت بنگلادش و شرکت‌های غربی بعد از فاجعه‌ای که ابعاد جهانی پیدا کرد و اعتراضات متعاقب آن، به کارگران قول دادند تا شرایط کاری را ایمن سازند، دستمزدها را افزایش دهند و به بازماندگان کشته شده‌ها غرامتی پرداخت کنند. اما تاکنون هیچ‌کدام از این قول و قرارها جامه عمل نپوشیده است. در نشست "جنوا" که قرار بود ۲۹ شرکت فراملی جهت رسیدگی به وضعیت بازماندگان کارگران کشته یا مجروح شده در فاجعه مزبور گرد هم آیند، تنها ۹ شرکت حضور یافتند. اگرچه دولت بنگلادش و صاحبان سرمایه با تشکیل کمیته‌ای با افزایش هشتاد درصدی دستمزد موافقت کردند، ولی تظاهرات کارگران کارخانه‌های پوشاک اخیر در شکل قهرآمیز، بیانگر تضاد آشتی‌ناپذیر منافع کارگران با صاحبان سرمایه است.

دستمزد کارگران صنعت پوشاک بنگلادش که ۹۰ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند، نصف دستمزد کارگرانی کامبوجی است که در صنعت مشابه به کار مشغولند. ۶۰ درصد از تولیدات پوشاک بنگلادش به کشورهای اروپا و ۲۳ درصد به آمریکا صادر می‌شود. از این رو، صاحبان کار در رابطه با خواست افزایش دستمزد کارگران، بحران ساختاری اقتصادی سرمایه‌داری را بهانه قرار داده‌اند و مترصدند تا با

عضو والدین، پدر و مادر، نگهداری می‌شوند.

سال ۲۰۱۲، تقریباً ۵۸۷ هزار زن یا ۱۳٫۲ درصد از زنان سرپرست خانوار که به طور تمام وقت همه سال را کار کرده‌اند، در فقر بسر برده‌اند. ۶۲ درصد از زنان سیاه‌پوست و ۶۵ درصد از دیگر زنان رنگین پوست (آمریکای جنوبی) زندگی را در فقر سپری می‌کنند.

(در محاسبات بالا، دریافتی ناخالص قبل از کسورات شامل مالیات، حقوق بازنشستگی، تامین اجتماعی، بیکاری و نگهداری از فرزندان منظور شده است)

شرایط بحرانی زنان و دختران موجب فروپاشی جامعه سوریه شده است

اخبار زنان، ۶ دسامبر ۲۰۱۳ - جنگهای داخلی سوریه سبب افزایش قتل‌های ناموسی، ازدواج کودکان و از کارافتادگی سیستم بهداشتی شده است. بسیاری از زنان و دختران سوری توسط نیروی سرکوبی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و از سوی خانواده و خویشاوندان خویش طرد گشته‌اند. بر اساس گزارش موسسه "تامسون رویترا"، قربانیان تجاوز اگر با متجاوزان خود هم ازدواج کنند، همچنان با داغ ننگ خویشاوندان و جامعه روبرو هستند. کودکان و دختران جوان بخش بزرگی از قربانیان



تجاوز جنسی را تشکیل می‌دهند.

بیش از دو میلیون نفر از شهروندان سوریه در جریان سه سال کشمکش بین دولت و نیروهای اپوزیسیون به کشورهای عربی، لبنان و ترکیه مهاجرت کرده‌اند. زنان مهاجر دارای فرزند که در کمپها و مناطق حاشیه‌ای و روستایی کشورهای میزبان مستقر گشته‌اند نیز از خطر تجاوز و آزار و اذیت‌های جنسی در امان نیستند. بسیاری از خانواده‌ها دختران جوان شان را وادار به ازدواج کرده‌اند، زیرا قادر به تامین معاش و نیازهای آنان نیستند.

بر اساس گزارش سازمانهای مدافع حقوق بشر و زنان، برخی از مردان کشورهای عربی جهت ازدواج با دختران جوان وارد سوریه می‌شوند که هدف اصلی شان سووآستفاده و بهره‌کشی جنسی از آنان است. سن برخی از قربانیان شبکه‌های مافیایی قاچاق انسان و بهره‌کشی جنسی، کمتر از یازده سال است.

بیش از نیمی از جمعیت سوریه بی‌خانمان شده‌اند که زنان و کودکان بخش وسیعی از آن را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، سیستم بهداشتی این کشور به شدت هدف حملات نیروی سرکوبی دولت بشار اسد قرار گرفته و بیش از ۶۰ درصد از بیمارستانها و کلینیکهای سراسر کشور تخریب شده است. تعداد بیشماری از پزشکان و پرستاران کشور مجبور به ترک کشور شده‌اند، به طوری که از پنج هزار پزشک در شهر "آپو"، تنها سی و پنج نفر باقی مانده‌اند. مرگ و میر زنان باردار و نوزادان در اثر نبود امکانات بهداشتی برای زایمان روندی تصاعدی دارد. فحطی و نبود مواد غذایی نیز زندگی نسل آینده سوریه را با خطری جدی مواجه ساخته است.

برگزاری کنفرانس جهانی زنان بومی

خبرگزاری استرالیا، ۳۱ اکتبر ۲۰۱۳ - کنفرانس جهانی زنان بومی با شرکت دویست زن از سراسر جهان در شهر "لیما"، پایتخت پرو برگزار گردید. مشکلات زنان بومی، نظرات و راه‌حلهای گوناگون در کنفرانس مزبور از سوی شرکت کنندگان عنوان و ارایه شد. یکی از فواید برگزاری چنین کنفرانسی آشنایی با چگونگی برخورد زنان بومی با مشکلات روزمره جهت اتخاذ استراتژی مناسب رویارویی می‌باشد.

کاهش خشونت جنسی، تبعیض جنسیتی و ارتقا نقش زنان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اجتماعات بومی، از مهمترین مسایلی بود که در این کنفرانس مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. تشدید مرگ و میر کودکان و عدم دسترسی آنها به امکانات آموزشی و بهداشتی در مناطق بومی به مثابه موضوعی چالش برانگیز که نسل بومیان جهان را با انقضای تدریجی روبرو ساخته، از دیگر مسایلی بود که مورد گفتگو و بحث شرکت کنندگان قرار گرفت.

زنان مصری به مبارزه جهت تحقق مطالبات شان امیدوارند

گاردین، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۳ - زنان مصری در جنبش عدالت طلبانه علیه دولت حسنی مبارک و محمد مرسی از نقش بسیار برجسته، ویژه و قابل ستایشی برخوردارند. آنها شانه به شانه مردان در اعتراضات سراسری شرکت کردند، در قلب انقلاب ایستادند و بر مطالبات همگانی مبنی بر تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی تاکید ورزیدند. با وجود شجاعتها و فداکاریها، موسسه "تامسون رویترا" بر اساس تحقیقاتی اعلام می‌دارد که موقعیت زنان مصری بدتر از موقعیت زنان در دیگر کشورهای عربی است. حقوق بقیه در صفحه ۲۲

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۱

بدیهی زنان مصری در دوران بعد از انقلاب مورد توجه قرار نگرفته و آنان به حاشیه رانده شده اند. ارتش به عنوان نهادی مردانه بر دوران بعد از انقلاب نظارت دارد و از هم اکنون اصل مهم قانون اساسی پیرامون مشارکت زنان در مجلس توسط آن به عمد نادیده گرفته شده است. ارتش قصد دارد شمار نمایندگان زن مجلس را از ۶۴ تن به ۹ نماینده کاهش دهد.

از دیگر سو، هیچکدام از اعضای کمیته بازنگری قانون اساسی، زن نیستند. ماموران دولتی هنوز به آزار و اذیت زنان راهپیمایی کننده می پردازند و از لپنها جهت تحقیر و آزار و اذیت زنان به وسیله برهنه کردستان و تجاوز جنسی استفاده می کنند. آزمایش شنیع باکرگی هنگام دستگیری زنان معترض بر جای خود باقی است. اینها همگی یک پیام را برای زنان دارد که آنان می بایست صحنه سیاسی کشور را به مردان واگذار کنند.

مدافعان حقوق زنان در برابر این تهاجم همه جانبه ابراز می دارند که چنین اجازه ای به مروجان تبعیض جنسیتی نخواهند داد. دولت مرسى در دوره قدرت، برخی از حقوق زنان را باطل ساخت، ممنوعیت چند همسری لغو شد، طرح کاهش سن ازدواج مطرح گردید و برای حق طلاق زنان محدودیتهایی در نظر گرفته شد. دستبرد به حقوق زنان از سوی "آخوان المسلمین" بر واقعیت جامعه مصر تطابق نداشت، زیرا سهم عظیمی از نیروی کار مصر در همه بخشهای اجتماعی و اقتصادی به زنان تعلق دارد.

موضوع قابل اهمیت دیگر این است که آگاهی زنان مصری با توجه به شرکت جدی در دو انقلاب، در میدان عمل ارتقا یافته است؛ به بیان دیگر، زنان مصری دیگر زنان قیل از انقلاب علیه دولت حسنی مبارک نیستند. بعد از انقلابهای بهار عربی، زنان مصری به درستی دریافته اند که پیوندی تنگاتنگ بین تحقق مطالباتشان با مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی وجود دارد. آنها به قدرت خود ایمان آورده و مترصدند تا مبارزه را با تشکیلاتی، سازماندهی و برگزاری گردهمایی به همراه متحدان خویش بر موانع، تابوها و سنتهای ارتجاعی غلبه کرده و تا تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی به مبارزه ادامه دهند.

نرخ اخراج کارگران زن در ایران به ۴۳ درصد رسید

خبرگزاری حکومتی کار (ایلنا)، نهم آذر ماه ۱۳۹۲ - مسوول اتحادیه کارگری مازندران، زهرا صادقی، زنان را نخستین قربانیان بحران اقتصادی در ایران معرفی می کند. وی ابراز می دارد که مشاغل کم درآمد و پرزحمت با ساعات

طولانی و غیرقانونی کار با دستمزد پایین تر نسبت به مردان، در اختیار زنان قرار دارد و زنان کارگر در صف نخست اخراجیها قرار دارند. نرخ اخراج کارگران زن از ۳۳ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۳ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۶۷ درصد و برای مردان ۶۷ درصد می باشد.

دوچرخه سواری در قاهره جهت مخالفت با آزار جنسی زنان

سایت اخبار زنان، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۳ - زنان و برخی از مردان جوان مصری با دوچرخه سواری در قاهره، مخالفت خود را با آزار و اذیت جنسی اعلام کردند. این حرکت برای ابراز همبستگی با مخالفان آزار جنسی و ارتقا آگاهی پیرامون ژرفش پدیده مزبور صورت پذیرفت.

بر اساس بررسی و تحقیقات "کنسول ملی زنان" در شش استان مصر در سال ۲۰۰۸، از ۲۳۲۰ زن و ۲۰۸۸ مرد، بیش از ۷۲.۴ درصد از زنان متاهل و ۹۴ درصد از زنان مجرد مورد نوعی از آزار جنسی در خیابانها قرار گرفته اند. این در حالیست که از مجموع آمار سراسر کشور نتیجه گرفته می شود که ۲۲.۲ درصد از زنان متاهل و ۲۱.۷ درصد از زنان مجرد آماج آزار فیزیکی قرار گرفته اند.

در همین رابطه، "واحد بسط مشارکت زنان سازمان ملل" در همکاری با سازمان دانشجویی جهانی Enacty تلاش می کند تا با جلب حمایت و همیاری دانشجویان دانشگاههای مصر و ایجاد کمیتهی سراسری، توجه شهروندان را به این معضل جلب کند و موجبات رشد آگاهی همگان را فراهم سازد. کمپین مزبور بخشی از پروژه های سالانه سازمان ملل در راستای پیشرفت مشارکت سیاسی و ایجاد امنیت اقتصادی زنان در سراسر جهان به شمار می آید.

تجدید حیات حکم سنگسار در افغانستان

سایت خبری زنان، ۲۵ نوامبر ۲۰۱۳ - وزیر دادگستری افغانستان با ارایه طرحی خواستار اجرای حکم سنگسار در ملاعام برای رابطه جنسی خارج از زناشویی شد. دیدبان حقوق بشر و مسوولان افغانستان ابراز می دارند که در طرح تجدید نظر پیرامون مجموعه قوانین کیفری افغانستان، حکم سنگسار برای افراد متاهل و حکم شلاق در ملاعام برای افراد مجرد در نظر گرفته شده است.

مدافعان و فعالان حقوق بشر ابراز می دارند که افغانستان در حال بازگشت به دوران طالبان است. سازمان حقوق بشر مصرانه از دولت افغانستان خواسته است که این طرح را رد کند و از همه

تشکلهای جهانی و یاری دهندگان می خواهد که با ارسال پیامی روشن و صریح، سیاستمداران افغانستان را از تاثیرات مضر پذیرش آن بر سرمایه گذاری ها در افغانستان آگاه سازند. از هنگام سرنوشتی طالبان تاکنون میلیاردها دلار صرف پیشرفت و اصلاح حقوق بشر به ویژه پیرامون مسایل زنان شده که همهی فعالیتهای پیشین را نقش بر آب سازد.

تبعیض در دستمزد در آمریکا

بر اساس گزارش مندرج در "واشنگتن پست" مورخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۳، با اینکه زنان آمریکایی زیر ۳۲ سال در اخذ مدارک دانشگاهی در رقابت با مردان هم سن و سال خویش پیشی گرفته اند، ولی کماکان درآمد و دستمزدی کمتر از مردان همکار خود، دریافت می کنند. در حال حاضر، درآمد زنان در ساعت، ۹۳ درصد دستمزد مردان هم سن و سال خود در شرایط کاری برابر است. این میزان از سال ۱۹۸۰، ۶۷ درصد رشد داشته و بر پایه آمار دولت، برابر با بالاترین میزان در سال ۱۹۷۹ است.

سال گذشته نرخ متوسط دستمزد زنان در هر گروه سنی در آمریکا، ۸۴ درصد دستمزد مردان در شرایط کاری برابر بوده است. این در حالیست که ۳۸ درصد کارگران زن بین ۳۳ - ۲۵، در آمریکا دارای مدرک لیسانس هستند. میزان مزبور برای کارگران مرد در دوره سنی مشابه، ۳۱ درصد می باشد.

۶۶ درصد از زنان ایرانی قربانی خشونت خانگی

هرانا، ۵ آذر ۱۳۹۲ - بنا بر تحقیقات "سازمان دفاع از قربانیان خشونت"، ۸۸ درصد از زنان کردستان و سندج قربانی خشونت خانگی هستند. میزان خشونت علیه زنان در تهران بالا و شهر اهواز در مصداقهای معضل مزبور خشن ترین شهر معرفی شده است.

جلالی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ابراز می دارد که نتایج تحقیق و طرح ملی که در سال ۸۳ در میان ۱۲ هزار و ۶۰۰ زن در ۲۸ مرکز استان انجام شد، حاکی از آن است که ۶۶.۳ درصد از زنان از ابتدای زندگی درگیر خشونت هستند. در این تحقیقات، ۱۰.۵ درصد اعمال خشونت مرتکبان بسیار شدید بوده است. در این تحقیقات ۵۳ درصد از زنان خشونت را در سال نخست ازدواج تجربه کرده اند. به گفته جلالی، از میان زنان تحقیق شده، ۲۸.۲ درصد با خشونت فیزیکی روبرو شده اند و ۱۹.۲ درصد خشونتهای فیزیکی مربوط به یک سال اول ازدواج بوده است. همچنین برخلاف این تصور که میزان خشونت در سال اول بعد از تولد فرزند و دوره بارداری باید کم باشد، اما در این زنان تحقیق شده خشونت در این دوره ها خارج از انتظار بوده است.

جهانشمول بودن حقوق بشر و

رژیم ضد بشری ایران

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۱۹ آذر مردم ایران در شصت و پنجمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، همچنان زیر سیطره حکومتی قرون وسطایی و ضد بشری به سر می برند. نصیب مردم ایران تنها یک امضا در پای اعلامیه جهانی حقوق بشر است. دو سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، در سال ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۲۹ خورشیدی) حکومت ایران آن را امضا کرد.

مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر که در روز دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی برابر با سال ۱۳۲۷ خورشیدی در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، تا به امروز شامل حال مردم ایران نشده است. بسیاری از حاکمان کشورهای دیکتاتوری و مذهبی با تکیه بر قوانین شرعی و با توجیه شرایط فرهنگی خاص، حقوق شهروندی مردم، به ویژه زنان را نقض می کنند. بر همین روال دیکتاتوری ولایت فقیه با دست اویز قراردادن شرایط خاص و با استفاده از مذهب، نه تنها خود را پایبند به پیمانهای مطرح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر نمی داند، بلکه نقض حقوق بشر را با تحمیل قوانین ارتجاعی نهادینه کرده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل ۳۰ ماده است. رژیم ولایت فقیه حتا به رعایت یک ماده آن هم تن ن داده است. در مقدمه اعلامیه فوق اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان راه شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان دانسته است. در ماده ۳۰ یعنی آخرین ماده اعلامیه فوق آمده است: «هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر را نمی توان به نحوی تفسیر کرد که برای دولتی یا گروهی یا فردی متضمن حقی شود که بنا بر آن، بتواند به فعالیتی دست زند، یا کاری انجام دهد که هدف آن از بین بردن حقی از حقوق و آزادیهای مذکور در این اعلامیه باشد».

از آنجا که مفاد این اعلامیه برای کشورهای امضا کننده الزام آور نیست، بسیاری از دولتها و منجمله رژیم ایران تمامی مفاد آن را نقض می کنند. الزامی کردن منشور حقوق بشر و پیمانهای وابسته به آن، حفره هایی که به بی عدالتی و ایپمال کردن آزادی منجر می شود را کاهش می دهد.

درد بر زندانیان سیاسی در زندانهای ایران، از اوین و گوهر دشت تا زندان اهواز و زاهدان و... که در اعتصاب غذا هستند و درود به اعتصاب غذا کنندگان در زندان لیبرتی و حامیان آنها در سراسر جهان که در اعتصاب غذا هستند و برای دفاع از حقوقشان که همان حقوق بشر است از جان خود مایه گذاشته اند.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۲۰
تاتر.....

بیستمین فستیوال تئاتر ایرانیان در تبعید در شهر کلن

بیستمین فستیوال "تئاتر ایرانیان در تبعید" در شهر کلن برگزار شد. جشنواره امسال با نمایش "متهم - تبهکار"، با اجرای گروه تئاتر آمستردام آغاز به کار کرد و با نمایش "به یاد نیست" (لندن) به کارگردانی داریوش رضوانی به پایان رسید. روز افتتاحیه بعد از تئاتر اول، "خانم بهرخ بابایی" ترانه های آذری و فارسی خواند و با رقص تئاتر عروسک کوکی با الهام از شعر فروغ فرخزاد ادامه پیدا کرد همچنین در این روز مریم آخوندی با گروه جدیدش بنام "پاز" (بر گرفته از پارسی و جاز) به روی صحنه آمد. او هنرمندی است که ترانه های اصیل و آواز ایرانی را با موزیک "پاپ" و "جاز" و این بار نیز با "رپ" تلفیق کرده و کارهای با ارزشی ارائه داده است.

شعر.....

اشعاری از مهرداد عارفانی



سال، نه، میلادی، ب شما مبارک باد
سال، ب از شعراء، که چاپ نمی شدند
دهم ته، اهره های اوین
نه، داز، کنم
کارگردان بگوید:
کات

فیلم بود کن
حایزه بریم

سال، که م، سنه، ا دهم جلو
خرچنگ نباشد وسط پرچم
شیر باشد شیر

آلبوم در صندوق

باز که می شوم
همگی ساکت می شوید و رنگ سپید و سیاه می
شود
بدون حرکت، نه بمب دستی می سازید

نه کوکتل مولوتف

یادگاری ۱۳۵۷

نه روی خرده های شیشه می دوید و

نه پرچم هایتان را در بادی که نمی وزد تکان می
دهید

یادگاری خرداد شصت

نخ بادبادک را سفت گرفته ام

و می ترسم از دراکولا در سینما ایران

یادگاری تابستان ۶۷

می ترسم از صدای اذان

توی عکس: آقا نشسته بود روی اسب

حالا نیست روی دیوارمادر بزرگ



اتوبان از اتاق گذشته است!

بوی پرتقال می دهد هر چیز و از رودخانه می گذرد

زیر پل چه سربازانی برای ماهی آزاد

با تفنگ می دوند

بر قلوه سنگ ها:

چکه های خون

قورباغه ها

توی صندوق هم که می دانی: نمی شود نفس کشید

همچون گیاهان رسته در تاریکی

نگران

با اندامی از سایه آنقدر رفته اید که دیگر:

نه آفتابی می سوزد، نه نسیمی می وزد

خبرهای تازه همان است که هر روز در این آسمان

چوبی و قفل

در هم کشیده می شوید و رعد و برقی بلند

از چشم های شما توی این تاریکی می گذرد

خشن ترین دست ها

زیباترین چیزها را پرداخت کرده اند

مثل انقلاب

تحویل می دهند و می روند

ساعت استراحت

تمامشان شبیه به هم هندوانه می خورند و چای



نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمدیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی،

زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان،

زینت میرهاشمی، آناییتا اردوان، جعفر

بویه، مهدی سامع

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز

ایران و جهان، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها

بخش شنبداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

آثار جام زهر هسته ای در سفر

هیات اروپایی

منصور امان

۱۶ آذر، تا آخرین نفر،

آخرین نفس

لیلا جدیدی

شهادت فدایی

دی ماه

رفقا: فتح الله کریمی - خاطره جمالی
- مرتضی حاج شفیعی ها - حسین محمودیان - مرتضی احمدی - سیروس قصبی - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اصیل - بهمن روحی آهنگران - مسرور فرهنگ - حسن نوروزی - فاطمه (شمسی) نهانی - شاهرخ میثاقی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج کشور) - خدابخش شالی به دست دژخیمان شاه و خمینی در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از سال ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

گردیده اند و بیاد آنان که به اعتراضات گسترده در دانشگاه و در خیابانها دست زدند و هدف وحشیگری مزدوران بسیجی و لباس شخصی و امنیتی قرار گرفتند، حک شده و پاس داشته می شود.

حکومت جمهوری اسلامی یکبار دیگر با تغییر شکل ظاهری و روی کار آوردن رییس جمهور "اعتدال" نشان داده است که ظرفیت هیچگونه اعتراض و شنیدن صدای آزادیخواهی مردم ایران و به ویژه دانشجویان را ندارد. از این رو، این مبارزه تا سرنگونی حکومت ولایت فقیه و تا برقراری آزادی و دموکراسی و روزی که دانشگاه پر شور و فعال در سرنوشت کشور مداخله گر باشد، ادامه خواهد داشت.

با درود به همه زندانیان سیاسی و به ویژه در روز دانشجو به زندانیان دربند از جمله مجید توکلی، ضیا نبوی، شنم مدزاده، بهاره آیت، مجید دری، عبدالله مومنی و بسیاری دیگر، روز دانشجو را پاس می داریم.

فراسوی خبر... شنبه ۱۶ آذر بار دگر شانزدهم آذر، آمد و سر به سر، در قلوب مردم شعله افکند جنبش دانشجویی ایران، به خون شهیدان، در ره خلقمان، خورده سوگند که تا آخرین نفر، آخرین نفس، کوشیم و بشکنیم، دیوار این قفس در ره آزادی ایران

شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ پرچم مقاومتی را بر افراشتند که نماد آزادیخواهی و مقاومت نسل آگاه و جوان گشته است. این روز نقطه عطفی در جنبش دانشجویی است که سالها پیش از آن نمود پیدا کرده بود. بیش از نیم قرن مبارزه در برابر رژیمهای فاسد از جمله دو رژیم فاسد و دیکتاتوری شاه و استبداد مذهبی جمهوری اسلامی.

به همانگونه که سرکوب جنبش دانشجویی با ریختن خون این سه قهرمان برای دیکتاتوری شاه سخت و سنگین تمام شد، مقاومت شکست ناپذیر این جنبش، جمهوری اسلامی را نیز به زیر خواهد کشاند. از این روست طی سالها تلاش کرده با فریبکاری و جعل، حکومت ننگین خود را به این روز مرتبط کند، هر سال در آستانه فرا رسیدن روز دانشجو هر چه بیشتر بر بار امنیتی و خفقان زای دانشگاه افزوده تا دانشجویان نتوانند خشم و نارضایتیهای خود را بروز دهند.

امروز به نام دانشجویانی که به خاطر خواسته های حق طلبانه و عدالت خواهانه خود در گوشه سلولهای هولناک جمهوری اسلامی بسر می برند و حتی از امکانات به اصطلاح قانونی هم بهرمنند نمی شوند، به نام دانشجویانی که جان خود را به خاطر باورهای حق طلبانه شان از دست داده اند، شکنجه شده و یا از دانشگاه اخراج

نیستند، بیشتر از همه به دلیل هراس از تحرک بیشتر مخالفان و منتقدان و پیشروی جامعه در قلمروی که "نظام" وامی گذارد.

با این همه و به رغم ژستهای خشم آلود و ناراضی میزبانان هیات یاد شده، یک مقایسه ساده هم می تواند نشان دهد که دعوت از فرستادگان اروپایی با وجود آگاهی از گنجانده شدن مساله "حقوق بشر" در دستور سفر آنها، یک عقب نشینی آشکار نسبت به رویکرد "نظام" در سال گذشته است که به دلیل طرح همین موضوع، مانع از سفر هیات پارلمانی اروپا شد.

چرخش مزبور به خوبی تنگنا و نیاز حاکمان ایران به کاهش یا رفع مجازاتهای بین المللی فراتر از "تحریم هسته ای" که در توافق ژنو بدان اشاره گردیده را آشکار می سازد. از سوی دیگر، برای تاجران و فروشندهگان اروپایی، انعطاف نمایشی ملامها یک گام ضروری برای زدودن تردیدهای اخلاقی و سیاسی در کشورهای خود در مورد معامله با افراد و حکومتهای معاشرت ناپذیر است.

بی تردید این پرسش که "اقدامات مثبت" استبداد مذهبی چه ماهیت و گستره ای دارد، کسب و کار بازرگانان حریص یا هیاتهای پیش فراول که راه آنها را هموار می کنند نیست، اما دستکم در این مورد مشخص، پرسش مزبور حتی مطرح هم نمی تواند بشود. جنجال سیاسی و درگیری مقامهای حکومت نشان داد که "نظام" ظرفیت مانور گرد بند ناف حیاتش را حتی به طور ظاهری و سطحی هم ندارد.

آنچه که امروز شدنی نیست، به معنای ناممکن بودن همیشگی نیست. زهری که آقای خامنه ای و همدستان گام به گام در حین "نرمش هژمندان" رو به عقب می چشند، به تدریج اثر می کند. فشار جامعه می تواند به این پروسه شتاب بخشد و به موازات آن، تفاهمهای فاسد خارجی با ماهیت منفعت طلبانه را بی اثر سازد.

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۷ آذر رژیم ولایت فقیه زیر آثار نخستین جرعه جام زهر هسته ای در حال پیچ و تاب خوردن است. هیاهوی به راه افتاده گرد سفر یک هیات پارلمانی اروپا به ایران و نزاع داخلی مقامها و نهادهای حکومتی که آن را همراهی می کند، بخش دیگری از این پیامدهای ناخواسته است.

دیدار هیات هشت نفره مزبور با دو تن از معترضان شناخته شده، خانم نسرین ستوده و آقای جعفر پناهی، به یک جنجال پُر سروصدا در بالاترین سطح سیاسی جمهوری اسلامی دامن زده است. در حالی که حکومت امید فراوانی به بهره برداری تبلیغاتی از سفر هیات پارلمانی اروپا بسته و برای خرج کردن آن در معامله های بازرگانی حساب باز کرده بود، اکنون آن را آماج حملات تند خود قرار داده و مجلس از یک سو و دولت از سوی دیگر، به تیریه خود از برنامه سفر هیات مزبور می پردازند.

همزمان، باند رقیب دولت از بررسی موضوع در کمیسیون امنیت ملی مجلس خبر داده و احتمال احضار وزیر خارجه به مجلس را به میان آورده است. دولت نیز به نوبه خود، حریفانش را مسوول سفر هیات و دیدارهایش معرفی می کند. در یک گام جلوتر، روز گذشته (سه شنبه)، رییس دیوان عالی کشور، "دولتمردان" را به "خیانت" متهم کرد.

با توجه به اینکه سفر هیات اروپایی و ترتیبات آن از پیش هماهنگ شده بوده، بخش اصلی درگیری پاپوران حکومت را می توان در طبقه بندی "جنگ زرگری" و برای گل آلود کردن آب و پوشش ذنباله دار شدن "نرمش قهرمانانه" جای داد. آنها مایل به برجسته شدن این زاویه ناگزیر از عقب نشینی هسته ای